



نشریه الکترونیکی، فرهنگی، خبری

اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی

سال سوم - شماره ۳۳ - شهریور ۱۳۹۹

آیت الله خامنه‌ای: فعالیت جهاد کمتر از سپاه و ارتش نیست و گاه کار سازتر است **۵**

پرونده ویژه: کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی در دفاع مقدس **۱۰**

همت زنانه، تلاش مردانه **۲۳**

طرحی، کامپیوتر جبهه‌ها **۲۴**

گزارش یکساله عملکرد اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی **۲۶**

از هالتوجان تا آکواتان **۳۳**

گزارش و اسنادی از عملیات قادر **۶۵**



چهلمین سالگرد دفاع مقدس



نهضت حسینی (ع) با شهادت جان گرفت و  
نهضت عظیم کربلای خونین ملت ایران  
تداوم همان راه است.

مقام معظم رهبری

# کوشش و کفایت



اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی





### پا به پای آفتاب

گرامی و بلند باد، یاد جوانان عزیزی که در سنگر استوار عشق و ایمان، در جبهه‌های دفاع مقدس، افتخار لقب سنگرزبان بی‌سنگر را به دست آوردند و جان شیرین و جوانی زیبا را تقدیم اسلام و مسلمین کردند.  
مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

### گام به گام با یاران امام (ره)

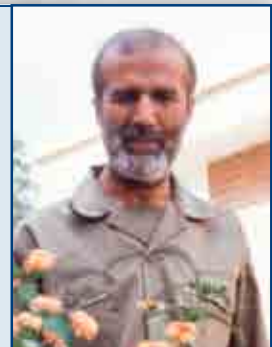
شما (جهادگران) از لحاظ عمل و گفته رسالتی عظیم بر دوش داشته و از این نظر روشی نظیر روش انبیا دارید. در میان روستاها نقش بسیار قابل توجهی پیدا کرده اید و حتی در بسیاری از موارد مردم وقتی بخواهند بگویند انقلاب به جای نرفته است، می‌گویند جهادسازندگی به آنجا نرفته است... انشاءالله در آینده بتوانیم دولتی داشته باشیم که کارهایش را به شکل جهاد انجام دهد.  
شهید محمد علی رجایی



### یاد شهدا، کلام شهدا

لطمه به حیثیت جهاد، لطمه به انقلاب و اسلام است. جهاد نهادی انقلابی است و مردم انتظارات زیادی از آن دارند. من به عنوان عضوی ساده از جهاد سازندگی به یاد دارم در بسیاری از روستاها که می‌رفتیم، به ما می‌گفتند: «اینها از طرف امام(ره) آمده اند...» و ما هر چه می‌گفتیم از جهاد هستیم، می‌گفتند که خب جهاد، همان امام است دیگر! یعنی مردم ما را به عنوان فرستاده و رسول امام(ره) می‌بینند که اگر در شهرها و روستاها خطا کار باشیم، ناخواسته به حیثیت امام(ره) لطمه می‌زنیم و اینجاست که خطا خیلی بزرگ می‌شود، که خداوند انشاءالله همه ما را اصلاح بکند.

جهادگر شهید حاج محمد علی بارگاهی  
(مسئول تعاون اینارگران ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی)



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیل

## فهرست مطالب

### ■ سرمقاله

جهاد گران و «مجاهدت خاموش» ۳/

### ■ فرهنگ جهادی

آیت الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی: فعالیت شما کمتر از سپاه و ارتش نیست و گاه کارسازتر است/ ۵/

### ■ رویدادها

دنیای مجازی گردهمایی فرماندهان/ ۶/  
گردهمایی فرماندهان در گذر تاریخ/ ۸/

### ■ پرونده ویژه

کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی در دفاع مقدس/ ۱۰/  
روایتی از زندگی و زمانه‌ی شهدای جهادگر پزشک/ ۱۱/  
مصاحبه با جهادگر شهید دکتر سید محمد حکیم مسئول کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی خوزستان/ ۱۳/  
گفتگو با دکتر سیدعباس فروتن/ ۱۵/  
نمونه‌ای از آمار فعالیت‌های بهداشتی و درمانی و پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد/ ۱۷/  
نگاهی به فعالیت‌های واحد تعاون ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی/ ۲۱/

### ■ گفتگو

روایت سیده بهی خانم زولایی از روزهای حماسه/ ۲۳/  
روایت محسن امیریان از بنیانگذار پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد/ ۲۲/  
گزارش یکساله عملکرد اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی به روایت سید حمزه رضوی/ ۲۶/  
مهندس زنگنه در سمینار جمع بندی و ثبت تجارب (۱۳ دی ماه ۱۳۶۷)/ ۳۰/  
از هالته‌جان تا آلواتان/ ۳۲/

### ■ تاریخ شفاهی

مروری بر تاریخ جهاد سازندگی/ ۳۵/  
بازشناسی و تبیین تاریخ انقلاب اسلامی/ ۳۸/

### ■ سبک زندگی / ۴۲

### ■ ستارگان جهاد

یاد و خاطره شهدای مرداد ماه وزارت جهاد کشاورزی گرامی باد/ ۴۴/  
گذری کوتاه بر زندگی و زمانه‌ی شهدای شاخص جهادگر در شهریورماه/ ۴۷/

### ■ سیمای مجاهدت

آخرین تولیدات رسانه‌ای مرکز آرشیو و اسناد دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران/ ۴۹/

### ■ مقاله

و ما أدراک ما ألبانک؟ ۵۱/

### ■ ادبیات

معرفی کتاب/ ۵۴/  
انتخاب ایمان به جای ترس/ ۵۶/  
جنگ/ ۵۷/  
انقلاب، از دریچه سینما/ ۵۸/  
انتظار/ ۵۲/  
در امتداد خط/ ۶۲/

### ■ یاد یاران

تجسم کربلا/ ۶۴/

### ■ عملیات‌ها و اسناد

عملیات قادر/ ۶۵/  
عملیات قادر به روایت یکی از فرماندهان مهندسی رزمی قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)/ ۶۹/

### ■ از دیگر رسانه‌ها

با کنترل مسائل بهداشتی، عشق حسین(ع) را فریاد می‌زنیم/ ۷۲/

### ■ اخبار / ۷۴

صاحب امتیاز: اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی  
مدیرمسئول: سید حمزه رضوی  
زیر نظر شورای سردبیری  
گروه جهادی: فتح الله نادعلی، صادق صدقگو، عبدالله فاتحی، علیرضا بارگاهی، فاطمه آقاجانی بیگی، مه‌ری لایقی  
همکاران این شماره: نصرت اله محمودزاده، زهرا شادلو، موسی کیخا، سیده زینب اسکندریان، مهدی محمدی، جواد زرگر، محمدمهدی عابدینی، سعید زجاجی، معصومه‌نهادوندی  
مدیراجرایی: حمیده حیدری  
گرافیک و صفحه آرایی: مسعود مصیبی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بعد از چهارراه بهار شیراز  
نیش کوچه طباطبائی مقدم، شماره ۳  
ساختمان شهید طر حچی، طبقه ۳  
۰۲۱-۷۷۶۸۳۲۸۹-۷۷۶۸۳۲۸۸  
۰۲۱-۷۷۵۰۸۰۵۹  
پست الکترونیک: ISAR-JAHAD@AGRI-JAHAD.ORG  
Isaarojahad@gmail.com  
dhrd.maj.ir  
کانال تلگرام: t.me/isaarojahad  
پیام‌رسان ای‌تا: eita.com/isarjahad



شما با شناسایی این بارکد در تلفن همراه خود می‌توانید آرشیو مجلات «بیل» را مشاهده کنید

# جهادگران و «مجاهدتِ خاموش»



صادق صدقگو

«مگر شما از اینها می‌ترسید!؟»

این آخرین جمله‌ی راننده لودر خطاب به جانشین فرمانده گردان کمیل بود. جهادگری که ناجی عملیات کربلای یک شد و در حال احداث خاکریز دوجداره، با شلیک مستقیم توپ ۱۰۶ میلیمتری دشمن به شهادت رسید.

کلام ماندگار آن سنگرساز بی‌سنگر، حدیث فتح و ظفر رزمندگان در آزادسازی مهران شد. حکایت حیات و مجاهدت جهادگران در دوران هشت سال دفاع مقدس، سرشار از ماجراها و رویدادهایی در به سُخره گرفتن «مرگ» است. روایت‌هایی که زبان از بیان و بنان از به تصویر کشیدن آن قاصر است و به عنوان مثال اگر لودر کاترپیلار جهاد اصفهان زبان بگشاید، شاید بتواند داستان ایثار و نحوه‌ی شهادت پانزده راننده‌ی خود آن هم در یک شب از عملیات کربلای پنج را برای ما بیان کند.

روایت‌هایی «حماسه‌آفرین و غم‌انگیز که عرق جبین جهادگرانی را حکایت می‌کند که قبل از شروع عملیات و در نیمه‌های شب، کار خود را آغاز می‌کردند»<sup>۱</sup> که «با هر قطره‌ی عرق‌شان در امر مهندسی رزمی، یک قطره خون در میدان جنگ کمتر بر زمین ریخته است.»<sup>۲</sup> از آغاز آن روزهای سراسر حماسه‌آفرینی، آتش و جانفشانی چهار دهه گذشته است. جماعتی از بهترین فرزندان امت پیامبر(ص) از بلندای سه متری لودرها و بولدوزرهای غول پیکر، با پروازی ابدی به دیدار معبود و وصال یاران رسیدند.

آنها در کسوت سنگرسازان بی‌سنگر، با رفتن خود کاری حسینی(ع) کردند و برای اهل یقین، تبدیل به امام‌زادگانِ عشقی شدند که مزارشان زیارتگاه دل‌سوختگان و تربت پاک‌شان مزار عاشقان، دارالشفای

آزادگان و یادشان حیات بخش دل‌های عارفان شد.<sup>۳</sup> برخی دیگر نیز که از آن قافله نور، شور و حضور جا مانده بودند، کاری زینبی(س) کردند و عاشقی و دلدادگی را در قاموس خود به شیوه دیگری تعبیر نمودند و با قامتی استوار اما رنجور و زخم خورده، آیینهای تمام‌نما از جلوه‌های ماندگار دوران رزم آوری و مجاهدت جهادگران شدند.

اما در این میان، برخی رسانه‌ها یا تریبون‌ها، روایت‌های متفاوت و حتی متناقضی در به تصویر کشیدن جلوه‌های ایثار جهادگران داشته و دارند و بر این اساس، دو تفسیر از «جهاد سازندگی» را در ذهن مردم جامعه شکل داده‌اند، اولی مفهومی است قریب و آشنا و مفهوم دیگر هم غریب و ناشناخته است.

در خوانش نخست، «جهاد» تبدیل به مفهومی آشنا برای مردم دشت و کوهستان، نامی دل آرام برای مردم کویر، همنشینی دلسوز برای روستاییان و نوایی دلنشین به عمق درون همه انسان‌های پاک سرشت شده است. معنایی بالاتر از عشق که می‌توان آن را حتی در دل و جان شهروندانی که در کوران حوادث بعد از پیروزی انقلاب، دستی بر آتش نداشته‌اند و یا جوانانی که ظاهرشان با الگوهای عرفی و رسمی هم‌خوانی ندارد، بیابیم. انسان‌هایی که به «فضیلت مجاهدت» باور دارند، خدمت صادقانه و مخلصانه را پاس می‌دارند و شهدا و ایثارگران را «منادبان عزت و شرافت» این مرز و بوم می‌دانند.

اما معنای دیگر بر محور تفسیری تحریف شده و تصویری غیر واقعی از جهاد سازندگی شکل گرفته است. تصویری که نقش «جهاد در جهاد» را محدود و مخدوش کرده و از آن «شجره طیبه و یادگار ارزنده امام(ره)»<sup>۴</sup>، مفهومی غریب و بیگانه را به جامعه ارائه داده است. محتوایی بیگانه با ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی که بُعد مردمی





جهادتی خاموش برای آنکه گردِ خاموشی از چهره خود و غبارِ فراموشی از قابِ خاطرات پرمخاطره‌شان بزایند و ناگفته‌هایی که سال‌هاست در سینه‌های غم‌زده‌شان مانده است را بازگو کنند تا آیندگان بدانند در سال‌های طلوع خورشید انقلاب، برای دفاع از انقلاب ارزش‌ها و حفظ ارزش‌های انقلاب بر امت امام(ره) چه گذشته است.

مجاهدتی مقدس در راستای زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره حماسه‌آفرینی‌های سنگرزبان بی‌سنگر و تلنگری برای بیدارسازی وجدان‌های مکتوم و گریز از خواب غفلت و فراموشی.

حرکتی اثرگذار به منظور پاسداشت شعار محوری و ماندگار «همه با هم» که یادآوری کند «ما می‌توانیم» همچنان در گرو خواستن ماست.

بی‌نوشت:

۱. بخشی از سخنان سردار سرلشگر پاسدار دکتر محسن رضایی (فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران جنگ تحمیلی)

۲. اشاره به سخنان سردار سرلشگر جهادگر شهید سیدمحمدتقی رضوی (قائم‌مقام قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) و فرمانده ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد)

۳. اشاره به سخنان امام خمینی (ره): همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود (صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۹۳)

۴. اشاره به سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از مسئولین جهاد سازندگی: جهاد سازندگی، یادگار ارزنده امام بزرگوار ماست. حقیقتاً شجره طیبه‌ای است که به دست با برکت امام بزرگوار، غرس شد و رشد کرد و میوه داد و کشور و ملت را در مراحل مختلف بهره‌مند کردند. (۱۳۷۷/۰۷/۱۵)

۵. صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۳۳۸

جهاد را کم‌رنگ کرده و به تبع آن، فرهنگ و روحیه جهادی به عنوان مهمترین نقشه‌ی راه در گام دوم انقلاب را به مسلخ زوال و اضمحلال برده است. ترویج این مفهوم مجعول، تنها بر نوع تلقی و برداشت عمومی از خدمات، ابتکارات و اقدامات «جهاد سازندگی» اثر گذار بوده که حتی نگاه مرسوم و معمول جامعه به مفهوم «جهاد» را نیز دستخوش تغییر یا استحاله کرده است.

نیروهای پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد، پیش‌تر از نیروهای رزمی و بدون هیچ سنگر و جان‌پناهی، به پیشواز «مرگِ سرخ» رفتند و مظلومانه در حصار دشمن به دیدار معبود شتافتند و «نقش آنان در جنگ، کمتر از نیروهای نظامی نبوده و نیست، و این اقراری است مکرر از سوی فرماندهان ارثی و سپاهی ما که اگر جهاد نبود پیروزی با این سرعت به دست نمی‌آمد»<sup>۵</sup> اما حتی قبول قطعنامه ۵۹۸ هم برای آنها به منزله پایان جنگ نبود و آغازی بر ماجراهای دیگری بود.

آغاز نوعی تراژدی که نه تنها هویت و اصالت آنها نشانه رفته بود که فعالیت‌ها و اقدامات آنان را هم کم اهمیت جلوه می‌داد و با تحریف بخش مهمی از تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، خدمات و ابتکارات جهاد را نادیده می‌گرفت.

حکایت مجاهدت و ایثارگری جهادگران، به روایت‌های جاری از زندگی و زمانه آنها در دوران محرومیت‌زدایی و عمران روستایی، پشتیبانی و مهندسی جنگ، بازسازی و سازندگی کشور محدود و محصور نیست. آنان پس از دفاع مقدس نیز برای حراست و پاس‌داری از هویت خود، به جنگ با تحریف‌کنندگان تاریخ رفتند و این مجاهدت‌شان همچنان ادامه دارد.

آیت الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی:

## فعالیت شما کمتر از سپاه و ارتش نیست و گاه کارسازتر است



اگر نهادها، بخصوص جهاد و سپاه در چشم مردم عزیز نباشند انقلاب از منزلت می‌افتد و هرکس این دو نهاد را از چشم مردم بیاندازد به انقلاب صدمه زده است. سعی کنید در کیفیت برخورد با مردم و خدمت به آنان طوری باشید که منزلت جهاد را بیشتر کنید. من رهنمودی برای نهادها و بخصوص جهاد دارم و آن اینکه رابطه و هماهنگی این نهادها با ارگان‌های دولتی باید بیشتر شود و با آنها مسابقه در انجام عمل خیر بدهید نه خدای ناکرده رقابت ناصحیح و بخصوص سعی کنید خلاقیت و کیفیت کار را بالا ببرید و بخشی در رابطه با کارهای ابتکاری جنگ و غیره تشکیل دهید و نیز ارتباط با ولایت فقیه و حرکت پشت سر ولی فقیه را که دارید بیشتر کنید. من زحمات شما را می‌دانم و اطلاع دارم که فعالیت شما کمتر از سپاه و ارتش نیست و گاه کارسازتر است اگر هم کم تبلیغ شده است بدانید که از خدا پوشیده نیست. البته تبلیغ هم جهت اطلاع مردم لازم است.»

منبع: دو هفته نامه جهاد (ارگان جهاد سازندگی)، شماره ۲۵ - ۱۶ دی ۱۳۶۰

برادر شفاعت عضو شورای بازسازی مناطق جنگی در مورد طرح‌های مقدماتی تهیه شده در بازسازی مناطق جنگی توضیح داده و در قسمتی از سخنان خود چنین اظهار داشتند: «ابتدای کار تهیه اطلاعات و آمار و هماهنگی با ارگان‌های زیربسط است تا انشاءالله با پیروزی جنگ و با بسیج مردم و جلب حمایت مادی و معنوی آنان روستاهای اطراف جنگ‌زده را بازسازی کنیم و برای شروع کار نیز در نظر داریم که یک گروه تحقیق مشخص کنیم تا بافت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... مناطق را بررسی کنند تا متناسب با آن چند روستای نزدیک را ادغام کرده و بازسازی کنیم. همچنین در نظر داریم شهرک‌های کشاورزی و صنعتی را بنا کنیم.»

سیس برادران جهاد مشکلات و نیز پیشنهادات خود را در این رابطه ارائه دادند. در پایان رئیس جمهور سخنانی ایراد کرد. وی در قسمتی از سخنان خود چنین گفت: «نهادهای انقلابی، فرزندان حقیقی انقلابند و آبروی آنان، آبروی انقلاب است که باید حفظ شود و موظف‌ترین کسان برای حفظ آن خود نهادها هستند.

مسئولین ستادهای پشتیبانی مناطق جنگی جنوب و غرب کشور به همراه اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی به منظور بحث و تبادل نظر درباره بازسازی مناطق جنگی با تنی چند از مسئولین کشور دیدار و گفتگو کردند. در این دیدارها فعالیت‌های مراکز جهاد سازندگی در مناطقی جنگی و مشکلات به اطلاع مسئولین کشور رسید.

اولین ملاقات در روز ۳۰ آذرماه با رئیس مجلس شورای اسلامی بود که در این ملاقات ضمن ارائه گزارش فعالیت ستادهای پشتیبانی در مورد مشکلات نیز سخن گفته شد و در این دیدار رئیس مجلس نقش جهاد سازندگی را در جبهه‌ها ستوده و از آنان تشکر کرد.

در روز اول دی نیز مسئولین ستادهای پشتیبانی بحضور حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور رسیدند در این دیدار نیز برادر آخوندی عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی مقدمه‌ای از فعالیت جهاد سازندگی در جبهه‌ها گفت و سپس برادر ناجیان و برادر حیدری مسئولین ستادهای پشتیبانی جنوب و غرب گزارش فعالیت‌های خود را ارائه دادند و سپس



## گردهمایی فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و شیوع ویروس کرونا

# دنیای مجازی گردهمایی فرماندهان



گردهمایی فرماندهان پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد، سال ۱۳۹۵

داخل سالن راهنمایی کنند تا برنامه شروع شود. سالن یک پارچه حال و هوای مرام سنگرزبان بی سنگر را گرفته. سال هاست که در هفته دفاع مقدس این نشست انجام می شود؛ یک تجدید دیدار صمیمی بین فرماندهان قرارگاهها تا رده های پایین مهندسی رزمی جنگ که هشت سال زیر آتش و دود و باروت دوستی و پیوند قلبی آنها شکل گرفت.

احساس نشاط دارم. تعدادی از بچه ها با چهره های عبوس در اثر مشکلات شخصی و کاری، به این جمع می پیوندند؛ اما طولی نمی کشد که آثار غم در چهره ها کمرنگ می شود. بازگشت به گذشته برای پنج ساعت؛ درست مثل کسی که هنگام رانندگی هر از چندگاه با آینه، پشت سرش را می باید تا کسی به او نزند. بعد از جنگ خیلی ها از پشت ضربه خورده اند و هنوز درگیر آن هستند. امروز نیز قرار است هم چون سال های قبل متنی را بخوانم. بچه ها توقع دارند از ادبیات حماسی همان ایام دود و باروت بنویسم. هر سال یکی از شخصیت های مطرح دعوت می شود که سخنرانی کند؛ دوست دارند عملکرد خودشان را از زبان دیگران بشنوند. ناگهان همه برخاسته و با شعار از یک روحانی پا به سن استقبال می کنند. همیشه

از بزرگراه همت می پیچم چمران تا برسم به سالن اجلاس در ابتدای ولنجک. اغلب بچه ها یک ساعت قبل از شروع برنامه خودشان را می رسانند که در محیطی صمیمی بخندند و گپ بزنند تا بیشتر خوش بگذرد. گاهی این نگاهها در سکوت، معرکه می کند. جهادگرانی که از استانها آمده اند، بیشتر گرم می گیرند. وقتی با قطعنامه ۵۹۸ از جنگ بیرون رانده شدند و مجددا وارد زندگی شدند، در مواقعی در پیچ و خم زندگی کلافه می شدند و گاه به زندگی در سنگر پناه می بردند تا آرام بگیرند.

چه ولوله ای در فضای لابی بزرگ سالن پیچیده. با هر کدامشان که رودررو می شوم، بخشی از جنگ در نظرم تداعی می شود. چهره بعضی از فرماندهان مرا از ابتدا تا انتهای جنگ همراهی می کند؛ کسانی که در اغلب عملیاتها همراهی ام می کردند تا خودم را به قلب عملیات برسانم و سپس از رزم آنان در تاریکی شب در زیر آتش بنویسم. من در دل عملیات راوی جنگ بودم و با بسیاری از اینها در حین عملیات آشنا شده بودم.

دور تا دور سالن اجلاس با تصاویر شهدای مهندسی رزمی جنگ جهاد تزئین شده است. چند نفر مأمور می شوند که بچه ها را به

هر سال به بهانه هفته دفاع مقدس، دل های جا مانده از شهدا در جمع صمیمانه فرماندهان مهندسی جنگ جهاد سازندگی جلا می یافت. در جمع این عزیزان مطلبی ارائه می دادم که در واقع حرف دل خودشان بود. گاه از «جهاد باقی» تا «جهاد فانی» سیر می کردیم و گاه از عظمت جنگ بلدزرها با تانکها. هر سال که قصد دیدار با این عزیزان را می کنم، با نشاط به جمع یاران می پیوندم. نوشته ی زیر خاطره ی گردهمایی سال ۱۳۹۵ است که مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی میهمان ما بود.

...قاعدتا امروز می بایستی ساعات با نشاط و مفرحی داشته باشم. گاهی از اوقات باز کردن پرونده گذشته، آینه آیندهات را شفاف و پرتراوت می کند. پنجشنبه های تهران، نسبت خلوت تر است و آرام می رانم. کم کم هوای پاییزی از غرب تهران وارد این کلان شهر می شود و کمی از گرما و دود و دمش می کاهد. مردم در پیچ و خم زندگی عادت کرده اند که سرشان به کار خودشان باشد تا بلکه شب که برمی گردند زیر سایه خانواده، حرفی برای زدن داشته باشند.

اغلب راننده ها با بوق خودروی جلویی را هل می دهند بلکه چند دقیقه ای زودتر برسند؛ چند دقیقه ای که خودشان هم می دانند عبث است و مشکل از جایی دیگر. ما اما هیچگاه در شب های علمیات، با این جهادگرانی که اکنون به جمع شان خواهم پیوست، چنین حسی نداشتم. در برابرمان میدان مین و سپس خاکریز بلندی بود که می دانستیم چند تیربارچی و تانک در انتظارمان است؛ بخصوص راننده های بلدوزر که می بایستی قبل از خطشکان وارد عمل شوند و جان پناه موقتی در صدمتری دژ عراقی ها می زدند تا برای خیز آخر، نفس بگیرند؛ همین جهادگرانی که اکنون با موی سفید و چهره ای شبیه کهنه سربازان، قرار است دور هم جمع شوند.

نصرت الله محمودزاده



آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پرونده جهاد در جنگ را با استدلال بیان می‌کرد. پشت میکروفن قرار می‌گیرد و سالن در سکوت فرو می‌رود. او این بار نقش جهاد در جنگ را در سه محور تقسیم بندی می‌کند؛ دو محور آن مربوط به فعالیت‌های مهندسی در منطقه و عملیات است که به پل خیبر و جاده سیدالشهدا در عملیات خیبر و همچنین پل بعثت در عملیات والفجر ۸ اشاره می‌کند. این دو محور از عملکرد جهاد، از زبان فردی که نماینده امام در جنگ بود و فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء را به عهده داشت، خیلی دور از انتظار نیست. آیت‌الله نفس می‌گیرد که برود سراغ محور سوم جنگ؛ محوری که اعتقاد دارد تاکنون کسی به آن نپرداخته است. نفس‌ها در سینه حبس می‌شوند و خودش هم کمی سکوت می‌کند و نگاهی به جهادگران چشم‌انتظار می‌اندازد. در چهره‌ها می‌خواند که همه کنجکاو شده‌اند که محور سوم، و به عبارتی ناگفته عملکرد جهاد چیست! همین کنجکاو را با طراوت بیشتری در چهره فرمانده‌ها مشاهده می‌کنم. نمی‌دانم چرا آقای هاشمی رفسنجانی عمداً این سکوت را طولانی می‌کند؛ سکوتی شبیه نیم ساعت قبل از شروع عملیات‌ها که گاه جان ما را بالا می‌آورد تا با آتش پرجمعی شکسته شود و خواندن رمز عملیات پایان‌بخش آن بود. آیت‌الله خیلی آرام ادامه می‌دهد که اگر این بخش از تاریخ جهاد ثبت نشود، به جهادگران جفا شده است. باز هم کنجکاو‌ها تحریک می‌شود و سکوت سالن سنگین‌تر.

«یکی از کارهای جهاد که از همه‌ی فعالیت‌ها بزرگتر است، ساخت موشک بود. در همین مسیر تهران-کرج، بچه‌های جهاد به سرعت موشکی طراحی کردند و آن‌را پیاده کردند و اولین موشک را که برد نسبتاً خوبی هم داشت، در اواخر جنگ آزمایش کردند و دیدیم بسیار چیز خوبی است. البته سپاه هم جداگانه تحقیق می‌کرد و دو تحقیقات به هم رسیدند. ما امروز که صاحب بزرگترین ضرادخانه منطقه هستیم، مادرش نزد جهاد است. جهادگران با ابتکار نیروهای علمی وارد شدند و توانستند. الان وقتی افتخارات چند هزار کیلومتری موشک مطرح می‌شود و آزمایش می‌کنیم و به فضا می‌فرستیم، کسی یادی از جهاد نمی‌کند و بیشتر نیروهای نظامی و رسمی مطرح

می‌شود، ولی من می‌دانم که جهاد اولین موشک نسبتاً دوربرد را ساخت. اخلاص جهادگران عامل موفقیت آنان بود.»

و این گونه شد که بار دیگر جهادگران به خود آمدند. حس می‌کنم امسال نیز سالن گردهمایی محفل امن جهادگران است و مطلبی را به این عزیزان تقدیم می‌کنم. یاران ایام جنگ رودرو نشسته‌اند و من، نجوا می‌کنم حرف‌های دل این عزیزان را با شهدا.

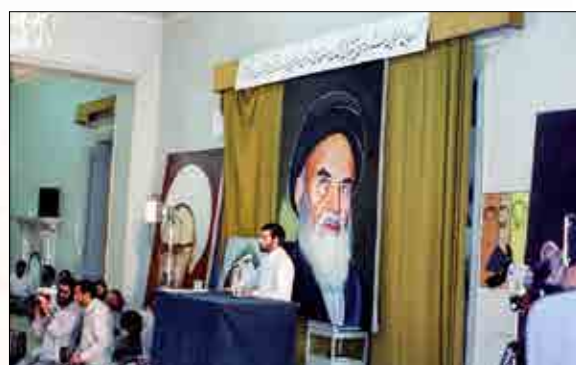
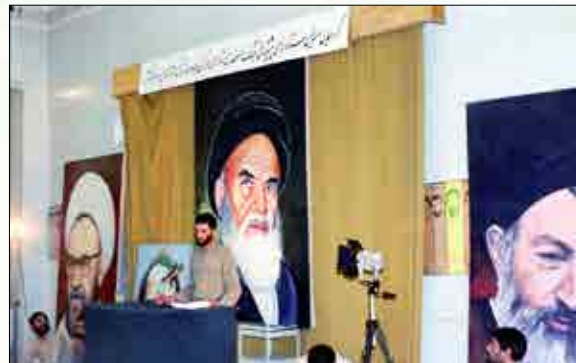
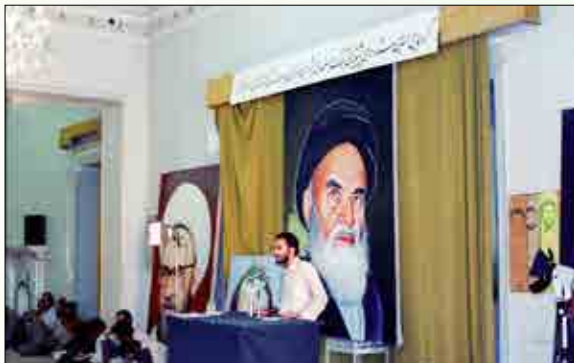
\*\*\*

گاه تنهایی، عین جماعت است  
و گاه اشک، عین قهقهه مستانه شهدا  
با ما سخن نمی‌گویی، طرحچی، رضوی؟  
بازمانده آن روزهای جنگیم  
دنبال سنگر آن روزهایم، بلکه آرام گیریم  
با شما، محرم اسرار سنگر سازان بی سنگر  
خاموش زمانه‌ی سهم خواهی از جنگ  
با هیچ پا یه جنگ گذاشتید و بی هیچ  
سهمی برگشتید  
آه از این قصه‌های ناتمام بچه‌های جنگ  
با شما، فرمانده‌ها در حسرت گردهمایی  
دیدار یاران،  
بیایید لحظاتی حضورمان را در جنگ مرور  
کنیم  
آن شبی که زار و پریشان، در میخانه فکه  
زدیم  
لحظاتی برویم چزابه، شلمچه و خرمشهر  
بروم در قلعه‌های سورن و بازدار جمع شویم  
روی قله به شهیدان بگوییم؛  
باز کن ساقی من، منم آن مطرب تو  
که در این تنهایی، بشکست ساز دلم  
از بلندای دژ ۵ ضلعی، فریاد بزیم،  
آمده‌ام، جان به لبم، بنگر سرخی اشکم.  
به دلم شور خدایی است،  
به راستی، جایگزین یاران در تنهایی  
چیست؟ اشک؟  
اشک شوری است پر درد، یار شعوری است،  
هم‌درد  
اشک جوینده است و یار پناه دهنده  
شهدا، نمی‌بینید چقدر دلتنگ شمایم؟  
سالهاست که در پی گمشده‌ای می‌گردیم  
گاه که به پرواز شهید می‌نگریستیم،  
اشک بود و اشک بود و حسرت جدایی یاری  
دیگر  
و سپس، پشت آن خاکریزهای زخم خورده  
شلمچه گم‌شان کردیم  
دور گشتیم از جمع یارانی که،

وسعت خون شهیدان، تا به محراب سحر  
خیزان بود  
یاران محروم از گردهمایی،  
از آن روزها چه به یادمان مانده؟  
آن روزها تا کی همراهیمان می‌کنند؟  
ما جهادگران، با یار رفتیم، بی‌قرار برگشتیم  
اما، رفتیم و غیرت را آموختیم  
ما از جنگ زندگی شرافتمندانه می‌خواستیم  
وای که چه سخت است این لحظات درام  
جنگ  
فریاد می‌زنی، خدا؛ رفتند یاران، چابک  
سواران  
فرماندهان در خلوت سنگر می‌گریستند،  
تا هیچ جهادگری اشک فرمانده خود را  
نبیند  
طیش نگرانی قلب آنان آهنگ فرماندهی  
برقلب‌ها بود  
آه ای فرماندهان دیروز، برخیزید  
تا ببینی کمر خم شده‌ی یاران را  
گیر کردند در پیچ و خم این روزگار  
سنگری سازید برای آبروهای شریف  
درک کنید خلوت این یاران را  
یادتان هست در آن روزهای عشق؟  
عقل اگر تسلیم بود، عشق میدان‌داری  
می‌کرد  
آن روزها، دره عمیق جنگ را، پل‌های اراده  
جهاد همواره می‌کرد  
آنجا بر مرگ می‌تاختیم و اینجا از مرگ  
می‌گریزیم  
آه از این رازهای سنگرسازان مهندسی  
جنگ جهاد  
کجایی جهاد، این شمایل دنیای آزادی و  
آزادگی  
این حکایت جنگ بلدوزر و تانک در شلمچه  
این حماسه‌های شب‌های قدر کربلا ۵  
آه از فضای سالن خالی گردهمایی امسال  
ما در این عالم شوم کرونا،  
سنگری خواهیم ساخت  
و به هر جهادگر بی سنگر، شاخه معرفتی  
خواهیم داد  
گوش کن قهقهه راه، همه یک رنگ، یک  
دل و همراه،  
سنگری باید ساخت، سنگری خواهیم ساخت  
که در آن گردهمایی دگر رونق گیرد  
پل خیبر بشود حلقه وصل یاران،  
پل بعثت بشود مسیر ما تا شهدا  
و به عشق، ببوییم و ببوسیم همه‌ی یاران را.  
والسلام

## گردهمایی فرماندهان در گذر تاریخ

گردهمایی مسئولین ستادهای پشتیبانی جنگ و اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی  
استان های سراسر کشور - سال ۱۳۶۳







## کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی در دفاع مقدس

«هنگامی که درمان و معالجه و خدمت و پرستاری و پشتیبانی در کنار جنگ قرار گرفت آنوقت ارزش انسانی نیمی از ارزش این کار خواهد شد یعنی یک عنصر جدید و یک ارزش جدید بوجود می آید و آن ارزش نظامی و جهادی است. یک مجاهدت در راه خداست. یک مبارزه با دشمنان خداست... شما شرف تان و افتخار تان بسیار بالاست به خاطر آن اخلاص تان، به خاطر آن نیت تان، به خاطر آن انگیزه و ایمانی که شما را کشاند آورد تا به این مجروحین و این رزمندگان و بندگان صالح خدا خدمت کنید.»

مقام معظم رهبری، سال ۱۳۶۷  
در حاشیه بازدید از بیمارستان شهید بقایی اهواز





## روایتی از زندگی و زمانه‌ی شهیدای جهادگر پزشک

### جهادگر شهید دکتر سید محمد حکیم

سید محمد حکیم در سال ۱۳۳۵ در نجف اشرف متولد شد. دوران ابتدایی را در عراق سپری کرد و به دلیل فشار رژیم عراق به اتفاق خانواده به ایران مهاجرت کردند. طی دوران دبیرستان از شاگردان ممتاز بود و در کنکور سراسری در رشته‌ی پزشکی پذیرفته شد. در دوران دانشجویی فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد و به دلیل تسلط به زبان عربی نقش



مهمی در تفهیم و هدایت مردم بومی و عرب زبان منطقه داشت. با فرمان امام و تشکیل جهادسازندگی با همکاری سایر برادران، کمیته‌ی پزشکی جهاد سازندگی را تشکیل داد و نقش اصلی را در تشکیل داروخانه‌ی جهاد سازندگی ایفا کرد. با آغاز جنگ تحمیلی یکی از مهمترین مسئولیت‌ها را با توجه به بعد تبلیغاتی و بسیج عشائری در رادیو اهواز به عهده گرفت وی سرپرست بخش عربی صدا و سیما، مرکز خوزستان شد. شهید حکیم در سخت‌ترین مواقع این سنگر مهم را به بهترین نحو هدایت کرد و با صدای گرم خود عشایر عرب منطقه را در دفاع از ناموس و حریم جمهوری اسلامی تشویق و ترغیب می‌نمود. سرانجام شهید حکیم در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۱۶ در حین انجام مأموریت دچار سانحه تصادف شد و به شهادت رسید.

### جهادگر شهید دکتر حسن خوراکیان

در اولین روز اردیبهشت ۱۳۳۶ در مشهد متولد شد. در سن هجده سالگی در رشته‌ی مهندسی دانشگاه فردوسی پذیرفته شد ولی چون اعتقاد داشت که رشته‌ی پزشکی از مهندسی مهمتر است با زحمت بسیار دیپلم تجربی گرفت و وارد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران شد. در راه‌پیمایی و تظاهرات شرکت می‌کرد تا انقلاب پیروز شد، در جریان انقلاب اقدام به تأسیس کتابخانه دانشگاه کرد و در انقلاب فرهنگی نسبت به تعطیل کردن دانشگاه‌ها نقش به‌سزایی داشت. پس از آن که جهاد سازندگی به امر حضرت امام تأسیس شد وارد جهاد شد و در بدترین مناطق محروم (مسجد سلیمان) به یاری مردم رنج‌دیده و ستم کشیده آن منطقه پرداخت بعد از مدتی کار و تلاش در آن منطقه در معیت نیروهای پاسدار به سنجندج رفت در این



اثناء و با اطلاع یافتن از اشغال لانه جاسوسی آمریکا عازم تهران شد و در تصرف لانه جاسوسی که امام آن را انقلاب دوم نام نهادند شرکت فعال داشت با شروع جنگ با اکیپ پزشکی شهرستان قم به آبادان رفت و به عنوان رئیس بیمارستان شرکت نفت آبادان مشغول به کار شد. سرانجام حسن خوراکیان پس از ۲۳ سال عمری که در راه رضای پروردگار سپری کرده بود در روز سه شنبه هفتم بهمن ۱۳۵۹ در جبهه ذوالفقاریه آبادان، در حالیکه مشغول مداوای مجروحان و مصدومان بود بر اثر اصابت ترکش خمپاره به آرزوی دیرینه‌اش رسید و به مقام والای شهادت نائل آمد.

### جهادگر شهید دکتر مصطفی شهیدزاده

دوم خرداد سال ۱۳۳۶ خانواده شهید زاده در بهبهان پذیرای قدوم مبارک مصطفی شد. مصطفی کودکی مهربان و تیزهوش بود که هم همسالانش را به شور و نشاط دعوت می‌کرد و هم در مشکلات درسی و غیردرسی یار و یاورشان بود در سال ۱۳۵۵ با کسب رتبه اول دیپلم منطقه گچساران، در رشته دندانپزشکی دانشگاه



شیراز، پذیرفته شد. اما به دلیل جو نامناسب آن دانشگاه خود را به دانشگاه اصفهان منتقل نمود و در رشته دندانپزشکی مشغول به تحصیل گشت و در مدت کوتاهی یکی از اعضاء فعال و مؤثر انجمن اسلامی محسوب شد. مصطفی که می‌دانست آینده این کشور وظایف سنگینی بر دوشش خواهد گذاشت، برنامه‌های خودسازی چون روزه و ورزش‌هایی نظیر کشتی و کوهنوردی را آغاز کرد و پس از طی دوره‌های تخصصی دندانپزشکی و طب عمومی، بلافاصله برای خدمت به مردم راهی روستاهای اطراف اصفهان شد. دستگیری در حین پخش اعلامیه در اصفهان و انتقال او با ساواک اولین تجربه زندان رفتن او بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی وقتی حضرت امام خمینی دستور به تشکیل جهاد سازندگی داد مصطفی با درک صحیح و کاملی از محرومیت‌های مختلف در روستاها به جهاد سازندگی پیوست و با حداقل امکانات پزشکی و دارویی اکیپ پزشکی سیاری را در روستاها تشکیل داد و به مداوای مردم محروم مشغول شد. با پیشنهاد جهاد استان مسئولیت کمیته پزشکی جهاد استان خوزستان را بر عهده گرفت و به بیمارستان‌های خرمشهر و طالقانی آبادان خدمات ارزنده‌ای ارائه نمود هنگام اعزام کاروان بیمارستان صحرا به آبادان جزء آخرین نفراتی بود که پس از سقوط سوسنگرد، شهر را ترک کرد. سپس از طریق پادگان حمیدیه با سمت معاون کمیته امداد پشتیبانی به کمک مجروحین شتافته و در روز میلاد حضرت ولیعصر (عج) در



### جهادگر شهید دکتر سید علی (محسن) قاضی زاده هاشمی

سید علی در روز اول خرداد ماه سال ۱۳۴۱ در شهرستان فریمان استان خراسان رضوی دیده به جهان گشود. مادرش دوست داشت نامش را محسن صدا بزند و از آن روز به بعد همه او را به نام سید محسن خواندند. آموختن علم را در سن ۷ سالگی آغاز کرد و تا پایان سال چهارم دبیرستان تحصیل نمود. سپس به خدمت



نظام وظیفه فرا خوانده شد. با پیروزی انقلاب و تاسیس سپاه پاسداران به عضویت این نهاد درآمد و چندی بعد همراه جهادگران (جهاد سازندگی) به یاری اقشار محروم پرداخت. سه سال بعد در سال ۱۳۶۲ همکاری اش را به مدت ۲ سال و شش ماه با بنیاد شهید مشهد آغاز کرد و خدمات شایان توجهی به خانواده اینثارگران انجام داد. شهید قاضی زاده ۴۸۹ روز در میدان نبرد در مقابل تجاوزگران بعثی حماسه آفرید و در عملیات والفجر هشت در منطقه فاو بر اثر بمباران شیمیایی مجروح شد. در سال ۱۳۶۵ به دانشگاه راه یافت و در رشته ی پزشکی در دانشگاه مشهد به تحصیل ادامه داد. شهید قاضی زاده همزمان با تحصیل در صحنه های اجتماعی و سیاسی حضور داشت. در سال ۱۳۶۸ ازدواج کرد و صاحب یک فرزند شد. سید پس از اخذ مدرک دکتری پزشکی به استخدام دانشگاه شاهد تهران درآمد و در دانشکده ی پزشکی آن دانشگاه و بیمارستان مصطفی خمینی و همچنین بنیاد شهید انقلاب اسلامی تهران بزرگ به عنوان مسئول بهداشت و درمان فرزندان عزیز شاهد خدمت کرد. اواسط سال ۱۳۷۲ شهید قاضی زاده به علت جراحات شیمیایی چندین مرتبه در بیمارستان های تهران بستری شد و سرانجام در روز جمعه مورخ ۲۴ تیرماه ۱۳۷۴ برات شهادت را از حضرت دوست دریافت کرد و در سن ۳۲ سالگی جان به جان آفرین تسلیم نمود.

تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲۸ در سن ۲۴ سالگی، جبهه دارخوئین را با خون خود رنگین ساخت.

### جهادگر شهید دکتر حبیب جریری

هفدهم بهمن ماه سال ۱۳۱۱ در خانواده ای ساده و کارمند در شهر شیراز به دنیا آمد. تحصیلات خود را در شهرهای شیراز و آباده به اتمام رساند. بعد از اخذ دیپلم بورسیه ارتش شد و در رشته داروسازی مدرک دکتر گرفت. بلافاصله در رشته علوم عالی آزمایشگاهی شرکت کرد و بعد از چهار سال موفق به اخذ پایان نامه تخصصی علوم



آزمایشگاهی شد. او به چهار زبان انگلیسی، فرانسه، عربی و روسی آشنا بود. در سال ۱۳۳۸ و به دنبال فعالیت های سیاسی دستگیر و یک سال را در زندان گذراند. سال ۱۳۴۰ ازدواج کرد که حاصل آن سه فرزند به نام های فریدون، فیروزه و سلمان است. در سال ۱۳۴۹ با علی شریعتی در حسینیه ارشاد آشنا شد و مجذوب شخصیت افکار و اندیشه های ایشان شد. او که از فعالان سیاسی دوران مبارزه برای پیروزی انقلاب اسلامی بود، به جرم همکاری برای انتشار کتاب «پدر، مادر، ما متهمیم» نوشته دکتر شریعتی و مبارزه علنی با رژیم پهلوی، به پنج سال زندان محکوم شده بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مدتی به عنوان استاندار تهران و نیز استاندار سیستان و بلوچستان خدمت کرد. حبیب جریری از بانیان سازمان نهضت سوادآموزی نیز به شمار می رفت. با شروع جنگ با گروهی از پزشکان به جبهه رفت و در روز ۱۴ مهر سال ۱۳۵۹ توسط نیروهای عراقی به اسارت گرفته شد. در آنجا بارها مورد شکنجه قرار گرفت، شش ماه اول اسارت برای دیگر اسرا سخنرانی های تبلیغی می کرد و دلداریشان می داد. اسم ایشان در آمار صلیب سرخ ثبت نام نشده بود. مدتی بعد به زندان نامعلومی منتقلش کردند که تاکنون خبری از ایشان در دسترس نیست.



مصاحبه با جهادگر شهید دکتر سید محمد حکیم  
مسئول کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی خوزستان؛

## تشریح فعالیت‌های پزشکی و درمانی جهاد سازندگی در جبهه‌ها



محمد مهدی عابدینی

کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی خوزستان یکی از واحدهای فعال و حساس در جبهه‌های جنگ جنوب است که از طریق ارائه خدمات درمانی بهداشتی انجام وظیفه می‌کند. این کمیته علاوه بر کمک‌رسانی به روستاهای استان خوزستان، کار حمل، مداوا و انتقال مجروحین جبهه‌ها و درمان جنگ‌زدگان مستقر در اردوگاه‌های منطقه را برعهده دارد. کمک‌های ارائه شده از سوی کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی خوزستان آن چنان چشم‌گیر است که نه تنها مردم شهرهای استان و مجروحین جنگ بلکه سایر نهادهای درمانی و دست‌اندرکاران امر بهداشت بر آن اذعان دارند. برای آگاهی از چگونگی فعالیت‌های پزشکی و درمانی این کمیته در جبهه‌های جنگ خبرنگار ما در اهواز با برادر سیدمحمد حکیم سرپرست کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی خوزستان گفتگویی انجام داد که از نظراتان می‌گذرد.

برادر محمد حکیم در مورد تاریخ و چگونگی تشکیل این کمیته و حوزه فعالیت آن را چنین توضیح می‌دهد: زمانی که کمیته درمانی در جهاد سازندگی تشکیل و کار خود را آغاز کرد با مشکلات و نارسایی‌های زیادی روبه‌رو شد که از همان ابتدا حالت ستاد امداد به خود گرفت. زمانی که اولین سیل بعد از پیروزی انقلاب در خوزستان سرازیر شد این کمیته نقش فعالی از نظر امداد سیل زدگان و رساندن دارو و پزشک بر عهده داشت و بعد از آن هم در حوادث و مشکلاتی از این قبیل جهاد با توجه به امکانات محدود توانست به خوبی انجام وظیفه کند اما تمام این مشکلات باعث نشد که این کمیته از کار اصلی خود یعنی رساندن امکانات بهداشتی به روستاها غافل شود و از تاریخ تشکیل تا شروع جنگ تحمیلی بی‌وقفه به کار کمک‌رسانی خود در روستاها ادامه داده و در این راه تا از پزشکان مبارز و مجاهد عراقی نیز استفاده کرده است. زمانی که ارتش مزدور عراق به خاک جنوب تجاوز کرد و بی‌رحمانه به کشتار مردم بی‌گناه

می‌شود و حفظ امنیت آن به عهده سپاه گذاشته شده است همچنین در جبهه‌های دیگر نیز مانند رقابیه دزفول دارخوین نیز پست‌های امدادی برقرار شده است.

مسئول کمیته پزشکی در مورد نحوه رسیدگی به مجروحین جبهه‌ها می‌گوید: تاکنون در جبهه‌های مختلف پست‌های امدادی ایجاد کرده‌ایم و زخمی‌ها را ابتدا به آنجا برده و سپس از انجام درمان‌های اولیه آنها را به بیمارستان اعزام می‌کنیم. امدادگران ما در خطوط مقدم جبهه‌ها همیشه حضور دارند و به تمام زخمی‌ها و مجروحین عراقی نیز به خوبی نگهداری شده و پزشکان و امدادگران ایرانی هیچ فرقی میان مجروحین عراقی و ایرانی قائل نمی‌شوند. مسئول کمیته پزشکی جهاد خوزستانی در مورد سایر فعالیت‌های این کمیته گفت علاوه بر رسیدگی به مجروحین جنگی این کمیته به جنگ‌زدگان روستاها و نیز مردم عادی شهر رسیدگی می‌کند.

همچنین در رابطه با جنگ‌زدگان در شهرک‌هایی که در رامهرمز، سرپندر، بین ماهشهر، سرپندر، شوشتر، بهبهان و چند منطقه دیگر به وجود آمده است با اعزام پزشک امدادگر دارو و سایر تدارکات به جنگ‌زدگان کمک می‌کند. بعد از شروع جنگ کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی

و رزمندگان پرداخت.

مسئولیت امداد جبهه‌ها به طور مشترک به عهده جهاد و سپاه گذاشته شد و این دو نهاد فعالیت‌های مربوط به اعزام امدادگر آمبولانس دارو پزشک و سایر امور درمانی و پزشکی را مشترکاً به عهده گرفتند که این همکاری در حال حاضر به طور بسیار هماهنگ و نزدیک ادامه دارد در چند مورد جهاد و سپاه توانسته‌اند چند مرکز درمانی در جبهه‌ها را مجدداً راه‌اندازی کرده و به بهداری تحویل دهند که می‌توان به عنوان نمونه از مرکز پزشکی شوش نام برد و یا بیمارستان سوسنگرد که قبلاً به صورت یک پست امدادی فعالیت می‌کرد با افزودن وسایل اتاق عمل و آزمایشگاه تجهیز شد، که در حال حاضر نیز به وسیله جهاد اداره

»

**کمیته پزشکی جهاد سازندگی به تمام نیروها اعم از ارتش و سپاه و ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران از نظر پزشکی و دارویی رسیدگی کرده و به طور کلی تمام امکانات جهاد در اختیار جبهه‌ها می‌باشد**

«



شود و در حقیقت جبهه‌ها پایدار و استوار از کمک‌های بی‌دریغ مردم است مردم در شرایط مختلف در نماز جمعه‌ها و یا از طریق از طرق دیگر کمک‌های فراوانی به جبهه‌ها کرده‌اند البته در بعضی از موارد چون داروها تفکیک نشده بود ما قسمتی را برای تفکیک این داروها ایجاد کردیم که این قسمت جنبه آموزشی نیز به خود گرفته و افرادی از این طریق آموزش یافته‌اند مردم اهواز هر وقت که احتیاج داشتیم فوراً به کمک ما آمده‌اند و ما باز از مردم قهرمان ایران می‌خواهیم که همچنان به حضور در صحنه خویش تانابودی کفر ادامه دهند و کمک‌های خود را به جبهه‌ها قطع نکنند.

مسئول کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی خوزستان در پایان سخنانش به نقش شهید دکتر شهیدزاده اشاره کرد و چنین ادامه می‌دهد: «بعد از شروع جنگ و تخلیه شهر که از نظر پزشک و دارو و مسائل دیگر به شدت تحت فشار قرار گرفته بودیم شهید دکتر شهیدزاده طی یک برنامه وسیع، شروع به فعالیت کرد و چندین پست امداد در شهر اهواز برقرار نمود، که دارای پزشک و دارو و امکاناتی دیگر بودند و علاوه بر این کار پزشکان ایران نیز به جبهه‌ها می‌فرستاد. بعد از سقوط بستان و تصرف یک‌روزه و بمباران سوسنگرد؛ ارتش عراق بیمارستان آن شهر خراب شده و خسارات بسیاری به بار آمد. بعد از آزاد شدن سوسنگرد، شهید دکتر شهیدزاده فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرد و در تمام این مناطق پست امدادی ایجاد کرد از نظر پرسنل پزشک امدادگر و دارو خدمات شایانی به جبهه‌ها کرد.

هفته نامه جهاد - مهرماه ۱۳۶۰

فعال بوده‌اند اما از نظر امکانات بیمارستانی در مضیقه هستیم و با دشواری زیاد وسایل مورد نیاز را تهیه می‌کنیم کمبود پزشک یکی دیگر از مشکلات مهم ما است که هم در جبهه‌ها هم در شهرها و روستاها به آن نیاز شدید داریم ضمن مدتی نیز از پزشکان مجاهد عراقی استفاده می‌کنیم اما آنها به دلیل اینکه مرتب به این طرف و آن طرف منتقل می‌شوند و توانستیم به طور ثابت از آنها کمک بگیریم و تنها یکی از آنها در جهاد مشغول کار است که بسیار فعال می‌باشد برادر حکیم می‌افزاید از مسائل دیگری که ما در جبهه با آن روبرو هستیم مسئله حاکمیت سیستم طاغوتی بر بهداری می‌باشد که سبب گردیده است این مرکز که با جبهه‌ها نتواند فعال باشد و هلال احمر نیز قبلاً دارای مدیریت طاغوتی بود و همکاری نمی‌کرد ولی از زمانی که مدیریت آن تغییر یافته است کمک‌های بسیاری به کمیته بهداشت و درمان نموده است مسئول کمیته پزشکی در مورد کمک‌های دارویی مردم ایران به جبهه‌ها می‌گوید کمک‌های مردم بیدار و در صحنه ما به جبهه‌ها به حدی زیاد بوده است که کسی نمی‌تواند منکر آن

فعالیت خود را در روستاهای خوزستان قطع نکرد و همچنان به کمک رسانی ادامه می‌دهد و در مراکز روستاهای این استان درمانگاه ایجاد کرده است و متأسفانه این مراکز با کمبود شدید پزشک روبرو هستند یکی از برنامه‌های آینده ما این است که ایجاد درمانگاه در مراکز روستایی را توسعه داده و کمتر به صورت اکیپ پزشکی که روش چندان مفید نیست فعالیت نماییم و به ۶ درمانگاهی که در مراکز روستاها ایجاد کرده‌ایم قناعت نکنیم.

و همچنین برای مردم شهر نیز از سوی این کمیته چندین درمانگاه به خصوص در مناطق مستضعف‌نشین و اطراف شهر ایجاد شده است سرپرست کمیته بهداشت درمان در ادامه سخنانش می‌افزاید نقش کمیته پزشکی جهاد سازندگی خوزستان به طور کلی رسیدگی به مسائل مختلف دارویی پزشکی و احتیاجات دیگر شهرها و جبهه‌های مختلف خوزستان است و تامین دارو و پزشک برای نیروهای ارتشی ستاد جنگ‌های نامنظم شهید دکتر چمران بسیج و سایر نیروها را در بسیاری از موارد به عهده دارد و به طور کلی می‌توان گفت که تمام امکانات و نیروهای ما در اختیار جبهه می‌باشد محمد حکیم با اشاره به امکانات و مشکلات و سایر نارسایی‌ها ادامه می‌دهد: دارویی خوب بوده و از مراکز مختلف دارو تحویل می‌گیریم و داروهایی که از سوی مردم به جبهه‌ها فرستاده می‌شود نیز بسیار چشمگیر است و الحمدلله از نظر دارو کمبود چندانی نداریم زمان در این رابطه باید از کمیته از کمک‌های کمیته پزشکی جهاد مرکزی در سایر استان‌ها خصوصاً جهاد سازندگی خراسان یاد کرد که در کمک‌رسانی بسیار

”

**جبهه‌ها پایدار و استوار از کمک‌های بی‌دریغ مردم است جهاد سازندگی در خطوط مقدم جبهه‌ها پست‌های امدادی ایجاد کرده و امدادگران آن همیشه خطوط مقدم جبهه حضور دارند**

“



## گفتگو با دکتر سیدعباس فروتن

# کمیته بهداشت و درمان جهادسازندگی منشا خدمات بسیاری در جنگ بود

جهادسازندگی در استان‌ها مستقر بود که با شهرستان‌ها و روستاها و نقاط محروم ارتباط گرفته می‌شد. آن زمان اعلام شد که زاهدان به گروه پزشکی احتیاج دارد، به همراه تعدادی از دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران به زاهدان اعزام شدیم. در سیستان و بلوچستان به فعالیت‌های پزشکی مشغول بودیم تا اینکه در این رفت و آمدها جنگ شروع شد. قبل از جنگ همه در حال و هوای خدمت‌رسانی به مناطق محروم بودند تقریباً در همه کشور جهادسازندگی تشکیل شده بود و هر کسی که می‌خواست در هر رشته‌ای خدمت کند به مراکز جهاد مراجعه می‌کرد. از ابتکارات جهاد تشکیل شبکه بهداشت و درمان بود که حتی در جبهه بسیار کارآمد و کارساز شد. اینگونه فعالیت شبکه‌ای بهداشت حتی در گروه‌های نظامی تعریف نشده بود، اما بعدها آنها نیز شبکه‌های بهداشتی تشکیل دادند.



### 📌 در مورد شبکه بهداشت و درمان جهادسازندگی بیشتر توضیح دهید.

بخش امداد و درمان زیرمجموعه سازمان جهادسازندگی بود بنابراین افراد داوطلب جهت حضور در مناطق محروم به جهاد مراجعه می‌کردند. جهادسازندگی به راحتی می‌توانست افراد را به مناطق مورد نظر جهت خدمت‌رسانی اعزام کند. به همین دلیل همه نیروهای کمیته بهداشت و درمان اوایل جنگ از طریق این سازمان راهی جبهه می‌شدند.

تقریباً دو هفته بعد از شروع جنگ بود، همراه با یک آقای دکتر و دو پرستار از طریق جهادسازندگی به جبهه اعزام شدیم. ماشین ما یک ماشین معمولی بود، بچه‌ها یک چراغ گردان روی آن نصب کردند و به عنوان آمبولانس با آن به سمت اهواز حرکت کردیم. شب را در خوابگاه‌های جهاد لرستان ماندیم استراحتی کردیم سپس صبح به سمت اهواز راه افتادیم.

### 📌 داوطلبانه اعزام شدید یا به دلیل اعلام نیاز؟

به درستی خاطر من نیست اما چون قبل از آن با دفتر مرکزی جهاد کار کرده بودیم از این طریق اعزام شدیم.

### 📌 کدام شهر از منطقه خوزستان اعزام شدید؟

ابتدا به اندیمشک رفتیم سپس به واحد بهداشت و درمان اهواز که آقای دکتر شهیدزاده مسئول آن بود مراجعه کردیم. آن زمان دشمن به اهواز خیلی نزدیک شده بود وضعیت بحرانی بود و شهر را به توپ بسته بودند. گاهی شهر، گلوله باران می‌شد به صورتی که هیچکس توان بیرون آمدن را نداشت. وقتی با آمبولانس جهاد در طول مسیر بودیم ماشین‌های جهاد دو طرف ما را اسکورت می‌کردند. نیروهای جهاد کارهای بزرگی انجام دادند که مانع پیشروی دشمن به شهر اهواز شد. در همان هفته سوم جنگ ماجراهای غم‌انگیزی مثل بمباران پادگان لشکر زرهی و راه آهن اتفاق افتاد.

دکتر سید عباس فروتن دارای مدرک دکترای پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران و دکترای تخصصی فیزیولوژی از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و در حال حاضر دانشیار این دانشگاه است. او در سال ۱۳۵۸ فعالیت خود را در کمیته بهداشت و درمان جهادسازندگی استان تهران، جهت خدمت‌رسانی به محرومان آغاز کرد و با شروع جنگی تحمیلی به مناطق جنگی اعزام شد. وی همچنان با کوله باری از تجربیات دوران خدمت‌رسانی جهادسازندگی در مناطق جنگی منشا خدمات بسیاری است

### 📌 ورودتان را به جهاد سازندگی می‌شود توضیح دهید.

جهاد سازندگی در ابتدا علاوه بر کارهای بهداشت و درمان نظیر ساخت حمام و آبرسانی که به عنوان خدمت‌رسانی به مردم بر عهده داشت، به کارهای کشاورزی، عمرانی، مدرسه‌سازی، خدمات فنی، ثبت نام افراد داوطلب و اعزام آنها در قالب کمیته‌های استانی به مناطق محروم می‌پرداخت. بعد از فرمان امام و تشکیل جهادسازندگی، دفتر مرکزی جهادسازندگی استان تهران، دارو و امکاناتی بهداشتی و درمانی را جمع‌آوری، دسته‌بندی و تفکیک کرده و دانشجویان و پزشکان داوطلب را جهت اعزام به مناطق محروم سازماندهی می‌کردند.

من و تعدادی از دوستان که یک گروه متشکل از یک پرستار، یک پزشک و یک دانشجو بودیم در سال‌های قبل از جنگ به کهریزک می‌رفتیم. آنجا در خانه‌ای که در اختیار جهادسازندگی بود درمانگاهی برای درمان مردم دایر کردیم. کارهایی نظیر چشم پزشکی و ... علاوه بر آن، کانیتنرهایی که تجهیز شده بود را به کامیون وصل می‌کردند و همراه با یک چشم پزشک یا دندانپزشک به اطراف تهران جهت خدمت‌رسانی به محرومان می‌فرستادند. اینها نمونه‌ای از فعالیت‌های جهادسازندگی قبل از جنگ بود. تقریباً یک سال اول تشکیل جهاد این برنامه‌ها در حال اجرا بود. مراکز



### کمیته بهداشت و درمان از جهادسازندگی تا چه سالی فعالیت در جبهه‌ها داشت؟

تا آخر جنگ کمیته بهداشت و درمان جهادسازندگی فعالیت داشت بود. فعالیت‌های بهداشت و درمان جهادسازندگی علاوه بر اعزام نیروهای پزشک، خدمات دیگری مانند ساخت حمام رفع آلودگی، یا در مناطق آلوده شیمیایی در بحث ماشین‌های رفع آلودگی ارائه می‌داد. هر چند دیگر آن جنبه بهداشت و درمان رسمی که در سال اول وجود داشت، عملاً به کمیته مشترک بین وزارت بهداشت و دانشگاه‌هایی که در هر منطقه بودند منتقل شد. این در حالیست که کمیته بهداشت و درمان جهاد از آن پس نقش کوچکتری را پیدا کرد اما تا پایان جنگ فعال بود.

### یعنی با وجود جنگ هم باز هم مسائل بهداشتی و درمانی و عفونی مهم بود؟

بله، در جنگ مسائل بهداشتی و درمانی بسیار مهم بود و شرایط بیماری‌های عفونی و واگیردار می‌توانست تشدید شود. فرض کنید ما بیماری پوستی گال را داشتیم که افراد ممکن است نزدیک هم باشند و خیلی راحت بین آنها سرایت کند جایی مانند سربازخانه‌ها و پادگان‌ها و... یک گروه با سپاه کارهای مشترک انجام می‌داد و ساختمانی برای فعالیت‌های مشترک جهاد و سپاه وجود داشت.

### در مقاطع بمباران‌های شیمیایی روند کار پزشکی چگونه بود؟

وقتی که شیمیایی می‌شد، در محل اورژانس‌ها در اهواز کارهای برنامه‌ریزی اورژانس‌های شیمیایی را انجام می‌دادیم که مجروح‌ها از چه مسیری بیایند، کجا شست‌و شو داده شوند، کجا بستری شوند و بررسی شود که اعزام شوند و اینکه مریض‌هایی که سرپایی هستند به مقرشان بروند و از مریض‌ها با شرایط حاد جدا شوند که احتمال آلودگی و سرایت کمتر پیش بیاید. اینها نمونه‌ای از کارهای خودمان بود که در اسفندماه سال ۱۳۶۲ در عملیات خیبر انجام دادیم. ضمن اینکه اسامی مریض‌هایی که می‌آمدند را یادداشت می‌کردیم که بعداً شرایط این مریض‌ها را پیگیری کنیم.

### اهواز از لحاظ کادر پزشکی چطور بود؟

نیروی پزشکی کم بود ما که دانشجو بودیم باید کنار پزشک کار می‌کردیم که بتوانیم تعداد بیمار بیشتری را کمک کنیم البته بیشتر این خدمات‌رسانی‌ها در بیمارستان گلستان اهواز متمرکز بود. البته جهادسازندگی یک سری پست‌های کوچک امداد در شهر زده بود که در آنجا بشود به بیماران سرپایی و عوض کردن پانسمان مجروحان خدمت‌رسانی شود. اوایل جنگ هر کسی مجروح می‌شد را به بیمارستان گلستان اعزام می‌کردند گاهی راهروها و همه جاهای بیمارستان پر از مجروح بود. آن زمان به نسبت بیماران و مجروحان مراکز متعددی وجود نداشت.

### نحوه خدمت‌رسانی شما در بیمارستان چگونه بود؟

سال سوم یا چهار پزشکی بودم که به جنگ اعزام شدم، بیشتر کارهای سرپایی انجام می‌دادیم. یک چادر به عنوان امداد در جنوب اهواز بود که آن زمان خط مقدم شهر محسوب می‌شد و دشمن تا آن حوالی پیشروی کرده بود. در جاده اهواز - خرمشهر نیز چند چادر امداد دیگر گذاشته بودند که گاهی برای رسیدگی به مجروحان به چادرها سرکشی می‌کردیم. اما عمده کار ما در بیمارستان متمرکز بود.

### تا چه سالی کار بهداشت و درمان زیر نظر جهادسازندگی بود؟

عموم کار بهداشت و درمان جهادسازندگی همان سال اول جنگ بود. همان سال‌ها یعنی ۵۹ و ۶۰ من چند سفر از طریق جهادسازندگی داشتم. فکر کنم سه چهار سفر به جنوب بود که هر بار حدود دو هفته طول می‌کشید. اعزامی‌های بعدی با بهداری سپاه انجام شد.

### کدام بیمارستان‌ها در خوزستان فعال بودند که نیروهای جهاد سازندگی در آن مشغول کارهای پزشکی باشند؟

در آبادان بیمارستان طالقانی که همان موقع فعال بود و تا آخر جنگ هم خوشبختانه بیمارستان فعال و خوبی باقی ماند. دیگری بیمارستان شرکت نفت بود که بیمارستان و اطرافش خیلی بمباران شد. این دو بیمارستان در خرمشهر و آبادان، بیمارستان‌هایی بودند که خیلی در جنگ فعالیت داشتند. در اهواز هم بیمارستان گلستان بود البته بیمارستان‌های دیگری مثل سینا هم وجود داشت ولی قابلیت بیمارستان گلستان را نداشت. سوسنگرد یک بیمارستان کوچک داشت که طول دوران جنگ فعال بود.

### تشکیلات پزشکی جهادسازندگی مثل بقیه نیروهای نظامی بود؟

خیر، به صورت گردان پزشکی نبود چون سال اول همه چیز به معنای واقعی داوطلبانه و جهادی بود. الان برای ما وزارت جهاد کشاورزی یک سازمان رسمی است آن زمان یک نهاد مردمی بود که همه خدمات‌رسانی‌اش حالت داوطلبانه داشت و هر کسی که تخصصی داشت به آن مراجعه می‌کرد و به جبهه اعزام می‌شد. و حقالزحمه‌ای وجود نداشت. افراد معمولاً دو هفته یا یک ماه به جبهه می‌رفتند و اگر دوست داشتند بعداً هم ادامه می‌دادند. بعدها در سیستم سپاه بود که یگان‌های بهداری یا امدادگری به وجود آمد که دیگر نیروها به صورت رسمی از این طریق اعزام می‌شدند.



## نمونه‌ای از آمار فعالیت‌های بهداشتی و درمانی و پشتیبانی و مهندسی جنگ جهان

آمار تا سال ۱۳۶۱

تهران، مازندران، مرکزی، سمنان، خراسان، قم، ایلام	کامیون	۲۵	۱. ارسال دارو	خدمات بهداشتی و درمانی
دفتر مرکزی، قم	گروه	۲۰۳	۲. اعزام گروه پزشکی	
دفتر مرکزی، تهران، قم، مازندران، خوزستان، سمنان، مرکزی	نفر	۹۱	۳. اعزام پزشک متخصص	
دفتر مرکزی، سمنان، مازندران، تهران، خوزستان، ایلام	نفر	۳۳۷	۴. اعزام بهیار	
تهران، مازندران، خوزستان، سمنان، گرگان، ایلام	نفر	۲۶۴	۵. اعزام امدادگر	
اصفهان، تهران، سمنان، مرکزی، خوزستان، دفتر مرکزی، قم، مازندران	دستگاه	۷۳۱	۶. ارسال آمبولانس	
تهران، سمنان، خراسان، ایلام، اصفهان، خوزستان	واحد	۲۱	۷. ایجاد بیمارستان صحرائی و درمانگاه	
سمنان، فارس، خوزستان، ایلام، مازندران	مورد	۱۶۱۹	۸. سمپاشی و ضدعفونی کردن مناطق جنگی	
مازندران، سمنان، خوزستان، تهران، ایلام	مورد	۱۹۵۰	۹. انتقال مجروحین به پشت جبهه	



## ساخت بیمارستان های جنگی در مناطق عملیاتی

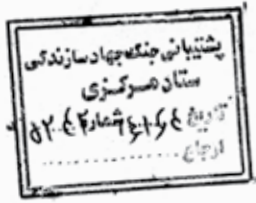




۲۲

تاریخ ۳، ۱۳، ۳۴  
شماره ۲۱۷۷-۵-۲۲

۱۲۰۰ نفر  
۱۳۰۰ نفر  
۱۴۰۰ نفر



بسمه تعالی

**ستاد پشتیبانی امداد و درمان جنگ استان تهران**

[سپاه پاسداران - جهاد سازندگی - هلال احمر - بهداری]

به: کمیته بهداشت و درمان ستاد پشتیبانی جنگ جهان سازندگی

از: ستاد پشتیبانی امداد و درمان جنگ استان تهران  
سلام علیکم

با آرزوی طول عمر و رفاهیت برای حضرت امام و پیروزی کفر ستیزان اسلام در جبهه های حق علیه باطل، بدینوسیله با اطلاع میرساند که نظر به تأسیس نگاهبانه دویست و پنجاه تختخواب شهید مفتوح جبهت مجروحین عزیز جنگی و با توجه به نیاز مبرم این نگاهبانه به دارو و لوازم بهداشتی است در خصوص تحویل اقلام دارویی زیر اقدام لازم و همکاری مقتضی را با نماینده ستاد، برادر مهربان سلیمانی مجید و فرمائید %

- |                            |          |                               |          |
|----------------------------|----------|-------------------------------|----------|
| ۱- لوسيون كالامين          | ۴۰۰ عدد  | ۱۷- آمپول متوکلوپرامید        | ۳۰۰ عدد  |
| ۲- پماد كالامين (کرم)      | ۵۰۰ عدد  | ۱۸- اسکارینا                  | ۳۰۰ عدد  |
| ۳- آمپول تيو سولفات        | ۲۰۰ عدد  | ۱۹- شربت آنتی هیستامین        | ۴۰۰ عدد  |
| ۴- آمپول لاكازکیتیل        | ۵۰۰ عدد  | ۲۰- آنتی اسید                 | ۴۰۰ عدد  |
| ۵- آمپول فنرگان            | ۵۰۰ عدد  | ۲۱- سالبوتامول (مشابه)        | ۲۵۰ عدد  |
| ۶- قطره چشمی نفازولین      | ۳۰۰ عدد  | ۲۲- کیسول مغناطیک اسید        | ۳۰۰۰ عدد |
| ۷- جنتا مایسین             | ۲۰۰ عدد  | ۲۳- کالین ۵۰۰                 | ۳۰۰۰ عدد |
| ۸- پنا متازون              | ۲۰۰ عدد  | ۲۴- آمپی سیلین                | ۳۰۰۰ عدد |
| ۹- قطره سیکللوکس           | ۱۰۰ عدد  | ۲۵- قرص آمپول کالین           | ۴۰۰ عدد  |
| ۱۰- قرص ویتامین ث          | ۳۰۰۰ عدد | ۲۶- آمپول پنیسیلین کریستال ۵۰ | ۲۰۰ عدد  |
| ۱۱- ب کپساکس               | ۳۰۰۰ عدد | ۲۸- کپسه گکستوم               | ۷۰۰ عدد  |
| ۱۲- قرص مولتی ویتامین      | ۳۰۰۰ عدد | ۲۹- سوند فولی ۱۶-۱۴-۱۲        | ۲۰۰ عدد  |
| ۱۳- پماد سیلور سولفاد پارز | ۴۰۰ عدد  | ۳۰- نلئون ۱۶-۱۴-۱۲-۱۰-۸       | ۲۰۰ عدد  |
| ۱۴- اکسید زینک             | ۲۰۰ عدد  | ۳۱- آنژیوتکت اندازه های مختلف | ۷۰۰ عدد  |
| ۱۵- آمپول پنی سیلین ۸۰۰    | ۵۰۰ عدد  |                               |          |
| ۱۶- ۱/۲۰۰                  | ۷۰۰ عدد  |                               |          |

با امید  
قائم  
استان تهران



وزارت جهاد کشاورزی  
۱۳۸۲.۸۳  
دفتره سازی راهانه ای اسناد بهداشتی جنگ  
۱۷-۳-۳-۳

رونوشت: تدارکات جهت پیگیری

تاریخ - ۲۴/۴/۵۹  
ردیف - ۱۱۸۵۴۹  
پیوست

بسمه تعالی

جهاد سازندگی استان تهران



به ریاست بیمارستان انقلاب  
از : جهاد سازندگی استان تهران ( کمیته بهداشت و درمان )  
موضوع : معرفی بیمار

بدینوسیله به استحضار میرساند که برادر علی یزدان پناه یکی از اعضای این کمیته که برای مأموریت به مناطق جنگی (استان کردستان) به جنوب اعزام شده و در اثر بمب باران هوایی مجروح گردیده است معرفی می نماید و خواهشمند است جهت معالجه نامبرده اقدام مقتضی را معمول فرمائید. / ک

با نهایت تشکر

مسئول کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی

استان تهران - حبیب زنگنه



استان تهران دفتر مرکزی

وزارت جهاد کشاورزی  
۳۰-۴-۳-۶-۵۳  
۱۳۸۷-۸۸  
دفتر همکاری رایانه ای استاد مهندس جنگ جهاد



مروری بر سابقه و تاریخچه فعالیت‌های اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی

## نگاهی به فعالیت‌های واحد تعاون ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی

روزنامه اطلاعات جبهه، ۴ بهمن ۱۳۶۶



جهادگر شهید حاج محمد علی بارگاهی

تنظیم کننده: معصومه نهبندی

جهادگر رزمنده، با شور و شوقی وصف نکردنی، شهر و کاشانه‌اش را به قصد حضور در جبهه‌های دفاع مقدس از میهن اسلامی و دستاوردهای انقلاب شکوهمندش ترک کرده است و اینک خانواده‌اش همراه با خیل عظیم امت حزب‌الله و همیشه در صحنه‌ی کشورمان به جبهه چشم دوخته‌اند، تا شاهد پیروزی نهایی و هر چه سریع‌تر او و دیگر هم‌زمانش بر دشمن متجاوز و خونخوار باشند.

رزمنده دلیر قبل از عزیمت به جبهه‌ها پرسشنامه‌ای را که در اختیارش قرار می‌گیرد با دقت پر می‌کند و اگر درخواستی یا نیازی داشته باشد در آن قید می‌کند؛ چرا که در پشت جبهه خواهران و برادرانی هستند، که با الهام از اصل اسلامی «تعاون» برای خدمت به خانواده‌ی معظم آن عزیز رزمنده‌ی سفر کرده به جبهه، کمر همت بسته‌اند و با خلوص و پاک‌ی در خدمت خانواده‌های دلیران رزم‌آور مستقر در جبهه‌ها هستند.

### سرکشی به خانواده‌های رزمندگان

یاری‌رسانی به خانواده‌های محترم جهادگران رزمجوی در واحد تعاون ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی متمرکز شده است، و واحد یاد شده همچنین با فراهم آوردن تسهیلات لازم برای مجروحین جهاد، امکان بهبود سریع‌تر این عزیزان را مهیا می‌سازد.

برادر محمد علی بارگاهی مسئول تعاون ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ در باره‌ی چگونگی فعالیت‌های این واحد می‌گوید: هدف واحد تعاون حمایت همه‌جانبه از رزمندگان جهادگر و افراد خانواده‌شان، مجروحین و همچنین اعضای خانواده‌های محترم شهدا، جانبازان و مفقودین جنگ تحمیلی است.

وی می‌افزاید: پس از آنکه نیروهای رزمی - تخصصی جذب و برای عزیمت

تشکیل شده است که این گروه‌ها به طور متوسط حدود ۲۰ روز یکبار به ملاقات خانواده‌ی برادران رزمنده می‌روند و به مسایل و مشکلات احتمالی آنان رسیدگی و در جهت رفع آن اقدام می‌کنند.

بدین ترتیب تعداد سرکشی به افرادی که به ماموریت‌های ۴۵ روزه می‌روند ۲ بار، سه ماهه ۴ بار و ۶ ماهه به طور متوسط ۶ بار است. که سرکشی‌های بعدی در واقع برای پیگیری خواست‌ها و مسائلی است که در سرکشی اول از سوی خانواده‌ی رزمنده‌ی جهادگر عنوان شده و یا رزمنده در پرسشنامه‌اش ذکر کرده است.

بدین ترتیب در مرحله‌ی دوم باید ببینیم مشکلات و مسائل عنوان شده در نخستین مرحله حل شده است یا نه؟ زیرا خانواده‌ها فی‌المثل مسائل و مشکلاتی در رابطه با

به جبهه آماده می‌شوند. فرم‌هایی در اختیارشان قرار می‌گیرد تا نیازها و مواردی را که لازم می‌دانند در نبودشان در نزد خانواده و اقامتشان در جبهه به آنها رسیدگی شود. در آن فرم بنویسند.

پس از عزیمت رزمنده به جبهه‌ها گروه‌های مددکاری واحد تعاون به خانواده‌های این عزیزان سرکشی و به امور آن‌ها رسیدگی می‌کنند دلیل پرکردن فرم هم این است که سرکشی به افراد خانواده‌ی یک رزمنده تنها با رضایت کامل و موافقت خود او صورت گیرد. که در این خصوص باید گفت اکثریت برادران رزمنده به رسیدگی و سرکشی به افراد خانواده‌شان تمایل دارند و خواستار آن هستند. خلاصه آنکه اعضای گروه‌های مددکاری عمدتاً از خواهران و خانواده‌های محترم شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان



حال حاضر در بعضی استان‌ها تشکیل شده است سپاه و جهاد به عنوان دو ارگان عمده‌ی اعزام نیرو عضویت دارند. از سوی دیگر برای تامین امکانات رفاهی خانواده‌ها، فروشگاه‌های تعاونی رزمندگان جهاد تاکنون در ۷ شهرستان تشکیل شده است و با همکاری وزارت بازرگانی لوازم ضروری زندگی در اختیار خانواده‌های محترم رزمندگان جهاد قرار می‌گیرد و امید است فروشگاه‌های یاد شده گسترش یابد.

### فراهم آوردن امکانات تحصیلی

برادر بارگاهی در پاسخ این سوال که چه امتیازاتی برای ادامه‌ی تحصیل فرزندان جهادگر رزمنده در نظر گرفته شده است، می‌گوید: با مذاکراتی که با بنیاد شهید و وزارت آموزش و پرورش انجام شده، از سال آینده قرار است این عزیزان نیز از تسهیلات مدارس شاهد استفاده کنند و از امکانات بهتری برای ادامه‌ی تحصیل برخوردار شوند. این کلاس‌ها اغلب برای فرزندان جهادگرانی است که بیش از ۶ ماه از سال در جبهه‌ها حضور دارند و یا لازم است به طور مرتب به جبهه‌ها بروند. و لذا عدم حضور دائمی‌شان در خانواده ممکن نباشد. جهادگران نیز می‌توانند از امتیازهایی مانند شرکت در کلاس‌ها و دوره‌های عالی که واحد آموزش جهاد با همکاری وزارت فرهنگ و آموزش عالی تشکیل می‌دهد استفاده کنند و از سهمیه‌ی دانشگاهی جهاد سود جویند. آقای بارگاهی در پایان طی پیامی از جهادگران رزمنده می‌خواهد قبل از عزیمت به جبهه فرم‌های ویژه را دقیق و صادقانه پر کنند و مشکلات خود را در آن قید نمایند تا در غیبت آن‌ها امکان سرکشی به خانواده و رفع مشکلاتشان برای برادرانی که در گروه‌های مددکاری واحد تعاون فعالیت می‌کنند، به سادگی ممکن باشد.

آموزش و پرورش، امور ساختمانی، مسائل مالک و مستاجر، عدم پرداخت حقوق از ناحیه‌ی اداره یا کارخانه‌ی رزمنده و امثال آن دارند که باید رسیدگی شود. همچنین مشکلات درمانی خانواده‌ها که با توجه به بخشنامه‌ی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به کلیه‌ی موسسات درمانی کشور مبنی بر فراهم آوردن امکانات و تسهیلات لازم درمانی برای خانواده‌های محترم برادران سپاهی و جهادی در بیمارستان‌های دولتی، مشکلات یساده حل می‌شود و امکان درمان بیماران فراهم می‌آید. البته برای رسیدگی به امور خانواده‌های رزمندگان جهادگر از نیروهای مردمی محله‌ها در قالب گردان‌های «انصارالمجاهدین» استفاده می‌شود. و امور رزمندگان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد راهنما و جهت دهنده‌ای آنان است.

### تاسیس فروشگاه

برادر بارگاهی سپس با اشاره به رسیدگی به امور خانواده‌های شهدا و مجروحین جهادسازندگی می‌گوید: با اینکه بنیاد شهید انقلاب اسلامی خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان، مفقودین و اسرای جهاد را هم تحت پوشش و حمایت دارد، اما این مساله مانع از آن نمی‌شود که واحد تعاون جهاد از وظیفه‌ای که در قبال این عزیزان دارد غافل شود و از این حرکت بازماند. لذا خانواده‌های ایشان مورد حمایت معنوی قرار می‌گیرند و با ترتیب دادن سفرهای زیارتی و سیاحتی و نیز اهدای کتاب از آنان تجلیل می‌شود.

البته باید گفت سرکشی و رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان جهادگر به ویژه در دو سه ماه اخیر صورت وسیع و گسترده‌تری گرفته است و در حال حاضر علاوه بر خانواده‌های معظم شهدا، مسائل سایر خانواده‌ها نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد و در جهت رفع مشکلات آنان اقدام می‌شود.

چرا که همه‌ی کسانی که برای جهاد فی‌سبیل‌الله ترک خانواده و مال و انفس می‌کنند، طبق دستور اسلام خانواده‌هایشان باید تحت حمایت قرار گیرند. رزمنده‌ای که فی‌المثل از سرخس عازم شلمچه می‌شود و یا از چابهار و زابل به «ماووت» می‌رود، نباید احساس کند در غیابش، خانواده‌اش تنها و غریب مانده است و اظهار دل‌تنگی می‌کند.

بنابراین برای رفع مسائل معنوی و حتی مسایل مادی خانواده‌های رزمندگان که حل بعضی از آن‌ها حتی با حضور خود رزمنده مشکل بوده است، دست به کار شده‌ایم و با همکاری معاونت‌های جنگی وزارتخانه‌های مختلف، در خصوص رفع نیازهای آنان کوشیده‌ایم. به نحوی که تامین مایحتاج و کالاهای ضروری آنان در اوقاتی که سرپرست خانواده در جبهه است، میسر باشد و امید است حرکت گسترده‌ای که در این زمینه آغاز شده است با مساعدت‌های مسئولان امر و اقشار مختلف مردم کشورمان ادامه یابد. تا نیروهای رزمی و جهادی ما با خیال آسوده‌تر به رزم بی‌امانشان علیه دشمن متجاوز ادامه دهند.

### فعالیت بخش امور رزمندگان

برادر بارگاهی سپس در مورد برنامه‌های آینده واحد تعاون می‌گوید: بخش امور رزمندگان یک بخش تازه و نوپا است و با گسترش آن امیدواریم در جذب و اعزام نیرو موفقیت‌های بیشتری به دست آوریم. که در این راستا ستاد امور رزمندگان در همه‌ی استان‌ها تشکیل می‌شود و زیر نظر آئمه‌ی جمعه و استانداران هر استان فعالیت می‌کند. در این ستاد که براساس دستورالعمل شورای عالی پشتیبانی جنگ در



روایت سیده بهی خانم ژولایی از روزهای حماسه

## همت زنانه، تلاش مردانه



یکی از ابتکارات جهاد استان خوزستان تشکیل ستاد نوجوانان اسلامی بود. که فعالیت‌های فرهنگی را در تمام نقاط خوزستان بر مبنای آموزه‌های قرآنی و اسلامی گسترانده بودند.

پس از اندکی از فعالیت ایشان در جهاد سازندگی به فرمان امام ستادی با عنوان سپاه پاسداران در دل جهاد سازندگی تشکیل شد که کار اصلی آن رسیدگی به مناطق محروم و توسعه نیافته از لحاظ فرهنگی، بهداشتی و ... بود. که رزمنده جهادگر سرکار خانم ژولایی باقری در این زمینه با اشتیاق قدم بر می‌داشت. و این آغاز ۵۶ ماه خدمت در میدان جنگ بود.

حتی در زمان جنگ به عنوان نیروهای پشتیبانی با همکاری گروهی از خواهران جهادگر که مادر شهید علم الهدی با عنوان کاروان حضرت زینب تشکیل داده بود و در زمینه‌های مختلفی فعالیت داشتند از جمله کمک‌های پزشکی، کشاورزی، شستن لباس رزمندگان و ... بهی خانم مادر جوانی بود که با داشتن ۲ فرزند میدان رزم را خالی نکرد. هم مادر فرزندانش بود و هم خواهر رزمندگان. فعالیت خود را در شهرهای حمیدیه، سوسنگرد، اهواز، خرمشهر و آبادان با عنوان نیروی امدادگر ادامه داد.

گاهی همراه مجروحان با قطاری که کوپه و راهروهایش پر بود از مجروح به سمت تهران می‌رفت جوری که تمام مسیر رفت و برگشت را ایستاده سپری می‌کرد. و گاهی در یک متری رزمندگان در خط مقدم حضور پیدا می‌کرد.

از جمله خاطراتی که ایشان تعریف می‌کنند این است که: در آن زمان گروهک‌های مخالفی بودند که برای اعمال نظرات خود بین مردم و ایجاد تفرقه اقدام به انتشار اعلامیه‌هایی بین مردم می‌کردند. در آن وقت حقوق من مبلغ ۱۰۰۰ تومان بود که بیشتر آن را صرف امور خیر می‌کردم. یکی از اموری که انجام می‌دادم این بود که با مبلغی از حقوقم مقداری از مجلات یا نشریات گروهک‌ها را خریداری می‌کردم و در همان مکان آنها را پاره و در فاضلاب می‌انداختم تا دیگران هم از منفی بودن فعالیت آنها بیشتر مطلع شوند.

ایشان در سخنان خود بیان می‌نمایند

جهاد یک واژه نیست یک مسلک و ایدئولوژی و یک حرکت الهی است حرکتی پویا در جهت رشد و شکوفایی یک هدف.

اولین تصور ما از قهرمانان جنگ، بزرگ مردانی است که از جان و مال و خون و دارایی خود گذشتند. اما شیرزنانی که در دامان خود مردانی پرورش دادند که اسطوره‌های فردای جوانان مرز و بوممان باشند را کمتر می‌بینیم. خواهرانی که همپای برادران، روزهای سخت جنگ را طی کردند و لحظه‌ای از عقیده و باور خود عقب ننشستند. موضوع حضور زنان در جنگ بهانه‌ای شد که در این شماره مروری بر فعالیت‌های خانم دکتر ژولایی باقری در دوران دفاع مقدس داشته باشیم.

دکتر بهی خانم ژولایی باقری در اولین روز تیرماه ۱۳۳۶ در محله لب خندق دزفول در خانواده روحانی متولد شد. او تحت تربیت پدرش، سیدحسن آموزه‌های انقلاب را فراگرفت. سیدحسن از معدود افراد تحصیل کرده دزفول در زمان پهلوی بود. که علاوه بر حرفه چشم‌پزشکی که دردهای مردم را التیام می‌داد، از اتفاقات جامعه غافل نبود. در بهمن ماه ۱۳۴۲ همزمان با انقلاب سفید و مقارن با عیدفطر توسط توطئه‌ای از جانب رژیم پهلوی به قتل رسید. فضای خفقان جامعه و فشار رژیم مانع شد که بتوانند مراسم ختمی برای ایشان داشته باشند.

دکتر سیدحسن کشته شد اما فرزندان تربیت کرد که بعد از او راهش را ادامه دادند. بهی خانم اینبار در کنار برادرانش مخصوصاً سید احمد مشق انقلاب را فراگرفت. سیداحمد تازه وارد دانشگاه شده بود و در کنار درس خواندن، با حقوق ناچیز کارگری بر گه و دستگاه فتوکپی برای تکثیر اعلامیه‌های امام (ره) تهیه می‌کرد. در جریان انقلاب فعالیت‌های زیادی داشت و همراه شهید چمران به لبنان رفت و دوره‌های نظامی را گذراند.

سال (۵۶-۱۳۵۵) بهی خانم با عنوان دانشجوی ممتاز وارد دانشگاه جندی شاپور اهواز شد. درسش را در علوم پایه شروع کرد اما ساواک مانع ورودش به دانشگاه شد و او مانند سایر خواهر و برادرهایش از دانشگاه اخراج شد. بعد از معانعت از درس خواندن، ایشان از طریقی که انتخاب کرده بودند کوتاه نیامده و به راه خود ادامه دادند و در همان سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشریف فرمایی امام خمینی (ره)، جهت ادامه راه به دیدار ایشان شتافتند و پس از آن با تمام اراده‌ی خود مجری دستورات امام شدند تا زمانی که امام دستور ایجاد تشکل‌های دانشجویی با عنوان جهاد سازندگی را دادند، ایشان این بار در قالب جهادسازندگی وارد عمل شدند. در باور ایشان جهاد یک واژه و کلمه نبود بلکه جهاد آرمان و هدفی است که وسیله تقرب الهی می‌شود و جهاد مقدمه شهادت و فوز عظیم است.

بعد از صدور این فرمان توسط امام در دی ماه ۱۳۵۸ اولین هسته‌ی جهادسازندگی در خوزستان بنا گردید که خانم ژولایی باقری جزء نفرات اول هسته جهادسازندگی در آن سال‌ها بودند. از جمله فعالیت‌های خانم ژولایی باقری در جهاد سازندگی فعالیت در بخش کمیته فرهنگی بود که آموزش قرآن، نماز، نهج البلاغه و ... را برعهده داشت. که این دوره‌های آموزشی را برای روستاها و شهرهای خوزستان برگزار می‌شد. دلیل فعالیتش در واحد فرهنگی را چنین بیان می‌کرد: همه کمیته‌ها منشعب از کمیته فرهنگی است و فرهنگی که در آن قرآن، نهج البلاغه و اهل بیت باشد، فرهنگی غنی است. که اگر رفتار فرهنگی ما درست شود همه عالم درست می‌شود.

روایت محسن امیریان از بنیانگذار پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد

## طرحچی، کامپیوترِ جبهه‌ها



مصاحبه از سعید زجاجی

رفاقت ما در خوزستان شکل گرفت. هر دو از مشهد بودیم و این باعث شد رفاقتمان عمیق‌تر شود و با اسم کوچک همدیگر را صدا می‌زدیم. آن زمان من به ستاد مرکزی رفتم و ایشان قرار بود وزیر صنایع شود.

هوش سرشار او مثال‌زدنی بود، به راحتی اعداد بیست‌رقمی را بخاطر می‌سپرد. این حافظه و پردازش را در جایی ندیده بودم حتی در کامپیوتر. یادم هست پمپ گازوئیل یکی از بولدورهای خراب شده بود. شهید طرحچی به من گفت در یکی از روستاهای دزفول بولدوزری با شماره بیست رقمی فلان هست پمپش را باز کنید که به دستگاه شما می‌خورد. بعد از مراجعه به دزفول دیدم عینا همان شماره روی بولدوزر حک شده است.

محمد در کودکی یتیم شد، وقتی مادرش را از دست داد دیگر هیچکس را نداشت. اما در بین نیروهای نظامی سپاه و ارتش محبوبیت خاصی پیدا کرده بود. چهره زیبایی داشت و خوش صحبت بود. در

لحن و کلامش لهجه‌ای پیدا نمی‌کردی. اصالتا مشهدی بود اما در تهران بزرگ شده بود. مهندسی مکانیک را از دانشگاه

امیرکبیر (پلی تکنیک) اخذ کرده بود. تمام نیروهای جهاد را در جبهه جنوب سازماندهی می‌کرد و اولویت زندگی را جنگ می‌دانست. زندگی‌اش را وقف جنگ کرده بود. وقتی کنارش می‌نشستی فکر می‌کردی تمام دنیا در همین اتاق جنگ خلاصه می‌شود. او یک فرمانده به تمام معنا و کلمه بود. از کسانی که با ایشان کار می‌کردند می‌توان به شهید شهبهانی، شهید رضوی، آقای امان‌پور و آقای هاشمی اشاره کرد. خبر رسید که جبهه‌های الله‌اکبر وضعیت مناسبی ندارند، طرحچی فرمانده بود و به من گفت برو در انبار راه‌آهن را بشکن، آنجا گونی و تراورس داریم که می‌شود از آنها استفاده کرد. در فکر انجام کار بودم که یک نفر به من مراجعه کرد و گفت: «من محمد صیدآبادی هستم اومدم برای انجام کار، به من کاری بدید». در جواب گفتم: کار من مهندسی هست، برو!



نفر دوم از راست آقای محسن امیریان



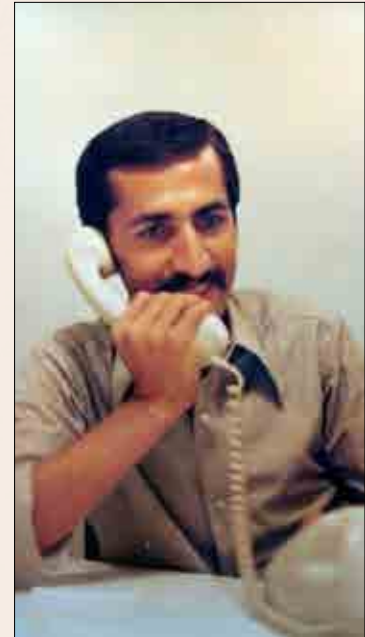
اگر کسی تمایل دارد با من بیاید. همه داوطلب شدند. شهید طرحچی گفت فقط یک نفر باید همراه من بیاید، هر کسی که صبح زود قبل از همه بیدار شود و آماده حرکت شود با من می‌آید. کوله‌ها را برداشتیم و سوار لندرور شدیم و به سمت آبادان - ماهشهر راه افتادیم. ۱۸ کیلومتری ماهشهر پیاده شدیم و سه ساعت پیاده رویی داشتیم. شهید طرحچی گفت چند دقیقه استراحت مختصر می‌کنیم، از هم فاصله گرفتیم و چند دقیقه نفسی تازه کردیم. دلیل فاصله گرفتن ما این بود که اگر دشمن ما را دید هر دو نفر را با هم نزند. با سرنیزه خاک‌ها را بالا می‌زد، فکر کردم دارد بازی می‌کند. یک‌بار نیم متر از سر جایش جهید. هفت هشت نقطه این طرف و آن طرف پرید. با خودم گفتم تابش آفتاب و گرما روی سرش اثر گذاشته. که یکبار داد زد: معجزه معجزه! گفتم: محمد چی شده؟ مغزت جا به جا شده! گفت: مگر تو زمین‌شناس نیستی؟ زیر پات معجزه است، زیر پات معدن فسیل هست که برای زیرجاده‌سازی مناسب است دیگر نیازی نیست از اهواز خاک بیاوریم. این خاک مخلوط با فسیل برای راه‌سازی مناسب است و اجازه نمی‌دهد آب وارد خاک شود و آن را تبدیل به باتلاق کند. نقشه‌ها و نقطه‌ی آن را ثبت کردیم. شب جلسه فرمانداری بود و محمد طرحچی نقشه را ارائه کرد.



راندن جرثقیل را نداشتم. باید طوری کنترل جرثقیل را حفظ می‌کردم که از روی خاکریز که بالا می‌روم ماشین چپ نکند در همین حین، از طرف نیروهای خودی یک آرپی جی به سمت جرثقیل شلیک شد که الحمدلله به ماشین اصابت نکرد. داد زدم نزنید نزنید! یکی از بچه‌ها از سنگر بیرون آمد و گفت تو ایرانی هستی؟ گفتم بله گفت ما از گروه شهید چمران هستیم فکر می‌کردیم شما نیروی عراقی باشید که قصد دارد ماشین را سمت عراق ببرد.

به شمال شهر خرمشهر رفته بودم، از پشت کرخه آب را به سمت دشمن هدایت می‌کردیم. شهید فلاحی را دیدم که گفت دنبال می‌گشتم بیا با هم صحبت کنیم. با همان لحن ادامه داد که اگر آب را رها نکنیم نمی‌توانیم اهواز را نگه داریم. نمی‌گذارند (بنی صدر) من جنگ را اداره کنم. بهش قول دادم که ما هر کاری بتوانیم انجام می‌دهیم. فلاحی گفت ما با رضوی با حکم امام برای شکست حصر آبادان اقدام کردیم که متأسفانه بی‌نتیجه بود. بررسی کنید که می‌توانید برنامه‌ریزی کنید؟

صحبت‌های شهید فلاح را به طرحچی منتقل کردم. چهار روز بعد شهید طرحچی مسئولین جهادسازندگی شهرستان‌ها را برای حضور در جلسه دعوت کرد. و گفت فلاحی چنین مطلبی را گفته و باید کاری کنیم. برای شناسایی



تا عصر برای انجام کار اصرار می‌کرد، کلافه‌ام کرده بود. بلاخره کوتاه آمدم و گفتم برو انبار راه‌آهن و از آنجا کیسه‌گونی و تراورس را به جبهه الله‌اکبر ببر. بدون هیچ حرفی چشم گفت و رفت. تازه خیالم راحت شده بود که از شرش راحت شدم که بعد از چهار روز یادم آمد، که ای وای با دستور طرحچی چکار کردم؟ روز چهارم محمد آمد. گفتم: معلوم هست کجایی؟ گفت در انبار راه‌آهن را شکستم و تراورس‌ها و کیسه‌های گونی را با تریلی به بچه‌های تپه الله‌اکبر رساندم. در تصورم این کار نشد بود. با طرحچی برای بازدید رفتیم و متوجه شدم که محمد کارش را کاملاً درست انجام داده. محمد در عملیات فتح المبین شهید شد.

یکسری جرثقیل و ماشین‌های سنگین که به شرکت‌های خارجی تعلق داشتند که قبل از جنگ در آن محل کار می‌کردند، بین محل درگیری ایران و عراق جا مانده بودند. شهید طرحچی به من گفت: جراتش داری بری ماشین‌ها رو بیاری؟ بعد از گفتن حرفش، یک آدرس داد که ماشین‌ها را به آنجا منتقل کنم. عملیاتی به نام قائم طراحی کردیم. که طی آن کامیون‌ها و جرثقیل‌ها را به سمت جبهه خودی آوردیم. برای آوردن آخرین جرثقیل به راه افتادم، تا آن زمان تجربه

گزارش یکساله عملکرد اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی به روایت سید حمزه رضوی:

## جایگاه و شأنیت امور ایثارگران جهاد، باید همتراز با مجموعه امور ایثارگران در سپاه و ارتش باشد

این نشان دهنده اثربخشی و جذابیت مطالب آن برای جامعه هدف ما است. طی سالیهای گذشته، همکاران گرامی و مدیران سابق اداره کل امور ایثارگران، خدمات متعدد و ماندگاری داشته اند که جا دارد در ابتدای سخن از آقایان دارایی نژاد، خداکرمی، نواب، هدایت نژاد، ترشیزی، گلی که از بدو تشکیل امور ایثارگران در وزارت جهاد کشاورزی بار سنگین مدیریت و هماهنگی این حوزه را بر عهده داشته اند یاد می‌کنم و خدا قوت و تشکری از زحمات ایشان داشته باشم.

در یکسال گذشته خصوصاً بعد از تجمیع حوزه مشاور وزیر با اداره کل امور ایثارگران، با همکاری معاونین و روسای ادارات و همراهی بدنه کارشناسی ضمن اجرای برنامه های جاری و کوتاه مدت، برنامه های کلیدی میان مدت و بلند مدتی را در حوزه شرح وظایف مان تدوین کرده ایم که برخی از آنها در فاز اجرا است و بعضی دیگر هم به مرور عملیاتی و اجرایی خواهد شد. به عنوان مثال در حوزه اشتغال ایثارگران، نگاه مان صرفاً به استخدام در بخش دولتی نبوده است و در کنار پیگیری برای جذب سهمیه استخدام در دستگاههای دولتی، در حوزه مهارت آموزی و توانمند سازی تجربی و تخصصی ایثارگران جویای کار، کارگروهی تشکیل و اقداماتی انجام شد که بحمدالله مورد استقبال برخی از عزیزان نیز واقع شد که بعد از آموزش و با مشاوره کارشناسان و بهره گیری از تسهیلات وزارت جهاد کشاورزی در زمینه تولید محصولات غذایی، فعالیت خود را آغاز کردند و موفق نیز بوده اند. یا در حوزه مسکن علاوه بر رایزنی با بنیاد شهید و امور ایثارگران و رفع مشکلات بندج خانواده های شهدا، تفاهمنامه همکاری احداث یکصد هزار واحد مسکونی برای کارکنان با وزارت شهرسازی برای ساخت مسکن با اولویت واگذاری به ایثارگران در دست اقدام است که امیدواریم در سالجاری نهایی و عملیاتی شود. یا در حوزه فرهنگی



سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی است. او فرزند «آقا تقی» جهادگران یا همان سردار سرلشگر جهادگر شهید مهندس سید محمد تقی رضوی (فرمانده ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی و قائم مقام قرارگاه مهندسی رزمی خاتم الانبیا(ص)) است. وی در سابقه کاری خود معاونت سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان خراسان رضوی و معاونت توسعه مدیریت و منابع سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان رضوی را دارد و در شهریورماه سال گذشته به دعوت جمعی از فرماندهان ارشد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و درخواست جمعی از فرزندان شهدای جهاد، مسئولیت اداره کل امور ایثارگران را بر عهده گرفت. با او در خصوص گزارش عملکرد یکساله فعالیت اداره کل امور ایثارگران به گفتگو نشستیم.

و خواهران گرامی در گروه جهادی و هیات تحریریه ماهنامه پل که در طی این ۳۲ شماره خصوصاً در ماههای اخیر با همت و تلاش و پیگیری خود، روز به روز بر غنی تر شدن محتوای نشریه و تنوع مطالب آن افزوده اند و به لحاظ کیفی و کمی نیز در سطح نشریات ملی و سراسری فعالیت داشته اند که حتی در ماههای اخیر از استانهای مختلف درخواستهای مکرری برای اشتراک نشریه پل داشته ایم که

**آقای رضوی، به مناسبت هفته دفاع مقدس گزارشی از اقدامات انجام شده در اداره کل امور ایثارگران طی یکسال اخیر را بفرمایید**

قبلاً هم این را گفته ام، اگر از شهید رضوی یک ارث به من رسیده باشد همین است که از صحبت کردن و سخنرانی و مصاحبه پرهیز دارم (می خندد). اما بهرحال در ابتدا تشکر میکنم از حضور و لطف شما و سایر برادران





تولید محتوا در قالب‌های جدیدی مثل موشن گرافیک، کلیپ رنال، اینفوگرافیک، پوستر، کتاب صوتی و پادکست در کنار کارهای قبلی مثل کتاب و نرم افزار چند رسانه ای در دست اقدام است و حتی در زمینه تولید فیلم سینمایی با محوریت تشریح نقش پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد نیز گام‌های موثر و بلندی برداشته شده و با بنیاد سینمای فارابی هماهنگی و رایزنی‌هایی شده است. یا در حوزه تاریخ شفاهی فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد یا تدوین تاریخ جهاد سازندگی در اقدامات و ابتکارات آن در همه عرصه‌ها با مرکز اسناد دفاع مقدس، حوزه هنری و دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی نشست‌هایی داشته ایم و تفاهمنامه‌هایی در دست اقدام است.

### در صورت امکان گزارش این اقدامات را به صورت تفصیلی تر بفرمایید.

البته حق این بود که این اطلاعات گزارش عملکرد یکساله توسط روسای ادارات و کارشناسان حوزه‌های تخصصی ارائه شود چون حاصل تلاش و زحمات آنها بوده است اما بنا به کسوت اداری و اجرایی، خلاصه‌ای مهم فعالیتها و بخشی از نتایج زحمات همکاران طی یکسال اخیر بدین شرح بوده است: به منظور برنامه ریزی در حوزه اشتغالزایی ۱۵ هزار رکورد در بانک اطلاعاتی ما کامل شده و حتی طرح توجیهی آمایش اشتغال و کار آفرینی بر اساس معیار استانی تدوین شده و پیگیری جهت جذب ۲۰۵ نفر از فرزندان شاهد و ایثارگر دارای مدرک لیسانس به بالا در سطح وزارت جهاد کشاورزی در حال انجام است و لیست اسامی این عزیزان به تفکیک استان به اداره کل امور اداری ارسال شده است.

سفرهای استانی به استانهای اصفهان، قم، خراسان رضوی، بوشهر، گیلان و زنجان توسط بنده، معاونین و یا روسای ادارات ما صورت گرفته است و یک گردهمایی فصلی با حضور روسای ادارات امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استانها در ستاد وزارت و یک نشست نیز با معاونین محترم توسعه این سازمانها داشته ایم اما پس از آن و از بهمن ماه سال گذشته به دلیل شیوع ویروس کرونا و عدم امکان برگزاری نشستهای حضوری و یا سفرهای استانی، دو جلسه به صورت ویدئو کنفرانس با حضور روسای ادارات امور

فایده مدارک بالینی شد و ۱۰۶۴ پرونده تا کنون تشکیل شده و که بر اساس دو تفاهم نامه منعقد شده با بنیاد شهید و امور ایثارگران و کمیسیون عالی پزشکی سپاه، پرونده‌های این عزیزان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. و در خصوص صدور کارت ایثار برای رزمندگان جهادگر نیز هماهنگی لازم با ستادکل نیروهای مسلح بعمل آمده و ثبت نام و تکمیل پرونده در ادارات امور ایثارگران استانها در حال انجام است.

در خصوص تخصیص سهام شرکت تلاشگران اقتصاد پایدار به رزمندگان جهادگر نیز در یکسال گذشته ۹۱۵۷ نفر ثبت نام کرده و پرونده آنها مورد بررسی و تایید نهایی قرار گرفته است.

### با توجه به شیوع ویروس کرونا، ابلاغیه‌های دولت مبنی بر دور کاری دوره ای کارمندان و یا عدم امکان سفرهای استانی، چه تأثیری بر روند خدمت رسانی و فعالیتهای اداره کل داشته است؟

قطعاً سایه ویروس کرونا و این شرایط تحمیلی، بر همه ابعاد زندگی و فعالیت اقشار مختلف بی اثر نبوده است و حتی چند تن از همکاران ما نیز مبتلا و بستری شدند اما به لطف خدا و همت همکاران، در حوزه شرح وظایف و امور محوله توانستیم ۷۹ فقره کارگروه تخصصی و توجیهی و آموزشی در سطح ملی و استانی برگزار کنیم و تعداد جلسات تشکیل شده در کمیسیونهای امور ایثارگران در مرکز، ستاد و استانها به منظور بررسی و پیگیری مباحث ۱۵۸۴ فقره بوده است.

ایثارگران برگزار شده که در خصوص مشکلات و معضلات، راهکارها و برنامه‌ها بحث و تبادل نظر شده است و روسای ادارات و معاونین نیز ارتباطات تلفنی و یا از طریق فضای مجازی با همکاران ما در استانها داشته‌اند.

در حوزه مددکاری و رسیدگی به وضعیت معیشتی ایثارگران، علاوه بر تخصیص تسهیلات و کمکهای ویژه در موارد خاص، در خصوص ایثارگران معسر (فاقد هرگونه منبع درآمد) در ماه مبارک رمضان و تحت عنوان طرح بهار مهربانی ۱۶۰۷ بسته ارزاق در سراسر کشور توزیع شد.

یکی از مهمترین مشکلات رزمندگان فاقد مدارک بالینی مجروحیت، تایید درصد جانبازی آنان بود که بعد از سالها پیگیری و مکاتبات مکرر، بالاخره با پیگیری‌های صورت گرفته ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه شامل رزمندگان جهادگر مجروح و

امیدوارم بتوانم با مدد شهدا و همراهی مسئولین، جایگاه و شأنیت اداره کل امور ایثارگران را به آنچه که باید باشد برسانم. جایگاهی در ارتقا منزلت ایثارگران جهاد نیز اثرگذار خواهد بود و باید همتراز با مجموعه امور ایثارگران در آن دو رکن دیگر جنگ یعنی سپاه و ارتش باشد.

شده است.

در خصوص نرم افزارهای چند رسانه ای در پلت فرم موبایل و به صورت لوح فشرده در زمینه تشریح فعالیتها و اقدامات پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و همچنین معرفی شهدا، طی یکسال گذشته زیر ساختهای اولیه جهت تولید اپلیکیشن جامع معرفی کلیه شهدای جهادگر و همچنین آشنایی با فعالیتها و اقدامات جهاد در دوران جنگ تحمیلی ایجاد شده و قرارداد لازم با پیمانکار نیز منعقد شده است که فاز دوم آن تحت عنوان «تشان عاشقان» که دارای قابلیت زیارت مجازی قبور مطهر شهدای جهاد و تفال به کلام شهدا و... است که انشاءالله تا پایان سال جاری رونمایی خواهد شد.

همچنین دو نرم افزار جامع چندرسانه ای با موضوع شهید شاخص راهیان نور در سال ۱۳۹۹ (جهادگر شهید حاج مرتضی شادلو) و یکی از شهدای شاخص در بحث پشتیبانی مردمی جنگ و ستاد جذب و هدایت کمکهای مردمی به جبهه ها (جهادگر شهید حاج جواد یزدانی) تولید و توزیع شده است.

تولیدات بصری و رسانه ای مانند: کلیپ-نماهنگ-تیزر-برنامه تلویزیونی-موشن گرافیک و... نیز ۲۲۰۰ دقیقه تولید شده یا در دست تدوین است که طی هماهنگی و پیگیری با برخی از موسسات همکار در حوزه فرهنگ پایداری و دفاع مقدس و همچنین مرکز بسیج صدا و سیما، در ایام هفته دفاع مقدس آغاز انتشار و پخش آنها را شاهد خواهیم بود.

### 📌 در خصوص برنامه های زیربنایی و در دست اجرایی اداره کل که اشاره ای داشتید، توضیح دهید؟

علاوه بر مباحث تولید محصولات فرهنگی با تکنولوژی روز که به صورت گذرا به آنها اشاره شد، پیگیری راه اندازی صندوق رفاهی به صورت متمرکز در خصوص توانمندسازی خانواده های دارای مشکلات اقتصادی یا تامین و تهیه جهیزیه فرزندان ایثارگران معسر، برنامه ریزی برای جذب همیاران ایثار (خیرین)، برنامه ریزی برای اشتغالزایی زنان سرپرست خانوار و همچنین برنامه ریزی برای راه اندازی سامانه جامع اطلاعات ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی با پارامترها مربوط به حوزه مددکاری در سطح کشور و یکسان سازی اطلاعات ایثارگران آن در مرکز و جمع آوری و تهیه

**طی سالهای گذشته، همکاران گرامی و مدیران سابق اداره کل امور ایثارگران، خدمات متعدد و ماندگاری داشته اند که جا دارد در ابتدای سخن از آقایان دارایی نژاد، خداکرمی، نواب، هدایت نژاد، ترشیزی، گلی که از بدو تشکیل امور ایثارگران در وزارت جهاد کشاورزی بار سنگین مدیریت و هماهنگی این حوزه را بر عهده داشته اند یادی کنم و خدا قوت و تشکری از زحمات ایشان داشته باشم.**

جهاد در غرب کشور (قرارگاه نجف) به عنوان نخستین گام در پروژه اطلس تاریخ شفاهی شمالغرب، تدوین کتاب موشک ساعت ۲۵ از پروژه تدوین تاریخ شفاهی ابتکارات پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد که به اقدامات و فعالیتهایی تحقیقاتی جهاد سازندگی در زمینه تولید موشک برای نخستین بار در کشور می پردازد و در دست بازبینی نهایی به منظور انتشار است. در حوزه چاپ و نشر کتاب نیز به زودی کتابهای ملخورد مسموم (با محوریت فعالیتها جهادگران در بمباران حلبچه)، جهاد قزوين، جاده امن هور (ویرایش دوم) منتشر و توزیع خواهد شد که قراردادهای آن با انتشارات در دست اقدام است.

### 📌 در ابتدای سخنان تان به استفاده از تکنولوژی های روز اشاره کردید. لطفا بیشتر توضیح دهید؟

مرکز آرشیو این اداره کل، بسیار غنی و حاوی فیلمها و تصاویری بعضا منتشر نشده است و حفظ از آن، حراست از هویت جهاد و تاریخ آن است. سابقا اقداماتی در زمینه نگهداری و ثبت آنها شده بود اما به لطف خدا موفق شدیم طی انعقاد تفاهمنامه ای با موسسه روایت فتح که جدیدترین و بهترین امکانات و تجهیزات به روز در زمینه تبدیل و ذخیره سازی فیلمها به صورت دیجیتال را در اختیار دارد، در هفته حداقل حدود ۵۰ حلقه از فیلمهای ۱۶ و ۳۵ میلیمتری را با کیفیت 4k تبدیل و مجدداً به مرکز آرشیومان منتقل کنیم که تا کنون بالغ بر ۴۸۰۰ دقیقه آن ذخیره سازی و کدگذاری

با به عنوان مثال با عنایت به شیوع ویروس کرونا و بیماری های زمینه ای جامعه هدف و کوهلوت سن ایشان خصوصاً والدین معزز شهدا و جانبازان، «طرح همدلی» طی دو مرحله توسط ادارات امور ایثارگران استانها انجام شد که طی آن با والدین شهدا و جانبازان، از طریق تماس تلفنی ارتباط برقرار شد و مشکلات جاری و سلامتی این عزیزان مورد رصد و پایش قرار گرفت. در مرحله نخست این طرح (تماس با پدر و مادر شهدا) ۳۹۸ فقره در کل کشور و در مرحله دوم (ویژه جانبازان شاغل و بازنشسته) ۷۰۰۰ فقره تماس حاصل شد. البته تا قبل از شیوع کرونا و حتی پس از آن نیز در استانهایی که در وضعیت سفید بودند، با رعایت پروتکلهای بهداشتی جمعاً از ۱۳۷۷ خانواده شهید جهاد دیدار به عمل آمده است که برخی از آنها در تهران با حضور مقام عالی وزارت و یا معاونین محترم ایشان بوده که اکثر این دیدارها ثمراتی در رفع مشکلات این عزیزان داشته است.

### 📌 در سایر حوزه ها اقدامات اداره کل و فعالیت همکاران را تشریح بفرمایید؟

در حوزه حفظ اسناد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در استانها، ۸۹ هزار برگ سند طی یکسال گذشته مورد شناسایی و جمع آوری قرار گرفته است که مراحل ثبت آنها در دست اقدام و در حال انجام است و تا کنون ۴۳ هزار سند آن در سامانه سراج وارد و بانک اطلاعاتی آن به روز رسانی شده است. از مجموع اسنادهای کشور، تنها اسناد پشتیبانی و مهندسی جنگ در ۶ استان جمع آوری و ذخیره سازی نشده است که بر اساس هماهنگی به عمل آمده با مرکز اسناد ملی ایران، طی تفاهمنامه قبلی و بر اساس رایزنی های اخیر این موضوع توسط شعبات استانی این مرکز طی سال جاری صورت خواهد پذیرفت و اسناد نیز به منظور حفظ و نگهداری در چهارچوب پروتکلها بین المللی به این مراکز منتقل خواهد شد. در حوزه تاریخ شفاهی نیز ۱۸۹ ساعت مصاحبه با ایثارگران جهاد انجام شده و ۱۳۰ ساعت نیز پیاده سازی و تدوین شده است. پروژه های پژوهشی در زمینه حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس (اعم از اطلس، کتاب، دایره المعارف دفاع مقدس و...) نیز ۶ مورد بوده است. رونمایی و انتشار نخستین جلد از پروژه اطلس پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد عملیات والفجر ۸ (فاو)، پایان تدوین کتاب ستاد پشتیبانی جنگ





۸ سال دفاع مقدس با اعزام بیش از ۵۴۰ هزار نیرو به جبهه های جنگ تحمیلی و تقدیم ۳۳۹۶ شهید، ۲۳۹۱۳ جانباز و بیش از ۱۲۰۰ آزاده تقدیم انقلاب اسلامی کرده است، تکریم و خدمت رسانی در خور شأن و جایگاه والای این عزیزان علی رغم پتانسیل بالای مجموعه اداره کل امور ایثارگران، در سطح امکانات موجود و ظرفیتهای جاری و شرح وظایف ابلاغی و بودجه تخصیصی ما نیست. فارغ از اینکه متأسفانه مشکلات جامعه ایثارگری ما برای برخی اقشار جامعه و حتی بعضی از سطوح مدیریتی مان محسوس و ملموس نیست و شناخت صحیحی از معضلات این حوزه ندارند اما بحمدالله رویکرد و عنایت مجموعه مدیران وزارت جهاد کشاورزی خصوصاً جناب آقای دکتر خاوازی وزیر محترم به مباحث ایثارگران مطلوب است اما با این حجم گسترده و پراکنده از جامعه هدف، خدمت رسانی مناسب و متناسب با مشکلات و شأن این عزیزان، ایجاد ابزارها، زمینه ها و ظرفیتهای جدیدی را می طلبد. امیدوارم بتوانم با مدد شهدا و همراهی مسئولین، جایگاه و شأنیت اداره کل امور ایثارگران را به آنچه که باید باشد برسانم. جایگاهی در ارتقا منزلت ایثارگران جهاد نیز اثرگذار خواهد بود و باید همتر از با مجموعه امور ایثارگران در آن دور رکن دیگر جنگ یعنی سپاه و ارتش باشد.

فرماندهان پشتیبانی جنگ) از خانواده این شهید عزیز تجلیل و تقدیر به عمل آمد.

### در پایان این مصاحبه اگر صحبتی دارید بفرمایید.

آنچه که گفته شد و در گزارشهای تفصیلی بعداً به سمع و نظر عزیزان خواهد رسید، قطعاً بسیار کمتر از آن چیزی است که در اهداف و آرمانهای ما بوده است. نه آنکه خدای ناکرده کم کاری یا اهمالی توسط مجموعه اداره کل امور ایثارگران صورت گرفته باشد بلکه با توجه به اینکه جهاد به عنوان رکن سوم جنگ طی

لیست جامع معسرین جهت خدمات رسانی بهتر در حوزه مددکاری بخشی از آنهاست

### آیا برنامه های شاخص و ملی با همکاری سایر نهادها نیز داشته اید؟

دو همایش علمی - تخصصی با همکاری دانشگاههای کشور و تشکلهای مردم نهاد داشته ایم. همایش تاریخ شفاهی دفاع مقدس با موضوع مهندسی و پشتیبانی جنگ که با همکاری انجمن تاریخ شفاهی ایران و دانشگاه اصفهان با حضور محققین و فرماندهان ارشد سپاه و ارتش در آمفی تئاتر دانشگاه اصفهان برگزار شد که پژوهشگران مقالات خود را ارائه دادند و مورد بررسی هیات داوران قرار گرفت و در پایان نیز به مقالات برتر جوایزی اهدا شد. همچنین همایش بررسی و تحلیل نقش پشتیبانی جنگ در دوران دفاع مقدس و نقش سرمایه های اجتماعی در تحقق این همگرایی که در قالب گردهمایی فرماندهان و رزمندگان دوران دفاع مقدس با همکاری دانشگاه کاشان و تشکلهای مردم نهاد این شهرستان صورت پذیرفت و فرماندهان ارشد سپاه پاسداران، مسئولین جمعیت هلال احمر در دوران دفاع مقدس، مسئولین ستاد کمک رسانی به جبهه ها و فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد نیز به ایراد سخنرانی پرداختند و در پایان ضمن رونمایی از نرم افزار جامع چند رسانه ای جهادگر شهید حاج جواد یزدانی (از

**در یکسال گذشته خصوصاً بعد از تجمیع حوزه مشاور وزیر با اداره کل امور ایثارگران، با همکاری معاونین و روسای ادارات و همراهی بدنه کارشناسی ضمن اجرای برنامه های جاری و کوتاه مدت، برنامه های کلیدی میان مدت و بلند مدتی را در حوزه شرح وظایف مان تدوین کرده ایم که برخی از آنها در فاز اجرا است و بعضی دیگر هم به مرور عملیاتی و اجرایی خواهد شد.**

مهندس زنگنه در سمینار جمع بندی و ثبت تجارب (۱۳ دی ماه ۱۳۶۷)

## فعالیت‌های جهاد سازندگی در جنگ تحمیلی



بسم الله الرحمن الرحيم  
ضمن سلام و درود به منجی عالم بشریت و نایب برحقش فرماندهی کل قوا امید مستضعفان جهان، نور چشم رزمندگان اسلام و قوت قلب جهادگران با ایمان. ضمن سلام و درود بر روان طیبه‌ی شهدا بالاخص شهدای عزیز و بزرگوار جنگ تحمیلی و به ویژه شهدای عزیز و بزرگوار و گمنام جهادسازندگی و تقدیر و تشکر از همه‌ی برادران عزیز و دست‌اندرکاران و همچنین مسئولین جهاد و شما عزیزان.

خداوند را شاکرم که به بنده این توفیق را عنایت کرده که امروز در محضر شما عزیزان، که همگی با چهره‌های نورانی و معنوی و خالصی که در طول ۸ سال جنگ در خدمت اسلام و رزمندگان اسلام بودید، باشم.

خداوند این سعادت را نصیب من کرد که امروز در خدمت شما عزیزان قرار بگیرم تا چند دقیقه‌ای در رابطه با مسائل و برنامه‌ریزی‌ها جهاد در دوران دفاع مقدس صحبت کنیم، سعی می‌کنم به صورت فشرده بتوانم در رابطه با رسالتی که بر دوش و وظیفه‌ای که بر گردن داریم نکاتی به عرض شما جهادگران

و اینکه ما جهادگران در چه راهی باید حرکت کنیم.

همانطور که تیمسار صیادشیرازی در مورد عملیات طریق‌القدس صحبت کردند و خاطرات بزرگی را بازگو کردند. عملیات طریق‌القدس عملیات بزرگی بود که مستلزم یک حرکت جهادی عظیمی بود. جهاد در حالی کار خودش را شروع کرد که به اندازه‌ی سرسوزن به جهاد بها داده نمی‌شد. فقط خود جهادگران عزیز بودند که تعداد زیادی از آن عزیزان به شهادت رسیدند و البته حمایت و پشتیبانی قوی حضرت امام(ره) که از همان روزی تشکیل جهاد وجود داشت و تا کنون ادامه دارد. در آن روزهای اول، جهادگران با پشتیبانی امام(ره) و حرکت سریع خودشان در جبهه‌ها حضور پیدا کردند.

واقعیت امر این بود که در عملیات طریق‌القدس در همه‌ی زمینه‌ها به بن‌بست رسیده بودیم و هنوز مشخص نبود که این عملیات انجام می‌شود یا خیر.

متخصصین و تحصیل کرده‌های اسرائیل، آمریکا و سایر جاهای دیگر و همه افرادی که در منطقه حاضر بودند به اتفاق جواب

عزیز برسانم که برای همه جهادگران و همه رزمندگان مفید باشد. البته مطالب زیادی را برادر عزیز ما جناب آقای مهندس عظیمی و همچنین تیمسار صیاد شیرازی بیان کردند.

خاطرات ارزنده و ارزشمندی که به حق بایدگفت، قطره‌ای در برابر دریای بیکران از ایثار و استقامت و فداکاری جهادگران است. امروز سعی‌ام بر این است یکی - دو خاطره از جنگ را به عرض عزیزانم برسانم. و در انتها نتیجه‌گیری می‌کنم







و ۴ سرویس مکانیک که همراهشان بود. ۲ نفر مکانیک، ۱ نفر باتری‌ساز و ۲ نفر آهنگر بود که دنبال ماشین‌ها می‌رفتند که اگر نیاز به سرویس داشته باشند، اقدام کنند.

با توکل به خدا بعد از چند روز همگی مهمات جا به جا شد. برای امتحان جاده، بولدزر و تانک از آن رد کردند و دیدند جاده مطمئن است. حال دیگر برای تکمیل جاده کل توان ستاد جنوب که چیزی حدود ۱۰-۱۲ دستگاه کمپرسی مردمی به کار گرفتند.

در نهایت جاده احداث شد و بعد از بازدید فرماندهان، تا زمان شب عملیات جاده‌ی ورود ممنوعه اعلام شد. در شب اول عملیات، همان ساعات اولیه اعلام شد که توپ خانه‌هایمان مهمات دشمن را گرفت.

شما قبول کنید که این جاده احداث بشود من با گوشه‌ی دامن قبایم خاک می‌آورم و زیر چرخ ماشین‌ها می‌ریزم ما مطمئنیم که این جاده احداث می‌شود.

همان یک نکته‌ی امیدی بود که همگی افرادی که در جلسه بودند، موافقت کنند. شهید ناجیان می‌گفت حرف این پیرمرد درست است و ما کار را شروع می‌کنیم و اگر نشد خوب بعد از ۱ هفته - ۱۰ روز متوجه می‌شویم.

بلاخره کار شروع شد تا جایی که بعد از گذشت ۲-۳ روز متوجه شدیم چیزی حدود ۲۰۰-۳۰۰ متر کار انجام شده، آن زمان بود که تازه شهید ناجیان گفت حالا ما امیدوار شدیم که به شما امکانات بدهیم. یادم هست امکاناتی که دادند یک دستگاه لودر و ۲ دستگاه کمپرسی

منفی دادند و احداث جاده در رمل‌ها را تایید نکردند.

آنها معتقد بودند که خود عراق این مناطق را علامت قرمز زده یعنی قابل پیشروی نیست و بر اساس معادلات ریاضی و فنی نظامی امکان احداث و ساخت جاده را رد می‌کردند. حتی مسئولین و افرادی که از روزهای اول در منطقه بودند و برای شناسایی رمل‌ها رفته بودند، صحت حرفشان را تایید می‌کردند.

اما جهادگرانی که اکنون در جمع ما نیستند سدها را شکستند، شهیدانی که حتما الان حرف‌های ما را می‌شنوند. وقتی کارشان را شروع کردند با دستانی خالی و حداقل امکانات و حداکثر بی‌اعتنایی‌ها مواجه شدند. حدود ۲-۳ روز افرادی که آنجا بودند و حتی خود ما که مسئول بودیم ناامید شده بودیم.

با تعدادی از برادرها صحبت کردیم که آیا احداث جاده در میان این رمل‌ها ممکن است یا خیر؟ عده‌ای از فرماندهان رشید اسلام که به شهادت رسیدند می‌گفتند اگر ما این جاده را احداث کنیم مطمئناً به پیروزی می‌رسیم ولی اگر این جاده احداث نشود احتمال انجام عملیات خیلی ضعیف است.

هنوز کشمکش‌هایی برای شروع کار وجود داشت، بعضی‌ها با احداث جاده موافق بودند و برخی دیگر می‌گفتند افسری که در اسرائیل درس خوانده‌اند می‌گویند امکان پذیر نیست. و عده‌ای دیگر بیان می‌کردند که امکانات نداریم. در میان تمام این صحبت‌ها، پیرمردی گفت: من به شما قول می‌دهم که اگر



# از هالتوجان تا آلواتان

(خاطرات جهادگر و آزاده‌ی سرافراز مرحوم صدرالله نوری)



مرحوم صدرالله نوری

عزیزم آقای خاکپور بودند، پس از مدتی طنابی آورده و یک سر آن را به چند طناب نازکتر تقسیم کرده و به بخشی از محاسنش بستند. بعد سر دیگر طناب را از شاخه‌ی درخت عبور داده و دو سه نفری آن را کشیدند.

برادر خاکپور که تقریباً ۸۰ کیلو بود را حدود ۲ متر از زمین بالا کشیدند و به موهای محاسنش آویزان شد. در حالی که دست‌ها و پاهایش را محکم بسته بودند، از درد فریاد می‌کشید تا این که پوست صورتش همراه با موهای محاسنش بسته شده‌اش کنده شد و بر روی همان سنگ‌های تیزی که قبلاً گفتم افتاد. بعد با قنداق تفنگ به جان او افتادند؛ خاکپور از درد بر روی سنگ‌ها می‌غلطید.

با دیدن وضعیت او دردهای خودم را فراموش کردم. دوباره سر طناب را آوردند و به باقی مانده‌ی محاسنش پُر از خونس بستند و بار دیگر او را بالا کشیدند. این بار دیگر خاکپور توان فریاد کشیدن هم نداشت؛ دقایقی ناله کرد تا موها و پوست از صورتش کنده شد و دوباره روی زمین افتاد.

دیدن این صحنه‌ها برای ما بسیار دشوار بود اما آن‌ها با قنداق تفنگ‌هایشان ما را می‌زدند تا به این صحنه‌های وحشتناک نگاه کنیم.

صورت‌م کوبید که بیشتر دندان‌هایم خُرد شد، لثه‌ها و حنجره‌ام چاک خورد و خون همراه با دندان‌های شکسته از دهانم به بیرون فواره زد.

هم‌زمان هر بیست نفرشان شروع به تیراندازی به طرف پاها و سر و صورت‌م کردند، که این آتش‌بازی دقایق زیادی ادامه یافت.

وضعیت برایم خُردکننده بود؛ از حالت طبیعی خارج شده بودم، اعصابم به هم ریخته بود و برای اولین بار آرزو کردم که یکی از این گلوله‌ها مغزم را متلاشی کند و خلاص شوم، اما نمی‌خورد.

داشتم دیوانه می‌شدم که مرا از درخت باز کردند و بدن غرق در خونم را کنار یک تخته‌سنگ انداختند. برای لحظه‌ای جایی را نمی‌دیدم دلش چاک خوردگی یکی از چشم‌هایم بود. هیچ رمقی نداشتیم، گوش‌هایم سوت می‌کشیدند و از همه بدتر عطش وحشتناکی بود که وجودم را در خود می‌سوزاند.

مدتی که گذشت گوش‌هایم کمی آرام گرفت، یک‌باره یادم آمد که کجا هستم. به اطراف نگاه کردم، وقتی آقای موسوی را دیدم دلم آرام گرفت.

شیاطین مسلح مشغول بازجویی از برادر

## بخش دوم: شروع شکنجه‌ها

منتظر یک گروه ناجی بودم و به کوه‌های سرد و سیاه اطراف نگاه می‌کردم؛ همه چیز در نظرم تیره و تار شده بود.

زیر لب گفتم: «خدایا، تو می‌دانی که من به قصد قربت و با عشق خدمت به برادران و خواهران کرد به کردستان آمده‌ام؛ من نمی‌خواهم اینجا بمیرم؛ با این حال راضی‌ام به رضای تو.»

تا این که یکی از آن نیروهای مسلح به من نزدیک شد و سر اسلحه‌اش را به صورت‌م نزدیک کرد و گفت: «اگر وصیتی داری بگو.»

بقیه‌ی افراد هم اسلحه‌های خود را از ضامن خارج کرده و سر آن‌ها را به سوی من گرفتند.

«عطش زیادی دارم، اگر ممکن است به من آب بدهید.»

«[با خشم] «نداریم؛ وصیت بعدی.»

«اگر ممکن بود بعد از تیرباران، جنازه‌ام را ببرید کنار جاده اصلی بیندازید. اگر جنازه‌ام به کاشان نرسد، پدر و مادر، همسر و فرزندانم تا آخر عمر چشم به راه می‌مانند.»

خشم آن دموکرات خونریز بیشتر شد و با سر اسلحه به جان من افتاد؛ آنقدر به

موسوی کیخا







با همان لحن آرام گفت: «نگران نباش، عَدو شود سبب خیر؛ ممکن است همین سوزش و درد باعث شود خونریزی ما تمام شده و زخم‌ها التیام پیدا کند.»

غروب آفتاب به روستای «توربود» که حزب دموکرات در آنجا تشکیلاتی داشت رسیدیم. وقتی ماشین به وسط میدان روستا رسید، زندان بانان، ما را مثل موش آب کشیده از داخل بشکه‌ها بیرون آورده و به کنار دیوار تکیه دادند.

ابتدا مسئول تشکیلات حزب دموکرات در آن روستا به دیدن ما آمد و از مشاهده‌ی وضع اسفباری که داشتیم، خیلی خوشحال شد و با غرور مقداری صحبت کرد؛ به حضرت امام(ره) و جمهوری اسلامی توهین کرد و آنطور که اشاره کرد، فهمیدیم اصلاً کرد نیست و بلکه یک ساواکی فراری است. متأسفانه ما هنوز گرفتار تفاله‌های رژیم شاه بودیم. همین آقا بلندگو به دست گرفت و اعلام کرد: «ای مردم روستا، ما سه نفر از پاسداران خمینی را گرفته‌ایم، این‌ها جمع زیادی از خلق کُرد را سر بریده‌اند، بیاید این قاتلان خلق کُرد را ببینید.» حرف‌های او برای ما شکنجه‌ی روحی بود. آنجا بود که به یاد آوردم با چه عشقی از کاشان برای خدمت به برادران و خواهران کُرد خودم آمدم تا در آبادی منطقه نقشی داشته باشم، و حالا این فرد چه تهمت‌هایی به ما می‌زند؛ تحملش برایم خیلی سخت بود.

تعجب من از مردم روستا بود که دروغ‌ها و تهمت‌های او را باور کرده بودند. خیلی‌ها آمدند، اطراف ما حلقه زدند و ما را به چشم قاتل کُردها نگاه می‌کردند. آنجا بود که متوجه شدم تبلیغات چقدر مؤثر است و چگونه می‌تواند جمعی بی‌گناه را قاتل مردم نشان دهد. واقعا تبلیغات چه قدرتی دارد!

بدن نیمه‌جان خاکپور را آورده و در کنار من انداختند، برای رفع خستگی لحظه‌ای از ما دور شدند.

در همین حین آقای موسوی به آرامی دعایی را زمزمه کرد که چون نسیم سحرگاهی بهار، به درون تک‌تک سلول‌های بدنمان رخنه کرد و باعث مقاومت ما در برابر آن شکنجه‌های هولناک شد؛ هم حس مقاومت در ما ایجاد کرد و هم حس امید.

ناگهان آن مزدوران آمریکا همچون گرگ گرسنه به آقای موسوی حمله‌ور شدند. بعد از بازجویی، پیراهن و زیرپوش او را درآورده و مجبورش کردند با بدن برهنه بر روی همان سنگ‌های تیز سینه‌خیز برود. او سینه‌خیز می‌رفت و آن شیاطین با قنداق تفنگ به جانش افتاده بودند. لبه‌ی تیز سنگ‌ها، از خون آقای موسوی سرخ می‌شد که گویی در آن محوطه، لاله‌ی سرخ کاشته بودند.

کار به جایی رسید که یکی از همان شیاطین فریاد زد: «بس است و گرنه می‌میرد.» و بعد او را کنار ما روی تخته‌سنگ انداختند.

صورت و شکم آقای موسوی صدها بُرش خورده و خون از آن‌ها جاری بود. او با تمام جراحت‌ها و شکنجه‌ها، آرزوی یک بار آخر گفتن را به دل آن‌ها گذاشت. مرتب ذکر می‌گفت؛ حتی وقتی تقریباً بی‌هوش بود، لب‌هایش تکان می‌خورد.

دقایقی طول کشید تا چشم‌هایش را باز کند، وقتی نگاه مضطربانه‌ی ما را دید، آهسته و دردمند در حالی که سعی می‌کرد لبخند بزند گفت: «فراحت نباشید برادران، حال من به یاری خداوند خوب است، من ذکر خدا می‌گویم، شما هم ذکر بگویید، خدا با ماست.»

مقداری بر اعصاب‌مان مسلط شدیم و ذکر خداوند متعال در ما نیز توان حرکت ایجاد کرد.

ساعت ۴ بعد از ظهر شد. آن‌ها با همه‌ی سفاکی و قساوتی که داشتند، مجبور بودند ما را زنده به جایی که نمی‌دانستیم کجاست ببرند. چون خون زیادی از ما رفته بود، به هر سه نفرمان آب دادند اما خبری از غذا نبود.

در همان حالتی که توانستیم سر جای مان بنشینیم، آقای موسوی اشاره کرد که تیمم کنیم و آهسته نماز بخوانیم و بدین ترتیب تیمم‌ها و نمازهای خونین ما از همان جا آغاز شد.

چند دقیقه بعد زندان بانان ما را حرکت دادند، چند متر جلوتر یک وانت توپوتا آمد که عقبش سه بشکه‌ی ۲۰۰ لیتری گازوئیل و ... بود. هر کدام از ما را داخل یکی از این بشکه‌ها انداختند. ناگهان سوزش زیادی در اطراف زخم‌ها و جراحت‌هایمان احساس کردیم؛ خیلی می‌سوخت. در همان حال ما را به سوی مقصد نامعلومی در کوه‌ها حرکت دادند. رفته رفته احساس سوختن در همه‌ی قسمت‌های بدنمان ایجاد شد سوزشی غیرقابل تحمل که یک‌باره فریاد هر سه نفرمان به هوا برخاست بار دیگر مرگ را جلوی چشم‌هایم دیدم.

وقتی فریاد می‌زدیم، نیروهایی که در دو طرف ما بودند سرمان را با فشار در مایعات بشکه‌ها فرو می‌کردند. چند دقیقه‌ای کار آن‌ها همین بود؛ سرمان را درون مایعات نگه می‌داشتند و وقتی بالا می‌آمدیم هنوز درست نفس نکشیده، مجدداً در آن مایعات کثیف فرو می‌کردند.

به یک قدمی مرگ که رسیدیم رهایمان کردند. دقایقی نفس نفس می‌زدیم و باور نمی‌کردیم که هر سه نفرمان هنوز زنده‌ایم. آهسته حال همدیگر را پرسیدیم، ماشین هم‌چنان در کوره‌راه به پیش می‌رفت.

کم‌کم دیگر سوزش درد و سرما را حس نمی‌کردیم؛ نگران شدم که نکند از طریق این مایعات، مسموم و یا فلج شده باشیم. آقای موسوی



داشتیم پانسمان کنند اما فایده نداشت؛ چون مرحله سوم بازجویی‌ها شروع شد.

اینجا باز مشت و لگد بود و شلاق، گرچه بدن‌مان را سیاه کردند اما به سختی شکنجه‌های معدن سنگ نبود. ما را بار دیگر با بدن‌های خونین به زندان آوردند و باز همان چهار برادر سرباز با هر چیزی که می‌شد، مرهم بر زخم‌های ما گذاشتند.

شام و ناهار، مدام آب و نخود بود ولی با این حال هر روز بهتر و بهتر می‌شدیم. بعضی شب‌ها بیگاری داشتیم؛ یعنی شبانه ما را به مرز می‌بردند تا جعبه‌های مهمات اهدایی صدام را از آنجا به مقرشان بیاوریم. البته در آن هوای سرد، این یک ورزش برای ما بود و بیش از همه، برادر خاکپور این وضع را برای خودش یک ورزش خوب و مؤثر می‌دانست!

انگار یک رؤیا بود؛ ما کم‌کم داشتیم مقاوم می‌شدیم. از نظر جسمی، هر روز بهتر از دیروز و از نظر روحی بهتر؛ چون آقای موسوی در فرصت‌های مناسب، آیاتی از قرآن مجید و خطبه‌های نهج‌البلاغه‌ی مولا علی علیه‌السلام را برای ما ترجمه و بعضی را که بلند بود تفسیر می‌کرد، و این بهترین غذای روحی برای ما بود.

اواخر مهرماه ۵۹ بود که آقای موسوی از ما خواست برای فرار آماده شویم؛ من، خاکپور و آقای موسوی جلسه‌ای گذاشتیم و مقداری در مورد این موضوع صحبت کردیم. آقای موسوی امیدوار بود که اگر طرحش خوب اجرا شود، موفقیت‌آمیز است.

اما اینطور نشد چون خیلی زود گیر افتادیم، ما را با شلاق و قنداق تفنگ به زندان برگرداندند و از پا به سقف آویزان کرده و به شلاق بستند؛ حالا نزن کی بزن! آقای موسوی را بیشتر شکنجه کردند؛ آب داغ به بدن ایشان می‌ریختند و شلاق می‌زدند. تا این که بعد از دو ساعت شکنجه، پایین‌مان آوردند. بعد از این شکنجه‌ها که حالا دیگر وضعیت روزمره‌مان شده بود، ما را پای پیاده به سوی مرز عراق که قبله‌ی حاجات این ضدانقلاب‌های خون‌آشام بود حرکت دادند. با بدن‌های سوخته و شلاق‌خورده، در آن سرمای سخت و از بی‌راهه‌های کوهستانی، شاید حدود دو ساعت طول کشید تا زندان بانان، ما را به روستای «شیمان» رساندند. نزدیک آن روستا، زندانی ساخته بودند که از زندان قبلی کثیف‌تر و غیر بهداشتی‌تر بود و حتی نفس کشیدن‌مان را دشوار می‌کرد.

ادامه دارد...

نفرت از ما، از چشم‌های آن روستاییان مظلوم که برادران و خواهران ما بودند می‌بارید. بعضی آب دهان به سوی ما می‌انداختند، انگار که ما عزیزترین کسان‌شان را کشته‌ایم. پس از این که مردم ما را دیدند و خوشحال به خانه‌هایشان رفتند، ما را به یکی از اتاق‌های تشکیلات بردند. اتاق کثیفی بود هر سه نفرمان حالت تهوع داشتیم.

صدای اذان روستا به گوش رسید. تیمم کردیم و همان‌طور نشستیم، نماز خواندیم. همه‌ی لباس‌هایمان نجس و خون‌آلود بود اما در نماز توجه و حال خوبی داشتیم؛ نزدیکی به خداوند کار خودش را می‌کرد و روحیه‌ی ما عوض می‌شد. صحبت‌های آرام برادر موسوی ایجاد حس مقاومت ما را زنده‌تر می‌کرد.

مقداری آب و نان خشک آوردند. دهان و لثه‌هایم خون‌آلود و اکثر دندان‌هایم شکسته بود. با این حال هر کدام قسمتی از آن نان خشک را خوردیم. این اولین غذای ما بعد از اسارت بود. بعد از خوردن نان، ضعف شدیدمان کمی برطرف شد. هنوز از دهان، صورت، حنجره، سینه و پاهایمان خون می‌آمد هر چند خیلی کم شده بود.

چند دقیقه‌ای از استراحت ما نگذشته بود که گفتند آماده‌ی حرکت باشید. شبانه با پای پیاده از آن روستا به سمت مرز حرکت داده شدیم. به زحمت می‌توانستیم راه برویم، اما باید می‌رفتیم و به قول آقای موسوی، این هم آزمایش دیگری برای ما بود.

همه جا تاریک بود، پاهایمان سست و بی‌رمق در مسیر کوهستانی که قدم به قدم آن پرتگاه‌هایی در کمین‌مان بود و زندان‌بانان جدیدی که خواستار مرگ ما بودند. هر یک از این مصائب و ناامیدی‌ها که گهگاه خودش را نشان می‌داد، تنها با توکل بر خداوند قابل تحمل بود. آن‌ها یکسره ما را به سمت مرز ایران و عراق پیش بردند تا به روستای «تنگه‌سر» رسیدیم. حزب‌شان در آنجا مقر داشت و ما را به آن مقر تحویل داده و رسید گرفتند و رفتند.

در آنجا ما را به اتاق زندانیان بردند، مقداری لباس کهنه‌ی کُردی به ما دادند. لباس‌های خونین خود را عوض کردیم و نفس راحتی کشیدیم. چهار سرباز جوان ارتشی هم آنجا بودند که کلی از دیدن‌شان خوشحال شدیم. با کمک آنها خون از سر و صورت‌مان پاک کردیم. شام برای ما آب و نخود آوردند که نخودش نیخته بود اما آقای موسوی مرا مجبور کرد آن‌ها را بخورم؛ خیلی سخت بود و بار دیگر دهانم پر از خون شد، در واقع نخود و خون می‌خوردم! بعد از شام، برادران سرباز سعی کردند زخم‌های ما را با یک یا دو چغیه‌ای که



مروری بر تاریخ جهاد سازندگی

# فعالیت‌های بهداشتی و درمانی جهاد سازندگی در مناطق جنگی



متر زیربنای جدید به آن اضافه کرد و همچنین یک اورژانس تونل زیرزمینی به مساحت ۸۰ متر به آن افزود. دو بخش با ظرفیت ۴۵ تخت، اورژانس، رادیولوژی، آزمایشگاه، بانک خون، آسایشگاه دکترها و آسایشگاه پرسنل، اتاق بی‌سیم (از بی‌سیم هلال احمر استفاده می‌شد)، داروخانه و قسمت دارو، قسمت پیش ساخته با یک موتور برق اضطراری به قدرت ۱۳۰ کیلو وات از دیگر کارهای انجام گرفته در این بیمارستان بود. این بیمارستان همچنین ۷ دستگاه آمبولانس از انواع مختلف داشت. بخشی از امکانات آن نیز از کمک‌های مردمی تامین شده بود.

### خدمات بیمارستان ولیعصر:

- عمل‌های جراحی و درمانی لازم در سطح جبهه‌ها به جز جراحی مغز
- انجام جراحی‌های اورژانس برای روستائیان مراجعه‌کننده به صورت رایگان
- انجام معاینات داخلی برای کلیه‌ی رزمندگان، روزها، و مردمی عادی، شب‌ها

قسمت بیستم: فعالیت‌های امداد پزشکی منطقه غرب کشور، محورهای عملیاتی قرارگاه نجف اشرف (باختران و ایلام)

### فعالیت‌های جهاد یزد مستقر در ایلام:

**ایجاد واحدهای اورژانس:** در منطقه‌ی مهران یک اورژانس شامل ۸ سنگر؛ در منطقه‌ی میمک یک اورژانس شامل ۴ سنگر؛ شور شیرین قدیم و جدید یک اورژانس شامل ۹ سنگر؛ قله‌ی ۴۹۷ یک اورژانس شامل ۳ سنگر. توزیع سه کامیون داروی اهدایی در منطقه ی زیر پوشش (سومار تا مهران) از فعالیت‌های جهاد سازندگی است. (همان، ص ۴۳)

### فعالیت‌های جهاد تبریز، مستقر در گیلان غرب:

احداث بیمارستان ولیعصر گیلان غرب و بهره‌برداری از آن که تنها بیمارستان منطقه‌ی گیلانغرب و قصرشیرین بود و مورد استفاده‌ی عموم مردم اعم از رزمنده و خانواده‌های ساکن در منطقه قرار می‌گرفت. این بیمارستان در سال ۱۳۶۰ تاسیس شد. جهاد ۶۰۰



آب محسوب می‌شدند، جهاد ابتکار حفر چاه‌های عمیق، نیمه‌عمیق و دستی را محقق کرد و پس از حفر و بهداشتی و ضدعفونی کردن آب چاه، با نصب موتور، آب مورد نیاز رزمندگان را تأمین می‌کردند.

#### لیست چاه‌های حفر شده در مناطق عملیاتی:

- طریق القدس ۴ حلقه
- فتح المبین ۴ حلقه
- بیت المقدس ۳ حلقه
- رمضان ۱ حلقه
- والفجر ۴ حلقه

یکی دیگر از ابتکارات جهاد، ایجاد حمام‌های بهداشتی صحرائی بود. از شروع جنگ، لزوم ابتکار و اختراع در ساخت حمام‌های صحرائی مورد نیاز رزمندگان اسلام که بتواند سلامت آنها را حفظ کند، ضرورت داشت، که در این راستا جهادگران دست به اقدامات ارزشمندی زدند؛ از جمله آنکه به علت فقدان امکانات لازم برای احداث حمام، دست به ساخت حمام‌های کوچک بسیار ساده و کم‌خرجی زدند که با ماشین هم قابل حمل و در تمام مکان‌ها قابل نصب بود. این حمام ساده عبارت بود از چند بشکه ۲۲۰ لیتری که روی یک خرپای دو متری مستقر می‌شد، بشکه‌ها در زیر مجهز به دوش بودند که رزمندگان با استفاده از آب ولرم این بشکه‌ها که در آفتاب نیم گرم می‌شد استحمام می‌کردند. در فصل زمستان، با ادامه پیدا کردن جنگ، حمام‌های صحرائی مجهزتر شد به نحوی که این حمام‌ها که در حقیقت یک مخزن آب، یک مشعل گازوئیلی و یک کانتینر با چند دوش بودند.

#### جمع حمام‌های احداثی ۴ الی ۱۲ دوشه در محورهای عملیاتی قرارگاه کربلا ۴۸ دستگاه:

- طریق القدس ۲ دستگاه
- فتح المبین ۱۴ دستگاه
- بیت المقدس ۳ دستگاه
- رمضان ۷ دستگاه
- مسلم بن عقیل ۱ دستگاه
- محرم ۳ دستگاه
- والفجر ۱۸ دستگاه

اقدام مهم دیگر ایجاد سرویس‌های بهداشتی در کلیه جبهه‌ها و محل استقرار نفرات و یگان‌ها است. این سرویس‌های بهداشتی که



- تعیین گروه خونی رزمندگان
- پشتیبانی دارویی و وسایل درمانی اورژانس خط مقدم
- ایجاد کلاس‌های آموزشی و امدادگری برای نیروهای مردمی جهت خدمت امداد رزمندگان
- انتقال کمک‌های دارویی مردمی به رزمندگان

#### فعالیت‌های جهاد خراسان، مستقر در سومار:

ویزیت و درمان ۸۰۰ بیمار در پاسگاه یا اعزام آنان به بیمارستان؛ توزیع ۲۰ دستگاه آمبولانس توسط ستاد نجف در منطقه و نیز انواع امکانات دارویی و بهداشتی.

#### فعالیت‌های جهاد همدان:

احداث بیمارستان ضدتوب پادگان ابوزر (سر پل ذهاب)، توسط جهاد همدان و ستاد غرب با هزینه ۵۰ میلیون ریال از محل کمک‌های مردمی؛ دارای اتاق عمل جراحی مغزی - اتاق عمل جراحی‌های عمومی با تعدادی تخت، اورژانس و کلیه وسایل لازم در یک بیمارستان زیرزمینی. این بیمارستان از ۲۰ مرداد ۱۳۶۰ مورد استفاده قرار گرفت.

#### فعالیت‌های بهداشتی جهاد:

افزون بر فعالیت‌های پزشکی در جبهه، فعالیت‌های دیگری نیز به نام این مردان و زنان جهادگر، ثبت شده است: بهداشتی کردن محل سنگرها و خاکریزها از جهت ریختن زباله و آب‌های شستشو، توزیع پوستر و نشریات بهداشتی، توزیع پکترین و قرص‌های نمک برای تصفیه آب و ایجاد توالت‌های بهداشتی. آب‌رسانی به جبهه‌ها؛ جهاد سازندگی، سقای جبهه‌ها نام گرفته است. تانکرهای بسیاری که از شهرها آب تصفیه شده را تا عمق جبهه‌ها می‌رساندند، نقشی حیاتی بر عهده داشتند. در کلیه ستادهای پشتیبانی جهاد سازندگی، کارگاه‌های مجهزی دایر بود که کار آنها تنها ساخت تانکرهای کوچک و بزرگ (از هزار تا بیست هزار لیتری) آب بود. تنها یکی از این کارگاه‌ها در اهواز ساخت ۷۰۰ تانکر کوچک و بزرگ را در کارنامه‌اش دارد. (همان، ص ۴۰).

حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق و دستی از ابتکارات جهاد محسوب می‌شود. با پیشروی رزمندگان اسلام در دل کوه‌ها و دشت‌های بی آب و علف و دور افتادن از شهرها و آبادی‌ها و رودخانه‌ها که منابع اصلی





درمان و پیشگیری از شیوع بیماری و امراض مختلف بود چرا که یکی از ارکان اصلی مبارزه - در کنار رکن اصلی دیگر که همان استقامت روحی و معنوی است- سلامت و تندرستی نیروها از نظر جسمی و بدنی است. در این زمینه با توجه به اهمیت موضوع، واحدی به نام واحد بهداشت در پایگاه جهاد خراسان، وظیفه بهداشتی کردن محیط فعالیت و محل استراحت جهادگران و دیگر نیروها را به عهده داشت. در این راستا فعالیت‌هایی در زمینه بهداشت عمومی و جلوگیری از ابتلای رزمندگان به بیماری‌های مختلف، در منطقه صورت گرفت. نیروهای جهادی فعال در زمینه بهداشت، اقداماتی از قبیل سمپاشی محیط و واکسینه کردن نیروهای رزمنده را انجام می‌دادند. با توجه به اینکه در مناطق کوهستانی غرب کشور، وجود جانداران مختلف امری طبیعی بود، جهت جلوگیری از صدمات و عوارض مختلف از سوی آنان می‌بایست وسایل دفاعی و پیشگیری بهداشتی در نظر گرفته می‌شد. در این رابطه در طول مدت حضور جهاد خراسان در غرب و جبهه سومار، مناطق وسیعی سمپاشی شد.

در مورد واکسینه کردن نیروها، کارت‌هایی صادر شد و بر اساس آن نیروها در مدت ۴۵ روز ۳ نوبت واکسینه می‌شدند که در صورت بروز و مشاهده بیماری و یا امراض گوناگون، واحد بهداشت مسئول و مامور پیگیری این امر می‌شد. ابتدا مشکل در خود منطقه حل و گرنه بیمار به مراکز درمانی دیگر در منطقه اعزام می‌شد. «سلمانی لطف آبادی ۱۳۸۵، ج ۵، صص ۱۴۵-۱۴۷»



در کنار آنها به طور معمول منبع آب نصب می‌شد، مجهز به آبریز بهداشتی بوده که توسط کانالی شیب‌دار به یک گودال سرپوشیده متصل می‌شد. (همان، ۴۰ و ۴۱)

**فعالیت‌های بهداشتی بر حسب جهادهای مستقر و محورهای عملیاتی به شرح زیر است:**  
جهاد یزد مستقر در ایلام

**خدمات بهداشتی شامل:**

- تاسیسات بهداشتی شامل ایجاد شانزده دستگاه حمام چند دوشه در محورهای عملیاتی میمک - شور شیرین قدیم و جدید مهران و چنگوله.
- ساختن سرویس بهداشتی انفرادی در چهارصد و شصت مورد
- سمپاشی سنگرها در تمام مناطق عملیاتی زیر پوشش در ۱۰ نوبت (از مهران تا سومار)
- توزیع ۴۰۰ حشره‌کش در منطقه (همان، ۴۳)

**جهاد تبریز مستقر در گیلان غرب:**

- تاسیسات بهداشتی شامل احداث ۷ دستگاه حمام در محورهای عملیاتی زیر پوشش احداث ده واحد اورژانس در محورها
- خدمات بهداشتی جهاد تبریز شامل سمپاشی سنگرها و تبلیغات بهداشتی در میان رزمندگان و ساکنین منطقه و نیز تشکیل واحد آموزش و اعزام کار آموزان به محورهای عملیاتی. (همان، ۴۴)

**فعالیت‌های جهاد خراسان مستقر در سومار:**

- خدمات بهداشتی شامل سمپاشی سنگرهای خط مقدم. تاسیس داروخانه در پاسگاه و توزیع داروهای اهدایی در محورهای عملیاتی
- انتشار جزوات بهداشتی در منطقه سومار و اقدام به ضد عفونی جسدهای عراقی در منطقه سومار (همان، ۴۵)
- بخشی از فعالیت‌های پزشکی جهاد خراسان در جبهه‌ها «از جمله کارهای لازم و ضروری در جبهه‌ها، توجه به امر بهداشت و

بازشناسی و تبیین تاریخ انقلاب اسلامی

رخدادهای دهه شصت

فتح الله نادعلی

قسمت چهارم

منافقین پس از حادثه هفتم تیر تا پایان شهریور خط ترور، شهادت مردم و مسئولان را همچنان ادامه دادند. آنها گرچه توانستند؛ ضربات غیرقابل جبرانی را به پیکر نظام اسلامی وارد سازند؛ ولی در برابر اراده مردم در دفاع همه جانبه از نظامشان، هر روز نسبت به روز قبل منفعل تر می شدند. آنها در ۱۴ مرداد ماه دکتر حسن آیت را به شهادت رساندند. سید حسن آیت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر کار تدریس، نمایندگی مردم نجف آباد را در مجلس خبرگان به عهده گرفت و با عضویت در هیات رئیسه نقش اساسی در تصویب اصل ولایت فقیه ایفا کرد و به همین دلیل جز اهداف سازمان مذکور قرار گرفت. ایشان از بازماندگان حادثه هفتم تیر نیز بود.

در ۱۴ شهریور ۱۳۶۰ آیت الله علی قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی در دفتر دادستانی بر اثر انفجار یک بمب به شهادت رسید. او پیش از انقلاب اهم فعالیت خود را صرف پایه ریزی یک سامانه آموزشی نو و پرثمر نمود و به موازات فعالیت سیاسی مبارزاتی با شاه، با همکاری شهید بهشتی اقدام به تأسیس مدرسه حقانی و مکتب توحید کرد و با اعمال شیوه‌ای نو و کارساز، این دو نهاد آموزشی را الگویی برای سایر مراکز آموزشی و فرهنگی قرار داد.

این شهید بزرگوار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با حضور در صحنه اجرایی کشور، به فرمان امام ماموریت یافت تا در دادگاه‌های انقلاب اسلامی حضور یافته و سپس طی حکمی از سوی امام، به سمت دادستانی کل کشور منصوب گردید و همین دلیل کافی برای قرار گرفتن در فهرست ترورهای سازمان منافقین بود. در همین روز یعنی ۱۴ شهریور سال ۱۳۶۰ سرهنگ وحید دستجردی که در حادثه انفجار نخست وزیری در هشتم شهریور به شدت مجروح شده بود؛ به شهادت رسید.

طولانی از نزدیک با او سابقه داشتیم، و آن بزرگوار را به تقوا و حسن عمل و استقامت، مقاومت و تعهد در راه هدف می شناختم. شهادت بر او مبارک و وفود الی الله و خروج از ظلمات به سوی نور بر او ارزانی باد. در بخشی دیگر از پیامشان فرمودند: گوارا باد شربت شهادت بر شهدای انقلاب اسلامی، و خصوص شهدای اخیر ما، که با دست جنایتکار منفورترین عناصر پلید به جوار

حضرت امام خمینی در روز ۱۵ شهریور ماه و در پی شهادت این دو مرد بزرگ پیام تسلیتی خطاب به ملت ایران صادر کردند. ایشان در قسمتی از این پیام فرمودند: با کمال تأسف و تأثر حجت الاسلام شهید قدوسی به دوستان شهید خود پیوست. شهیدی عزیز که سالیان دراز در خدمت اسلام بود؛ و اخیراً مجاهدات او در راه انقلاب بر همگان روشن است. این جانب سالیان







بی‌پایه‌ای می‌تراشیدند، در شهادت این عالم متقی که جز درباره خدمت به اسلام و مسلمانان نمی‌اندیشید بهانه‌ای جز انتقام از اسلام و ملت شریف نمی‌توانند بتراشند. امام خطاب به ملت چون همیشه خط تداوم مبارزه را ترسیم و چنین فرمودند: «مردم رزمنده ایران و خصوص مردم غیرتمند آذربایجان که چنین روحانی متعهد و عالم عالیقدری را از دست داده‌اند و حریف شکست خورده خود را می‌شناسند با عزمی جزم و اراده‌های خلل‌ناپذیر انتقام خود را از آنان می‌گیرند» اینان پیروان سید شهیدانند که در راه اسلام و قرآن کریم از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را قربان کرد و اسلام عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده نمود. و ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی ما پیرو اولیایی هستند که همه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا نموده و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفریدند.

مردم قهرمان و صبور ایران اسلامی با همت والای خویش و با بهره‌گیری از رهنمودهای حضرت امام، در کوران ترورها و نا امنی‌ها گامی عقب ننشستند. مردم با عزمی راسخ خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده کردند. منافقین و دیگر گروهک‌های

در هنگام اقامه نماز جمعه به شهادت رسید. از مهمترین اقدامات شهید مدنی در تثبیت اوضاع تبریز، مقابله با فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق و نیز بنی‌صدر و همچنین خنثی کردن توطئه‌های آنان، موجب شده بود که دشمنان کینه عمیقی از او به دل داشته باشند. به همین دلیل آنان درصدد ترور و به شهادت رساندن وی برآمدند و او را در محراب به شهادت رساندند. مجید نیکو از عوامل سازمان منافقین بود که با ترفندهایی، اعتماد ستاد نماز جمعه را به خود جلب کرد و پس از انفجار نارنجک خود نیز به هلاکت رسید.

حضرت امام خمینی در پیامی به مناسبت شهادت دومین شهید محراب، این چنین از شخصیت والای او یاد نمودند: با شهید نمودن یک تن دیگر از ذریه رسول‌الله و اولاد روحانی و جسمانی شهید بزرگ امیر المؤمنین سند جنایت منحرفان و منافقان به ثبت رسید.

..... این چهره نورانی اسلامی عمری را در تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل گذراند و از چهره‌های کم نظیری بود که به حد وافر از علم و عمل و تقوا و تعهد و زهد و خودسازی برخوردار بود..... اگر تا امروز برای جنایت‌ها و شرارت‌های خود بهانه‌های

رحمت حق شتافتند، و افتخار برای اسلام و ننگ و نفرت برای دشمنان دژخیم ملت شریف آفریدند. حضرت امام با توجه به همزمانی شهادت این مرد بزرگ با شهادت سرهنگ وحید دستجردی در پیامشان این گونه آوردند: این جانب شهادت دادستان کل انقلاب و سرهنگ وحید دستجردی، که در رأس شهرپایی و قوای انتظامی در حال انجام وظیفه بودند و بدین تحفه الهی نایل شدند، را به ملت ایران و به حوزه علمیه قم و به قوای مسلح تبریک و تسلیت عرض می‌کنم؛ و از خدای تعالی رحمت برای آنان و صبر و شکیبایی برای خانواده محترمشان خواستارم.

نکته قابل تامل در نحوه شهادت آیت الله قدوسی توسط عوامل منافقین، نفوذ یکی از اعضای منافقین (عامل بمب‌گذاری) به داخل دادستانی به عنوان کارمند بود. نامبرده با زیرکی خاص توانست اعتماد همگان را جلب و در روز حادثه با کمترین شک و تردید از سوی همکاران خود، مأموریت خویش را به انجام برساند. او دقایقی قبل از انفجار با نصب بمب در زیر اتاق آیت‌الله قدوسی به سرعت از این مکان خارج گردید!

یک هفته پس از شهادت آیت‌الله قدوسی، یعنی در روز جمعه ۲۰ شهریور آیت‌الله مدنی نماینده حضرت امام و امام جمعه شهر تبریز

بودند؛ با سردادن شعارهای تعیین شده، خط تظاهرات را پیش می‌بردند. سازمان به واحدهای عملیاتی خود دستور داده بود؛ هرکس خواست جلوی تظاهرات را بگیرد او را به رگبار ببندند! آنها با اطمینان خاطر به نیروهای خود اعلام کرده بودند: اگر نیروهای عملیاتی بتوانند از این تظاهرات، ۲ ساعت حفاظت بکنند، کار تمام است و نیروهای مردمی به ما می‌پیوندند و آتش زیر خاکستر، شعله‌ور می‌شود!

طی تظاهرات مسلحانه منافقین، تا رسیدن نیروهای مردمی و پاسداران سپاه و کمیته، گروهی از مردم عادی به دست عوامل سازمان منافقین به شهادت رسیدند و عده‌ای مجروح شده و به بیمارستان‌ها منتقل شدند. با رسیدن سیل عظیم نیروهای مردمی، ملت برای دومین بار بعد از سی خرداد، به مقابله با منافقین پرداختند. ثمره این تقابل هوشمندانه مردم، شکست مجدد نقشه‌های سازمان و برگ زرین دیگری در تاریخ حماسه‌سازی ملت مومن ایران بود.

دو روز بعد، در صبحگاه ۷ مهر، حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد دبیر حزب جمهوری اسلامی مشهد در محل حزب ترور شد. ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در کنار آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله واعظ طبسی، سه قطب رهبری مبارزات بر علیه رژیم پهلوی را در مشهد شکل داده بودند؛ در بدو پیروزی انقلاب، مبارزه خود را با منافقین و لیبرال‌ها را آغاز کرده و هم‌چنین در افشای اعمال بنی‌صدر و جبهه متحد سلطنت طلب‌ها و منافقین سهم به‌سزایی داشت و به همین



مسلح از مردم حمایت خواهیم کرد! بعدها مسعود رجوی در جمع‌بندی یک ساله خود در ارتباط با آزمایش چنین حرکتی این‌گونه تصریح کرد: اما با این همه علیرغم اینکه از سی‌ام خرداد به بعد برای ما روشن بود که آن الگو و سقوط شاه، لاقلاً در این مقطع دیگر قابل تکرار نیست؛ ولی باز هم تست کردیم!

بالاخره در صبح روز پنجم مهرماه، تعداد قابل توجهی هوادار مسلح، از سه نقطه مرکزی تهران، با شلیک هوایی و آتش زدن لاستیک اتومبیل و نیز اتوبوس‌های شرکت واحد، راهپیمایی را آغاز کردند. این افراد با شلیک رگبار هوایی و گاه با شلیک‌های مستقیم به افراد عبوری یا ساختمان‌های مراکز عمومی، بانک‌ها، مغازه‌ها، پاساژها و اتومبیل‌هایی که افراد با ظاهر مذهبی در آن نشسته

ضدانقلاب که برگزاری این انتخابات را به منزله رای اعتماد مجدد مردم به حکومت جمهوری اسلامی تلقی می‌کردند؛ در چند روز منتهی به برگزاری انتخابات، به منظور ایجاد رعب و وحشت و با هدف کم رنگ کردن حضور مردم در پای صندوق‌های رأی، با طراحی تاکتیکی جدید، عملیات‌های تروریستی متعددی در سطح کشور انجام دادند.

اواخر شهریور، خط و تاکتیک «تظاهرات گسترده» از سوی مسئولان سازمان مجاهدین خلق طراحی شد؛ با این ویژگی که تعداد بیشتری از تیم‌های مسلح سازمان مذکور در راهپیمایی‌ها شرکت داده شوند و تمام نیروهای اجرایی و عملیاتی و هواداران تشکیلاتی نیز در صحنه حضور یابند. همچنین مناطق شروع راهپیمایی طوری در نظر گرفته شود که گروه‌های مختلف سازمان‌دهی شده، در آنجا به هم بپیوندند. این تاکتیک در روز پنجم مهرماه شکل عملیاتی به خود گرفت. این تظاهرات که ابتدا قرار بود؛ اول مهرماه برگزار شود و به دلیل برگزاری تظاهرات دانش‌آموزی به مناسبت بازگشایی مدارس به تأخیر افتاده بود؛ در این مرحله اجرا شد.

سازمان منافقین در ارتباط با این نوع تظاهرات به هواداران خود چنین اعلام کرد: ما در ۵ مهر ماه با قیامی شبیه به قیام توده‌های ۲۲ بهمن روبرو هستیم. باید مردم را تحت حمایت نیروهای مسلح‌مان به صحنه بکشانیم. می‌بایست این تظاهرات با شرکت خود مردم صورت گیرد و ما به عنوان پیش‌تاز







صندوق‌های رأی و ظهور حماسه‌ای دیگر بود. تنها یک ماه پس از شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر کشور، مسئولان برگزاری انتخابات توانستند تمام امکانات را برای یک انتخابات پرشور و گسترده آماده نمایند. انتخابات علی‌رغم خواست استکبار و عوامل داخلی آنان، بسیار پر شور برگزار و مردم فهیم، صبور و شجاع، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را به عنوان ریاست جمهوری اسلامی ایران انتخاب کردند.  
ادامه دارد.....

● ۸ مهر ترور یک افسر مومن و انقلابی ارتش جمهوری اسلامی در بروجرد  
● ۱۰ مهر یعنی روز انتخابات ریاست جمهوری انفجار بمب در یکی از حوزه‌های انتخاباتی در شهر سنجق توسط گروهک‌های تروریستی ضدانقلاب و در نتیجه آن شهادت ۲ تن و مجروحیت ۱۵ تن دیگر  
● همان روز، حمله تروریستی منافقین جهت ترور سرپرست بنیاد شهید در تهران و ترور یک بسیجی در همدان و....  
دهم مهرماه روز حضور گسترده مردم پای

دلایل جز اهداف سازمان منافقین در لیست ترور قرار گرفت.  
وی که عضو خبرگان قانون اساسی نیز بود، در حال بازگشت از کلاس پاسخگویی به سوالات، به دست یکی از اعضای گروهک منافقین به نام «هادی علوی فیتله چی» به شهادت رسید. نکته قابل تأمل این که همچون موارد قبلی، شخص ترور کننده قبلاً با ترنندهای لازم در حزب جمهوری اسلامی رخنه و جلب اعتماد کرده بود!

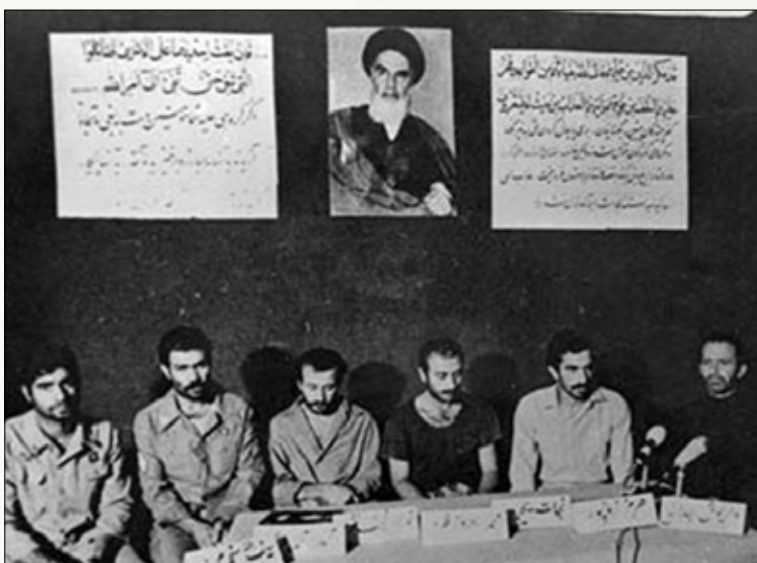
مقام معظم رهبری مدظله العالی درباره شهادت ایشان می‌فرماید: شهید هاشمی‌نژاد مسئولیت سنگین خود را از سال ۱۳۴۱ تا روز شهادت یعنی در طول ۱۹ سال به خوبی انجام داد و با کمال سربلندی و سرافرازی به لقاء الله پیوست.

پس از پنجم مهرماه سال ۱۳۶۰، جریان نفاق و گروهک‌های ضد انقلاب در اشکال مختلف در غرب و شمال غرب کشور، تقابل با نظام اسلامی را همچنان ادامه می‌دادند. به طور مثال:

● ۶ مهر انفجار در دبیرستان صنعتی دیباج در همدان

● ۷ مهر حمله مسلحانه به بازاری در گرگان و شهادت دو تن و مجروحیت ۶ تن دیگر

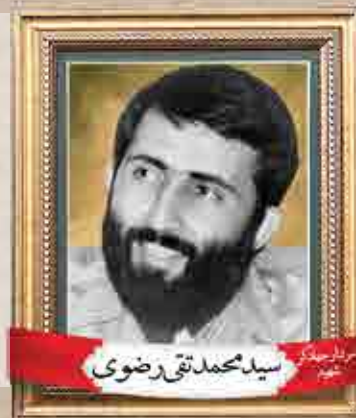
● حمله مسلحانه تروریست‌های دموکرات به روستایی در اطراف ارومیه و شهادت یک نفر از اهالی روستا در همان روز



دادگاه محاکمه گروهک تروریستی فرقان

### جنگ واجب‌تر است

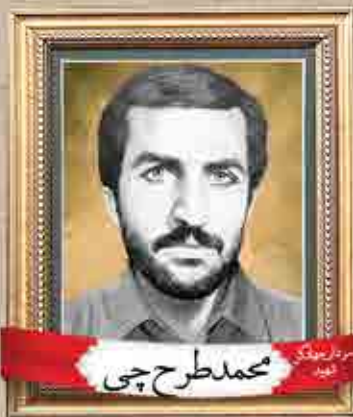
آقا تقی بلافاصله بعد از ازدواج، به تربت حیدریه رفت و از آنجا هم به اهواز رفت. مدتی بود از او خبری نداشتیم. تمام افراد خانواده هوای دیدارش را داشتند. دنبال فرصتی می‌گشتیم که به دیدار آقا تقی و همسرش برویم. با آمدن عید و تعطیلات سال جدید، این فرصت دست داد و به اهواز رفتیم. هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم زندگی تقی این قدر زاهدانه باشد! وقتی وارد خانه‌اش شدم، بی‌اختیار گریه‌ام گرفت. زندگی‌اش خیلی ساده بود. ساده‌تر از آنکه بتوان تصورش را کرد. تمام زندگیش، خلاصه می‌شد در دو پتو که آنها را هم از جهاد امانت گرفته بود. یکی حکم زیرانداز را داشت و دیگری حکم روانداز. دیدن آن صحنه دلم را به درد آورد. آنها حتی دو متکا نداشتند که زیر سرشان بگذارند! آقا تقی به جای متکا از اورکتش استفاده می‌کرد و خانمش هم از چادرش! ما دو تا متکا با خودمان برده بودیم. آنها را همانجا گذاشتیم و گفتیم لاقل اینها را بگذارید زیر سرتان! این همه زندگی‌اش بود تمام فکر و ذکرش جنگ بود. تا چیزی می‌گفتیم، می‌گفت جنگ واجب‌تر است.



سید محمد تقی رضوی

### اولین قدم در شکستن حصر آبادان

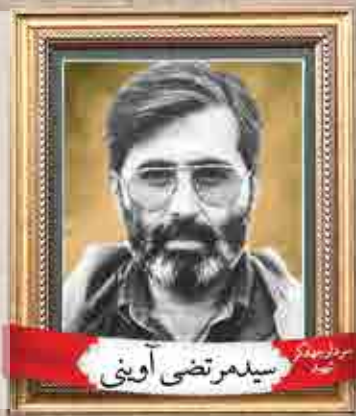
وقتی که حضرت امام (ره) فرمودند حصر آبادان باید شکسته شود، همه به فکر این بودیم که راه‌حلی پیدا کنیم یکی از راه‌حل‌ها این بود که بتوانیم رفت و آمد زمینی به آبادان داشته باشیم. این ایده را ایشان پروراند، ما رفتیم و همان منطقه را به اتفاق محمد طرحی شناسایی کردیم. خیلی جای بدی بود و واقعا امکان جاده سازی نبود. یک بار دیگر محمد طرحی با حسن هاشمی (دکتر سید حسن قاضی زاده هاشمی) رفت و آنجا را شناسایی کرد. حسن هاشمی برای من تعریف می‌کرد که در شناسایی به منطقه عراقی‌ها خیلی نزدیک شده بودیم و فکر می‌کردیم که اینها نیروهای خودی هستند چند جیب آنجا ایستاده بودند و منتظر. کمی که جلوتر رفتیم پیاده شدیم که زمین را نگاه کنیم یک مرتبه احساس کردیم این‌ها عراقی هستند. محمد پرید پشت ماشین و گفت سوار شو و سریع شروع کرد به دور زدن و با یک شجاعتی در حالی که از زمین و آسمان گلوله می‌بارید از منطقه دور شدیم. این شناسایی محمد باعث شده بود که وجب به وجب آن منطقه را خوب بدانند که چه خبر است. جاده‌ای را که طراحی کرده بود به گونه‌ای بود که ما با خیال راحت از روز شروع تا روز پایان با این‌ها که عراقی‌ها از مارد به آبادان آمده بودند ولی انصافا نتوانستند مانعی ایجاد کنند و یا نزدیک شوند و جلوی توقف این کار را بگیرند و این جاده به درستی و به سرعت کشیده و اولین قدم در شکستن حصر آبادان برداشته شد.



محمد طرحی

### مروارید گمشده یقین

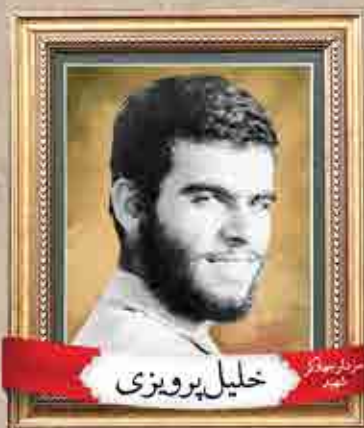
در عملیات کربلای پنج، سید مرتضی مسئول اکیپ بود. از آسمان آتش می‌بارید. از شدت سرما بدنمان می‌لرزید. آوینی گفت: «باید به جاده فاطمه الزهرا (س) که زیر آتش عراقیهاست، برویم.» مدتی بعد «مرادی نسب»، «دالایی» و «عباسی» هر سه نفر از جاده باز گشتند. از سر و صدا چشمانم را باز کردم؛ اما دوباره بی‌هوش افتادم. یک ساعت بعد بیدار شدم، مرتضی بیرون سنگر نماز شب می‌خواند، با خودم گفتم: «این مرد خستگی ندارد» برای نماز صبح همه بچه‌ها را بیدار کرد، بعد از اقامه نماز دوباره به خط رفتیم. حاجی فقط تا رسیدن به خط خوابید. در خط مقدم شجاعانه می‌دوید، اصلا لزومی نداشت کارگردان آنجا باشد، مسئولیتهایی که در شهر داشت باید مانع حضور او در جبهه می‌شد، ترس و خستگی در قاموس مرتضی راه نداشت، او در جبهه به دنبال چیز دیگری بود. «مروارید گم شده یقین که سخت پیدا می‌شد.»



سید مرتضی آوینی

### اگر خاکریزهای شما نباشد، نیروی رزمی توان مقاومت در برابر دشمن را ندارند

در شب عملیات والفجر ۸ که در حال آماده شدن برای شروع به کار با ماشین آلات مهندسی بودیم، خلیل پرویزی در جمع بچه‌ها حاضر شد و گفت: اگر روی لودر یا بولدوزر ترکشی خوردید که قابل توجه نبود و دیدید که می‌توانید کار کنید، پیاده نشوید و کار را ادامه دهید. زیرا هر کوتاهی و خدای ناکرده دنده عقب شما، مساوی است با شهید شدن دهها و صدها نیروی رزمی که جان پناه ندارند. آنها به امید ما عملیات نموده‌اند و اگر خاکریزهای شما نباشد، توان تحمل مقاومت در برابر دشمن را ندارند و نمی‌توانند منطقه را تثبیت کنند. پس تلاش و پایداری کنید.



خلیل پرویزی



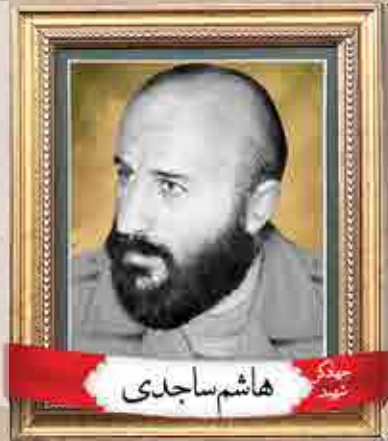
### تلاش برای حراست از انقلاب اسلامی

بعد از شهادت حاج هاشم ساجدی مشکلات زیادی در ستاد نجف پیدا کردیم و چند ماهی به مرخصی نرفتم. به منزل تلفن زدم، همسرم ناراحت بود که بچه‌ها مریض شده‌اند و مشکلات زیاد است.

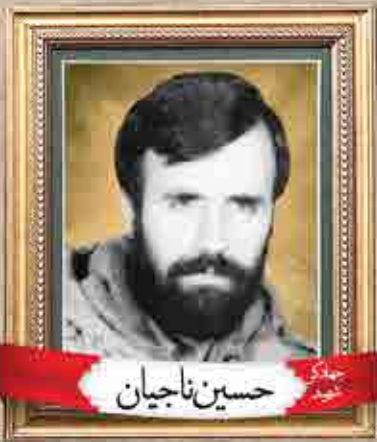
گفتم موقعیت به گونه‌ای نیست که بتوانم به مرخصی بیایم، بعد از دو روز همسرم به قرارگاه نجف زنگ زد و گفت: «می‌خواهم عذرخواهی کنم، دیشب شهید ساجدی را در خواب دیدم که به منزل ما آمد. برای شان میوه آوردم و شکایت کردم که بچه‌ها مریض‌اند و آقای نبی‌زاده رسیدگی نمی‌کنند.

شهید ساجدی گفت: «صبر کنید، جنگ تمام می‌شود، رزمنده‌ها زود بر می‌گردند. همه ما باید تلاش کنیم برای حراست از انقلاب اسلامی.»

که من یقین پیدا کردم که روح شهدا ناظر بر اعمال همه ماست.



هاشم ساجدی



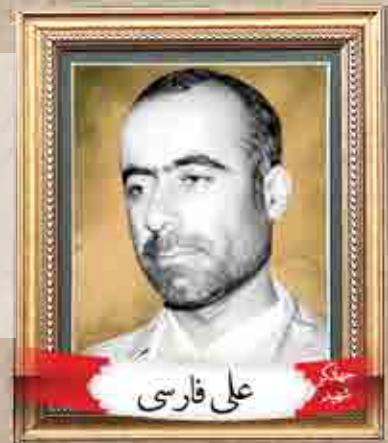
حسین ناجیان

### متشرع و منضبط

سرمای خوزستان بسیار سرمای استخوان‌سوزی بود. من در رامهرمز بیمار شدم و اورکت هم در انبار اهواز پر بود. به حسین ناجیان گفتم یکی از این اورکت‌ها را به من بدهید، بلکه سرما خوردگیم بهتر شود. او گفت: «اینها فقط متعلق به کسانی است که دارند در خط مقدم می‌جنگند. من باید بروم و به آقای جزایری بگویم، اگر ایشان اجازه داد، اورکت را به تو می‌دهیم.» بالاخره یکی از بچه‌ها اورکتش را به من داد تا خودم را گرم کنم. حسین به شدت متشرع و منضبط بود.

### خون سردی در وسط میدان جنگ

در آن شلوغی و هیاهوی عملیات، خیلی‌ها به اصطلاح گیج بودند که چه کار کنند؛ اما آقای فارسی خیلی خونسرد می‌آمد وسط میدان و نبض کار را در دست می‌گرفت و به افکار و کارها سر و سامان می‌داد نفس حضور شهید فارسی به آدم‌های دور و برش آرامش و اطمینان می‌داد. حفظ خونسردی، حسن خلق، خوش رویی، خوش رفتاری با زیردستان، مدیریت و مهربانی از او مردی ساخته بود که همه دوستش داشتند.

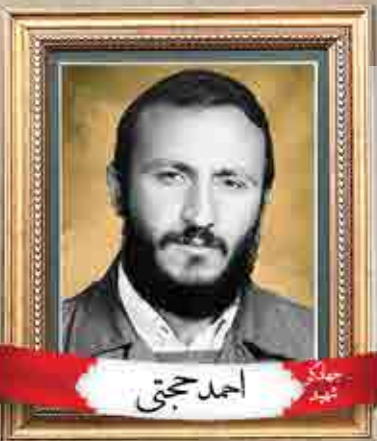


علی فارسی

### ۴۰ روز مقاومت

احمد از اولین کسانی بود که جهادسازندگی نجف آباد را در جنگ شرکت داد و جهاد اصفهان در آبادان را با برادران حزب الله تشکیل داد و فعالانه مجاهدان خستگی ناپذیر را که بسیارشان به خیل شهیدان پیوسته‌اند وارد جنگ کرد.

شاید کمتر کسی بداند که احمد حجتی با گروهی از یاران با وفایش همراه با برادران غیور خرمشهری با اسلحه سبک به مدت ۴۰ روز در مقابل پیشروی دشمن بعثی مقاومت کردند و از اشغال بیشتر میهن اسلامی جلوگیری نمودند.



احمد حجتی

دلاوران قبيله نور در نبرد با ظلمت به دشت روشنایی هجرت نمودند، اسماعیل وار به قربانگاه  
آزمایش شتافتند و آگاهانه جان سپردند. سوختند تا با کفر نسازند، رفتند تا ایمان نرود،  
و مرگ سرخ را برگزیدند تا چراغ توحید نمیرد؛

## یاد و خاطره شهدای شهریور ماه وزارت جهاد کشاورزی گرامی باد

نام	نام خانوادگی	استان
سید محمد	میرکمالی	البرز - سیستان و بلوچستان
احمد	دندانفر	ایلام
چراغعلی	ظهربان	ایلام
صفر	غریب	ایلام
داود	بیرامی	آذربایجان شرقی
جواد	توکل آقایی	آذربایجان شرقی
حمید	شیری بناب	آذربایجان شرقی
محرملی	نوروزی	آذربایجان شرقی
علی	هیزم شکن قوی بازو	آذربایجان شرقی
علی	ابن عباس	آذربایجان غربی
ابوبکر	امینی	آذربایجان غربی
محمد	پیرباز	آذربایجان غربی
علی	سعیدی	آذربایجان غربی
علیرضا	عابدی دوزاوغلی	آذربایجان غربی
یحیی	قربان پور	آذربایجان غربی
شهریار	ملک کندی	آذربایجان غربی
صابر	موسی زاده	آذربایجان غربی
حسین	مقاتلی	بوشهر
حمیدرضا	چهاردلی	تهران
مرتضی	دلخوش	تهران
مهدی	سید احمدیان	تهران
محمود	قربانگلو	تهران
داود	کریمی	تهران

نام	نام خانوادگی	استان
کریم الله	اصولی	اردبیل
البرز	افشاری	اردبیل
علیرضا	اخوان حریری	اصفهان
احمدقلی	اکبری	اصفهان
غلامرضا	اکوان	اصفهان
عبدالحسین	باستانی نجف آبادی	اصفهان
محمدهادی	بیات صدیق	اصفهان
مهدی	حاج علی عسکری	اصفهان
عباس	حلوایی حسنارودی	اصفهان
امر الله	زاغیان	اصفهان
میرزاقلی	سورانی حیدری	اصفهان
علینقی	شاطری	اصفهان
شهرام	طاهری مقصودیگی	اصفهان
عباسعلی	علیخاصی حبیب آبادی	اصفهان
عبدالحسین	کاظمی نجف آبادی	اصفهان
علیمحمد	کمالی خوراسگانی	اصفهان
ابراهیم	لک های ریزی	اصفهان
عبدالعلی	محمدبیگی دهقی	اصفهان
عباس	مظاهری مزرعه شوری	اصفهان
نعمت الله	خدادادی خمسلویی	اصفهان - گلستان
حمید	حسنی	البرز
محمد	حمیدی	البرز
حمید	رضایی	البرز



نام	نام خانوادگی	استان
حمزه	عزیزی	خراسان رضوی
غلامعلی	فیروزی	خراسان رضوی
علیرضا	لطفی نیا	خراسان رضوی
مرتضی	محمدقلی زاده طبسی	خراسان رضوی
محمدعلی	میرزایی	خراسان رضوی
محمدتقی	ابراهیمی	خراسان شمالی
اصلان	امیری	خوزستان
کرم	خدارحمی	خوزستان
محمدحسین	مقیمی زاده	خوزستان
عبدالرضا	پهلوانی	خوزستان - هرمزگان
تقی	اسحاقی	ستاد مرکزی
محسن	اسلامی	ستاد مرکزی
محمدتقی	امینیان	ستاد مرکزی
محمدعلی	بارگاهی	ستاد مرکزی
ناصر	ترکان	ستاد مرکزی
حمید	تواضعی	ستاد مرکزی
سید محمد	رجایی لنگرودی	ستاد مرکزی
حمید	سائمی	ستاد مرکزی
محمدحسن	ناصریخت	ستاد مرکزی
محرملی	نجف زاده مقدم	ستاد مرکزی
محمدحسین	نظریان	ستاد مرکزی
سعید	پورجعفری جوزم	ستاد مرکزی - تهران
داود	ملک محمدی	ستاد مرکزی - کرمان
علیمحمد	سلطان حسینی	سمنان
یحیی	شفیعی	سمنان
حسینعلی	قوسی	سمنان
گلعلی	گلعلی	سمنان
علی	محمدی	سمنان
احمد	مصحفی	سمنان

نام	نام خانوادگی	استان
حسن	مداحی	تهران
پرویز	حاج محمدی	تهران - زنجان
محمد	ذوالفقاری	تهران - سیستان و بلوچستان
محمدحسین	حاتمی	تهران - فارس
حمیدرضا	توکللی	جیرفت و کهنوج
علیرضا	دیوان پور	جیرفت و کهنوج
علی	زارع مهرانی	جیرفت و کهنوج
فریدون	اورنگ دهکردی	چهارمحال و بختیاری
کیومرث	توکللی زانیانی	چهارمحال و بختیاری
نگهدار	حیدری بنی	چهارمحال و بختیاری
حاجتعلی	رفیعی وردنجانی	چهارمحال و بختیاری
سید حسن	موسویان قهفرخی	چهارمحال و بختیاری
مرتضی	نجفی چالشتی	چهارمحال و بختیاری
سیاوش	رادمنش	چهارمحال و بختیاری - اصفهان
محمدعلی	مختارنیا	خراسان جنوبی
حسین	نجفی	خراسان جنوبی
رضانعلی	احمد نژاد	خراسان رضوی
محمد	بلقان آبادی	خراسان رضوی
محمود	توانای مندی	خراسان رضوی
سلیمان	حسین زاده ویرانی	خراسان رضوی
محمد	خراسی	خراسان رضوی
محمد	دادی	خراسان رضوی
محمدعلی	دبوری	خراسان رضوی
حمید	رمضان زاده	خراسان رضوی
محمدحسین	زینت بخش	خراسان رضوی
غلام محمد	شفایی	خراسان رضوی
محمد	صحرانورد سیوکی	خراسان رضوی
حسن	طاهری	خراسان رضوی
محمد	طرحچی طوسی	خراسان رضوی

نام	نام خانوادگی	استان
رحمان	راک	گیلان
محمد	سلیمی اسطخ کوهی	گیلان
حسن	عسکری چافوچایی	گیلان
ابراهیم	محمدی اصل	گیلان
کیومرث	اسکینی	لرستان
محمد	کمرزین	لرستان
احمدعلی	ابراهیمی	مازندران
هادی	اصغری تیلکی	مازندران
مصطفی	انگورج تقوی	مازندران
احمد	طاهری	مازندران
عبدالرضا	ماهور	مازندران
محسن	محسنی	مازندران
جواد	نریمانی کناری	مازندران
عباس	کارگر	مرکزی
علیرضا	یزدانی فرد	مرکزی
ابراهیم	رهبری سکل	هرمزگان
حاجی	کریمی	هرمزگان
منصور	آتش فراز	هرمزگان - یزد
یوسفعلی	تاجوک	همدان
معصومعلی	زهدی علی پور	همدان
محمود	کورکی	همدان
رضا	لطفیان	همدان
رجبعلی	محمدی	همدان
محمدحسین	سجادیان	یزد
محمدرضا	سلیمی پور	یزد

نام	نام خانوادگی	استان
عظیم	بلوچی	سیستان و بلوچستان
محمد	حوضداری	سیستان و بلوچستان
سید محمدباقر	بلاغی	فارس
ناصر	بهمنی فتح آبادی	فارس
حسن	جوکار	فارس
سید حمید	عباسپور قلاتی	فارس
ابوالقاسم	کریمی	فارس
سید جواد	محمدی	فارس
لطفعلی	مرادی	فارس - کرمان
حمزه	اکبری	قم
رحیم	ایمانی	قم
حسن	هدایتی	قم - مرکزی
کریم	ابراهیمی	کردستان
مهدی	بسطلمی	کردستان
محمدرسول	قادری	کردستان
صالح	کریم پور	کردستان
یحیی	شمس الدینی نژاد	کرمان
عبدالتبی	شیخ حسینی لری	کرمان
اسکندر	بساطی	کرمانشاه
یدالله	چشم سیاه	کرمانشاه
حسین	سیف علی	کرمانشاه
خلیل	عبداللهی	کرمانشاه
مراد	مرادخانی	کرمانشاه
ابوالقاسم	امیری	گلستان
حسن	بارانی	گلستان
علی	بربند	گلستان
محمدطاهر	کاویانی	گلستان
رهبر	ابراهیمی سیاه تن	گیلان
شیخ مرتضی	خدادادی	گیلان



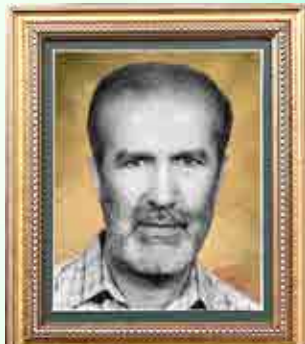
## گذری کوتاه بر زندگی و زمانه

## شهدای شاخص جهادگر در شهریورماه

همان سال‌ها با جهاد سازندگی استان فارس آشنا شد و از سوی جهاد سازندگی فارس بارها به منطقه جنگ اعزام شد. در عملیات مختلف از جمله: فتح المبین، والفجر ۸، کربلای ۴ و ۵ و سایر عملیات در جبهه‌های جنوب و گاهی در غرب حضور داشت و به عنوان فرمانده قرارگاه تاکتیکی جهادسازندگی در شلمچه حضور داشت. با پایان جنگ فعالیت او در جهاد سازندگی فارس و تهران ادامه یافت. در دوران بازسازی ۸ سال دیگر در خوزستان ماند و پس از آن فعالیت خود را در مؤسسه جهاد نصر ادامه داد. سرانجام ۱۷ شهریور ۱۳۷۹ به کاروان شهیدان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس پیوست.

## جهادگر شهید حاج محمدعلی بارگاهی

در اولین ماه زمستان ۱۳۱۶ در شهر ری متولد شد. هم‌زمان با تحصیل، در کارخانه چیت‌سازی تهران و در کارخانجات ریسندگی و بافندگی الیاف تهران مشغول به کار شد. بعد از گرفتن دیپلم، در انستیتوی علوم آزمایشگاهی نساجی دوره‌های آموزشی و تخصصی را گذراند و



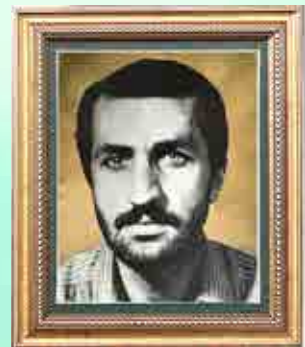
مسئول آزمایشگاه شرکت سهامی الیاف تهران شد. در سال ۱۳۵۰ زندگی مشترک خود را آغاز کرد.

محمدعلی با انجمن‌های اسلامی کارگری در حرکات انقلابی حضور پیدا کرد. و با تشکیل جهاد سازندگی در کمیته فرهنگی و سپس در دفتر هماهنگی امور استان‌ها مشغول به خدمت شد. پس از مدتی مسئول روابط عمومی و مسئولیت واحد خبر دفتر مرکزی جهاد سازندگی را به عهده گرفت و در شهریور ماه ۱۳۵۸ به همراه خانواده به روستاهای محروم استان هرمزگان و کرمان رفت. اولین بار در سال ۱۳۵۹ عازم جبهه شد، و در ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران در جبهه‌های غرب و جنوب حضوری موثر و فعال داشت. در عملیات‌های فتح‌المبین، ثامن‌الائمه، والفجر ۲، ۴ و ۸، عملیات رمضان، بدر، خیبر، کربلای ۴ و ۵، بیت المقدس ۵، نصر، و مرصاد حضور داشت و مسئولیت‌های مختلفی در جبهه داشت که ره‌آورد حضورش در جبهه، مجروحیت شیمیایی بود. با وجود مجروحیت، فعالیت‌های خود را بعد از جنگ از سر گرفت که مهمترین آنها تشکیل واحدی به نام (انصارالمجاهدین) بود.

در اواخر مرداد ماه سال ۱۳۷۲ با اوج گرفتن بیماری و تشدید علائم شیمیایی ناشی از جنگ تحمیلی وی را مجدداً در بیمارستان ساسان تهران بستری کردند. سرانجام در بعد از ظهر روز سیزدهم شهریور ماه سال ۱۳۷۲ با سرافرازی به شهادت رسید.

سردار جهادگر مهندس شهید محمد طرحی طوسی  
بنیانگذار و مؤسس و فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ  
جهاد سازندگی

یکی از چهره‌های درخشانی که به فیض سعادت «بل احیا عندربهم برزقون» نائل گشته شهید بزرگوار مهندس محمد طرحی طوسی است، که از جمله بنیانگذاران و مؤسسين جهاد سازندگی و پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد است.

زیرکی در فعالیت‌های  
انقلابی

جهادگر شهید «حسین ناجیان» هم سنگر شهید طرحی درباره فعالیت‌های سیاسی-مذهبی وی گفته است: «زمان تحصیل در دانشگاه نیز خیل‌ها فکر می‌کردند محمد، بچه سر به زیر و ساده‌ای است و کاری به سیاست ندارد، اما محمد چنان زیرکانه کار می‌کرد، که حتی ساواک که در آن موقع در دانشگاه بسیار فعال بود، نتوانسته بود کوچک‌ترین رد پایی از محمد به دست آورد.»

## یک سال حضور بدون مرخصی در جبهه

شهید طرحی خیلی کم به مرخصی می‌رفت؛ یک بار، نزدیک به ده ماه از حضورش در منطقه می‌گذشت؛ وقتی دوستانش به وی اصرار کردند به مرخصی برود، در پاسخ گفت: من، در شرایط فعلی به مرخصی اعتقاد ندارم. در شرایطی که ناموس‌مان در گرو حضورمان در جبهه‌ها است با وضعیتی که هر روز دشمن منطقه‌ای از خاک‌مان را می‌گیرد و مستقر می‌شود هرچه در منطقه داریم به تاراج می‌برد. مردم منطقه را قتل عام می‌کند، من هیچ لزومی نمی‌بینم به مرخصی بروم.

## سردار جهادگر شهید سعید پورجعفری

روز ۱۸ بهمن ۱۳۴۲ و ایام ماه مبارک رمضان، اولین فرزند خانواده به دنیا آمد. اسمش را سعید گذاشتند. دوران نوجوانی خود را حضور در فعالیت‌های انقلابی گذراند. جنگ که شروع شد، خود را به گروه جنگ‌های نامنظم که از سوی شهید دکتر چمران فرماندهی می‌شد، رساند. در



### جهادگر شهید ناصر ترکان



در اولین خرداد ۱۳۳۶، زندگی ناصر ترکان آغاز شد. زندگی که در آن ایمان، دیانت، تقوا، اخلاص و پاکدامنی به وضوح دیده می‌شد. او عاشقانه به تحصیل علم پرداخت و توانست مقاطع مختلف را با موفقیت پشت سر بگذارد و در رشته برق موفق به اخذ دیپلم از هنرستان برق تهران شد. به دلیل سابقه سیاسی و تجربه زندان از

ادامه تحصیل در دانشگاه محروم شد که این فراغت از تحصیل اول مصادف بود با اوج گیری حرکت رهایی بخش ملت ایران در سال ۵۶. در کنار جوانان وارد عرصه شد و تلاشی فراگیر را آغاز کرد، طعم تلخ زندان و شکنجه‌های غیر انسانی ساواک را چشیده بود، بالاخره تلاش‌های ناصرها به ثمر نشست انقلاب پیروز شد. در فرمان تشکیل جهاد سازندگی، جزو اولین لیبیک گویان بود، پس از مدتی تلاش در ستاد مرکزی جهاد سازندگی راهی کردستان شد. ناصر مدتی در سنندج به خدمت پرداخت. در مسیر بوکان - مهاباد همراه سه تن از همزمانش به اسارت عناصر ضد انقلاب درآمد و راهی زندان شد و بی‌سابقه‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرد؛ او را در روز دوازدهم شهریور ماه سال ۱۳۵۸ ناجوانمرده فقط به جرم خدمت به مردم و رفع محرومیت از کردستان تیربازان کردند؛ به خیال‌شان ناصر را کشتند اما نام او برای همیشه در اندیشه مردم کردستان جاودانه ماند و در امتداد تاریخ در گوش مردان و زنان این دیار برای همیشه طنین انداز خواهد بود.

### جهادگر شهید حمیدرضا تواضعی



در آخرین روزهای دی‌ماه ۱۳۳۸ حمیدرضا تواضعی در شهر تهران چشم به جهان گشود. به دلیل استعداد و هوش بالا در دوران تحصیل از شاگردان ممتاز بود و در سنین کودکی با قرآن و نماز آشنا شد. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان خوارزمی آغاز کرد و در کنار درس به مطالعه کتب مذهبی و سیاسی پرداخت. سال‌های آخر

دبیرستان در سال ۱۳۵۵ در آمریکا گذراند و بعد با انتخاب رشته «عمران و ساختمان» شروع به تحصیل کرد. در آمریکا هم حمیدرضا روحیات مذهبی خود را حفظ کرده بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۳۵۸ تحصیلات خود را در آمریکا نیمه کاره رها کرد و به قصد خدمت به کشور و همراهی با مردم به ایران بازگشت. در ایران مدتی رشته ارتباطات را در مدرسه‌ی عالی ارتباطات خواند و مدرک فوق دیپلم را در این رشته گرفت. بعد از آن حمیدرضا در روزنامه «جمهوری اسلامی» مشغول به کار شد و به حرفه‌ی خبرنگاری روی آورد. او به فعالیت‌های تبلیغی و ارشادی ادامه داد از دیگر ابعاد شخصیت ایشان بُعد معنوی وی بود.

با فرمان تاریخی امام(ره) و تاسیس جهادسازندگی، حمیدرضا به جهاد

سازندگی پیوست و به فعالیت شبانه روزی در این نهاد مقدس پرداخت. برای فرو نشاندن شورش‌ها و اغتشاشات گروهک‌ها به کردستان اعزام شد. در سوم شهریور ۱۳۵۸ آن گروه عازم سردشت می‌شوند و به محض رسیدن، افراد ضد انقلاب وابسته به گروهک‌های شورشی به خودروی حامل آنها حمله برده و آنها را به اسارت می‌گیرند و در یک دادگاه صحرایی فرمایشی محاکمه و اعدام می‌شوند. یکی از دلایل اعدام حمیدرضا تواضعی همراه داشتن نهج البلاغه و قرآن مجید بوده است. موقع شهادت فقط یک دست خط از حمیدرضا به جامانده است، با این عبارت که: «خدایا، من فرصت نداشتم، همین تیمم را به عنوان غسل شهادت بپذیر».

### سردار شهید حاج حمیدرضا چهاردولی



حمیدرضا چهاردولی در ۲۸ آذر ۱۳۴۵ متولد شد. ایشان از سنگرزبان بی‌سنگر و جهادگران مخلصی بود که جان خود را در طبق اخلاص گذاشت و با تمام وجود در جبهه‌های حق علیه باطل حضور یافت. ایشان فعالیت خود را در دوران دفاع مقدس در گردان مهندسی رزمی آغاز کرد و دچار ضایعه شیمیایی شد. او حتی بعد

از جنگ هم روحیاتش را حفظ کرد. و بعد از سال‌ها تحمل درد و رنج، سرانجام در روز ۲۵ شهریور ۱۳۸۷ به شهادت رسید. قبل از شهادت، به خواب یکی از دوستان نزدیکش رفته و خواسته بود تا به عیادتش برود. آن دوستش قبل از اینکه او را ببیند، شهید شده بود.

### جهادگر شهید محمد تقی امینیان



در بهشتی‌ترین روزهای بهار ۱۳۳۷ محمدتقی به دنیا آمد. هادی صدایش می‌زدند و مانند نامش همیشه به دنبال هدایت بود. در کنار علاقه‌ای که به رشته‌های فنی داشت استعداد خود را در ورزش کشتی با مدال‌هایی منطقه‌ای نمایان کرد. تابستان‌ها برای کمک به پدر در شرکت ماشین سازی سپینتا کار می‌کرد و در سال ۱۳۵۵

در رشته مهندسی اتومکانیک در دانشسرای عالی فنی بابل پذیرفته شد. در فعالیت‌های انقلابی شرکت می‌کرد و از طرف ساواک تهدید شد اما او مجدانه فعالیت‌هایش را پیگیری می‌کرد. با اتمام دانشگاه و معافیت از سربازی با خانم نرجس نیاطبری طی مراسمی ساده ازدواج کرد.

در پی فرمان امام در خصوص تشکیل جهادسازندگی، محمدتقی وارد جهاد شد و دهم شهریورماه ۱۳۵۹ از طرف واحد فرهنگی به منطقه صائین دژ آذربایجان غربی اعزام شد. دو روز از حضور محمد تقی در منطقه صائین دژ می‌گذشت که او در حال انجام مأموریت فرهنگی بود، که مورد هجوم و حمله نیروهای ضد انقلاب و اشار مسلح قرار گرفت و در سن ۲۲ سالگی در کنار زرینرود به درجه رفیع شهادت نایل آمد.



## آخرین تولیدات رسانه‌ای مرکز آرشیو و اسناد دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران

باشناسایی این بارکدها در تلفن همراه خود می‌توانید فیلم‌ها را مشاهده کنید

محرم



هفته دولت



شهید جهادگر  
سید کمال الدین کامروا



جهادگر جانباز  
علیرضا زواره





## آخرین تولیدات رسانه‌ای مرکز آرشیو و اسناد دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران

روز آزادگان



روز شهدای  
جهاد سازندگی



حاج محمد  
حاجی اسماعیلی



گروه سرودهای انقلابی  
عید غدیر

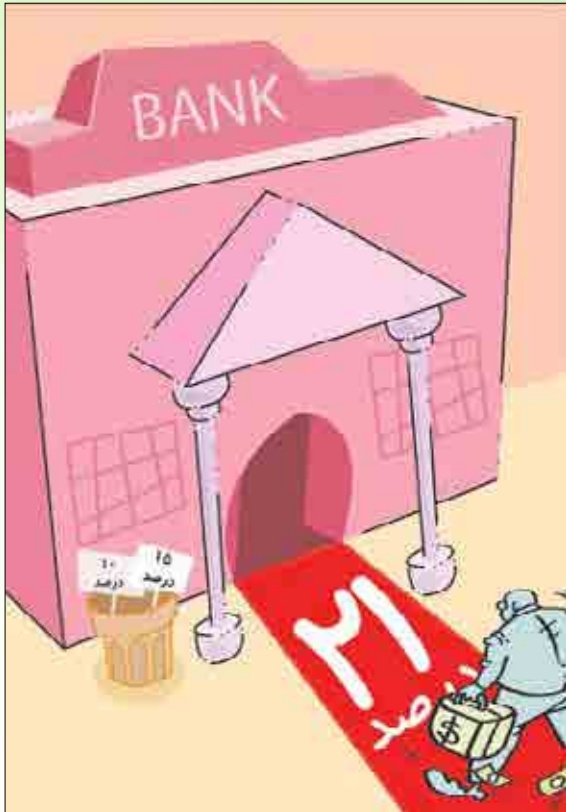




## سلسله مقالات با موضوع تحقیقی مکتبی در باب توسعه و مبانی تمدن غرب

## و ما ادراک ما اَبانک؟

قسمت دوم



بله، کسی منکر محاسن عدیده‌ی بانک نیست؛ تحقیق ما در باب ماهیت بانک است. همه چیز در عالم، حتی شیرترین شرها، دارای وجه خیری است که اگر از آن وجه بنگریم، ممکن است اصلا ماهیت آن را انکار کنیم.

با رجوع به منشا تاریخی بانکداری به روشنی می‌توان دریافت که چه عواملی به ایجاد یک سیستم متمرکز بانکداری در سراسر کره‌ی زمین انجامیده است. ریشه‌ی بانک‌ها و بانکداری را نخست باید در آنجا جست و جو کرد که در «اقتصاد پولی»، پول فقط وسیله‌ی مبادله نیست و همان طور که عرض شد به صورت موضوع مبادله نیز درمی‌آید و عده‌ای سعی می‌کنند با خود پول به عنوان موضوع مبادله تجارت کنند. ریشه‌ی رباخواری را نیز باید در همین جا جست و جو کرد؛ رباخوار تاجری است که موضوع تجارت او پول است.

نگاهی به سیر تشکل بانکداری بیندازیم. مسلما در گذشته‌های دور، وقتی که مسکوکات فی نفسه دارای ارزش استعمالی بودند، حفظ مسکوکات در محلی قابل اعتماد نخستین ضرورتی بوده است که می‌توان آن را مبنای ایجاد بانک دانست، اگر چه این وظیفه در سیستم بانکداری کنونی وظیفه‌ای کاملا فرعی است. بدین ترتیب، معابد که محترم‌ترین و قابل اعتمادترین نهادهای اجتماعی هستند

حال ببینیم که حاکمیت یا دیکتاتوری پول بر جهان از طریق چه نظامی استمرار می‌یابد. به مجرد طرح این سؤال، همه جواب را در می‌یابند: بانک؛ نظام پیوسته‌ی بانکداری جهانی. ده‌ها سال از زمان سیدجمال‌الدین اسدآبادی گذشته و در این دنیایی که دیگر زندگی بدون بانک ممکن نیست، هیچ تنابنده‌ای جرأت ندارد اینکه بگوید: «البانک. ما البانک؟ و ما ادریک ما البانک؟».

تذکر این نکته ضروری است که هر یک از اعصار زندگی بشر بر کره‌ی ارض دارای مقتضیاتی است که شکل‌دهنده‌ی ساختار اجتماعی آن است و این چنین نیست که فی‌المثل ساختار اجتماعی یک عصر را بتوان جدا از مقتضیات آن ارزیابی کرد. اما مسئله اینجاست که ما اگر همواره بخواهیم بشر را متناسب با مقتضیات زمان معنا کنیم، آنگاه «مقتضیات زمان» به جای «شریعت» می‌نشینند و دیگر هیچ انتقادی در هیچ مورد بر انسان‌ها روا نیست و دیگر افراد بشر را نمی‌توان در برابر اعمال خویش مسئول دانست. اگر ما معتقدیم که آفریدگار متعال انسان را مختار آفریده است و بر اعمال او پاداش و عقاب تعلق می‌گیرد، بدین معناست که انسان هرگز نباید تابع مقتضیات زمان باشد. تاکید ما بر نفی تابعیت است، چرا که تابعیت با اختیار انسان و اراده‌ی آزاد او منافات دارد.

پس بدین ترتیب، پر واضح است که بشر را باید متناسب با نیازهای ذاتی و حقیقی‌اش معنا کرد، یعنی از همان آغاز باید نیازهای انسان را به کاذب و حقیقی تقسیم کرد و تنها نیازهای ذاتی او را حقیقی دانست.

برگردیم به اصل مطلب: آیا نیاز بشر به بانک یک نیاز ذاتی است؟ می‌گویند: اگر نیست، پس چرا انسان‌های گذشته پول‌های خود را در معابد، زیر زمین و لای دیوارها و غیره پنهان می‌کرده‌اند؟ قبل از آنکه بدین سؤال جواب دهیم، فرض کنید که آدم‌های امروزی نیز چمدان‌هایی آهنی درست کنند و اسکناس‌های خود را در آن بگذارند و پنهان کنند. این دو عمل اصلا با هم قابل مقایسه نیستند. سکه‌های قدیم بعد از هزارها سال هنوز هم «پول» است، حال آنکه اسکناس‌های زمان پهلوی بعد از هشت سال که از پیروزی انقلاب می‌گذرد دیگر «پول» نیست.

یکی از مهم‌ترین وظایف بانک این است که پول‌های شما را با معیار پشتوانه‌ی طلا و جواهرات معنا می‌کند؛ اگر نه، اسکناس فی نفسه جز مشتی کاغذ، هیچ نیست. اگر اینچنین هم نباشد، نگهداری از پول‌های مردم به مثابه صندوقی مطمئن، یکی از وظایف کاملا فرعی بانک است؛ اصل ضرورت‌هایی را که به ایجاد بانک و بانکداری منجر شده است باید در جای دیگر جست و جو کرد.

... و اما بانکداری یک سیستم متمرکز و واحد جهانی در خدمت حفظ منافع غرب و استمرار و بقای امپریالیسم است. ممکن است اعتراض کنند: «نه آقا! بانک و بانکداری دارای منافع عدیده‌ای است»، و فی‌المثل در ذکر محاسن بانک بگویند: «بانک سرمایه‌های گریزان و پراکنده‌ی مردم را در خدمت یک نظام تولیدی واحد به کار می‌اندازد.»



این وظیفه را بر عهده می‌گیرند. باید توجه داشت که در آن زمان هنوز پول به سمبل مطلق دنیاگرایی تبدیل نشده است. جواهرات، طلا و نقره برای انسان پیش از آنکه ارزشی صرفاً دنیایی پیدا کنند تقدسی معنوی<sup>۱</sup> دارند که بشر امروز از دریافت آن عاجز است.

در ایران باستان معابد نخستین مؤسساتی بودند که پول وام می‌دادند، و در دوران ساسانیان نیز چنین بود... در یونان باستان معابد المپیا<sup>۲</sup>، دلفی<sup>۳</sup>، دلوس<sup>۴</sup>، میل<sup>۵</sup>، افزوس<sup>۶</sup>، کوس<sup>۷</sup> و تمامی معابد سیسیل<sup>۸</sup> کار انبار پول یا بانک را می‌کردند؛ و در دوران هلنی این موقعیت تغییری نکرد.<sup>۹</sup>

... و اما مبانی اصلی بانک به معنای کنونی را باید در توسعه‌ی «بازرگانی دور» جست‌وجو کرد. صرافی یکی از مهم‌ترین وظایف بانک‌های امروزی است و صرافی نیز هنگامی ضرورت می‌یابد که بازرگانی بین‌المللی رواج پیدا کند. صراف نیز همچون رباخوار تاجری است که موضوع تجارتش خود پول است و البته از این جمله نباید معنایی فقهی دریافت کرد. مباحثی که در این کتاب طرح می‌شود، مباحثی فقهی نیست و اگر در جست و جوی عنوان باشیم، «فلسفه‌ی اقتصاد» عنوانی تقریباً متناسب است.

با رواج بازرگانی دور به مثابه یکی از مهم‌ترین مراحل تکوین سرمایه‌داری، بنیان گسترده‌ی بانکداری به معنای امروزی استحکام می‌یابد. بانک‌ها، مؤسسات تجارتي غول‌آسای هستند که موضوع تجارت آنها پول است و بدین‌ترتیب، ماهیت آنها با پول و سرمایه و همه‌ی انواع مبادلاتی که خود پول موضوع آن است متحد است.

کاپیتالیسم یا سرمایه‌داری وجه اقتصادی امپریالیسم است و تشکل بانک‌ها و بانکداری به شیوه‌ی کنونی، به طور کامل برآمده از نظام سرمایه‌داری است. نظام بانکداری مرحله به مرحله به موازات تکوین سرمایه‌داری شکل می‌گیرد و وارد آخرین مراحل حیات خویش می‌شود. رواج بازرگانی دور که سیطره‌ی اقتصادی امپریالیسم را بر سراسر جهان کامل می‌کرد، به ایجاد یک بازار جهانی منجر شد. ضرورت ایجاد و گسترش نظام بانکداری جهانی را به عنوان یک صراف بزرگ باید در همین بازار جهانی جست

و جو کرد.

...کلمه‌ی بانک از لفظ ایتالیائی «بانکو» مشتق می‌گردد، یعنی میزی که صرافان بر آن معاملات خود را انجام می‌دادند. در یونان باستان نیز نام بانکدار، «تاپزیتس» از «تاپزا»، یعنی میز معاوضه می‌آید. در جهان باستانی، صرافان به صورت نخستین بانکداران حرفه‌ای درآمدند.<sup>۱۰</sup>

برای دریافت چگونگی تشکل بانک‌ها و نظام بانکداری به شیوه‌ی امروز لاجرم باید به تحلیل تاریخی امپریالیسم پرداخت و چگونگی پیدایش شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری را در مراحل تکوین تاریخی آن جست و جو کرد. این یکی از مهم‌ترین وظایفی است که در این مجموعه مباحث بر عهده‌ی ماست. پیش از انجام این وظیفه، برای تفسیر و تشریح هر چه بیشتر رابطه‌ای که فی‌مابین نظام سرمایه‌داری و بانک وجود دارد به گفتاری از آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر مراجعه می‌کنیم که در مقاله‌ای تحت عنوان «بانک در جامعه‌ی اسلامی» چاپ شده است:

**اهداف تأسیس بانک در نظام سرمایه‌داری را در امور زیر می‌توان خلاصه کرد:**

**هدف اول:** در به وجود آوردن سرمایه‌ای که با قدرت سرمایه‌داری، مالکیت سرمایه‌دار را فارغ از هرگونه عمل و کوششی گسترش دهد. مالکیت سرمایه‌داری که بدون عمل (کار) گسترش می‌یابد از کجا فراهم آمده؟ این مالکیت از راه جمع‌آوری مبلغ‌های

کوچک فراهم آمده و از آنها سرمایه تشکیل شده است. سرمایه می‌تواند مولد باشد و برای صاحبان پول‌های کوچک سود ثابتی به نام بهره داشته باشد.

**هدف دوم:** در به وجود آوردن مالکیت‌های خصوصی بزرگ تا جایی که صاحبانش بتوانند زندگی اقتصادی را رهبری کرده، برای همه خط مشی معین کنند و به راهی که می‌خواهند بکشانند. زیرا فراهم آوردن مبالغ هنگفت از پول‌های پراکنده، همان‌گونه که از نظر تولیدی نیروی جدیدی برای سرمایه پدید می‌آورد، همان طور برای کسانی که به کار جمع‌آوری پول‌ها دست زده‌اند، یعنی صاحبان بانک‌ها که همه‌ی این مبالغ در صندوق آنها ریخته می‌شود، قدرت بزرگی به دست می‌دهد. این قدرت باعث می‌شود سرمایه‌داری در دست آنها جهش بزرگی به خود داده، مالکیت‌های خصوصی بزرگی تشکیل شود.

**هدف سوم:** در مسلط کردن نظام سرمایه‌داری حریص به وسایلی که بتواند با هرگونه خطری که از ناحیه‌ی سودهای درخواستی‌اش به عنوان بهره‌ی وام‌ها مواجه است، خود را حفظ کند. زیرا بانک وقتی سپرده‌ها را از صاحبانش دریافت کرد و بهره‌ای برای آنها در حدی که صاحبان اموال را به سپردن مالشان قانع کرده باشد قرار داد، بلافاصله خود بانک مبالغ جمع شده را با بهره‌ای بیشتر وام





می‌دهد و بدین ترتیب برای سرمایه‌داری سودی ثابت، دور از کار و فارغ از هرگونه خطری تأمین می‌شود.

**هدف چهارم:** در رساندن نیروی لازم کمکی به تأسیسات تولیدی سرمایه‌داری؛ یعنی رساندن مال ضروری برای گسترش نیروی استثمار و کشاندن قدرت سرمایه‌داری به اوج خود است. زیرا صاحبان تأسیسات سرمایه‌داری با دایر کردن بانک پشت‌گرمی محکمی به‌دست می‌آورند، سرچشمه‌ی جوشانی که تمام نمی‌شود، و از راه وام‌هایی که به آنها امداد می‌رساند، دائماً می‌توانند سود سرمایه‌داری خود را گسترش داده و روابط سرمایه‌داری را ریشه‌دارتر کنند و در زندگی اقتصادی مردم بیشتر فرو روند.

در نظام سرمایه‌داری، بانک‌ها مؤسسات رباخواری غول‌آسایی هستند که نظام صنعتی و شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری تماماً بر آنها مبتنی است و ماهیتاً نیز نمی‌توان این دو - سیستم بانکداری و توسعه‌ی صنعتی - را از یکدیگر جدا کرد. در جهان غرب بانک‌ها در حقیقت مراکزی هستند که سرمایه‌ی همه‌ی مردم را در خدمت ایجاد مالکیت‌های خصوصی غول‌آسا و توسعه‌ی سرمایه‌داری و بسط سیطره‌ی امپریالیسم به‌کار می‌گیرند.<sup>۱۱</sup> از سرمایه‌های کوچک همه‌ی مردم که در یک‌جا جمع می‌شود، سرمایه‌ی آنچنان عظیم فراهم می‌شود که برای ما هرگز امکان دریافت وسعت آن ممکن نیست.

این سرمایه‌ی عظیم در کجا به کار می‌افتد و در خدمت منافع چه کسانی قرار می‌گیرد؟ جواب روشن است: مؤسسه‌ی بانک‌ها، سرمایه‌دارهایی که از یک‌سو نظام کاپیتالیستی اقتصاد امروز را شکل داده‌اند و از سوی دیگر، با استفاده از قدرت عظیمی که در قلمرو دیکتاتوری اقتصاد فراهم آمده است، سیطره‌ی سیاسی امپریالیسم را بر سراسر جهان حفظ می‌کنند. برای تکمیل این بحث بهتر است به گفتاری از لنین درباره‌ی بانک‌ها نیز مراجعه کنیم، و البته، همان طور که بارها عرض کرده‌ایم، این مراجعات نه به عنوان احتجاج بلکه صرفاً به قصد «استماع قول» انجام می‌شود. لنین در فصل سوم کتاب «امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله‌ی سرمایه‌داری» درباره‌ی بانک‌ها می‌گوید: همان گونه که نظام بانکی گسترش می‌یابد و در تعداد اندکی از مؤسسه‌ها متمرکز می‌شود، بانک‌ها دگرگون می‌شوند و به جای اینکه یک واسطه‌ی

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. اگر جواهرات و طلا و نقره برای انسان گذشته‌های دور مقدس است بدین دلیل است که او دنیای خاک را نازله‌ی حقایق ملکوتی و مجرد می‌داند. همه‌ی آنچه در جهان وجود دارد صورت زیرین حقایقی است که در عوالم ملکوتی و اخروی موجود است. اگر در روایاتی که از ائمه‌ی معصومین(ع) به ما رسیده است نیز دقت کنیم به تعبیر بسیاری ناظر به همین معنا بر می‌خوریم؛ شهرهای بهشتی از لؤلؤ و مرجان، قصرهایی از یاقوت، خانه‌هایی از زبرجد، غرفه‌ها و دکاکین از طلا و نقره... اگر انسان تنها با ظاهر این احادیث روبرو شود سخت به تعجب می‌افتد که طلا و نقره و یاقوت و زبرجد در بهشت به چه درد می‌خورد، حال آنکه اصلاً مقصود احادیث به «حقایق ملکوتی جواهرات» بازمی‌گردد نه به «صورت‌های دنیایی» آنها. عالم، تجلی اسما و صفات آفریدگار متعال است و بدین ترتیب، منشأ و مبدأ هر آنچه که در آن وجود دارد به حقیقتی متعالی باز می‌گردد.

#### Olympia

۲. Delphi، معبدی در دامنه‌ی کوه پارتاس در یونان که در دوران باستان کاهنی که سروش آپولو بود مقیم آن بود.

۳. elos، جزیره‌ای در جنوب شرقی یونان.

۴. Mileus، شهری باستانی در ساحل غربی آسیای صغیر.

۵. Ephesus، معبدی در آسیای صغیر.

۶. Kos، جزیره‌ای در جنوب شرقی یونان.

۷. Sicily، جزیره‌ای در دریای مدیترانه، در جنوب ایتالیا.

۸. علم اقتصاد، ص ۲۳۱.

۹. علم اقتصاد، ص ۲۳۳.

۱۰. بگذریم از اینکه ما توانسته‌ایم با حذف ربا از بانکداری، موقتاً آن را در خدمت اهداف الهی جمهوری اسلامی به‌کار بگیریم.

۱۱. لنین، امپریالیسم به مثابه‌ی بالاترین مرحله‌ی سرمایه‌داری، فصل ۲. آنتاسفانه متن اصلی جهت مقابله یافت نشد.

کوچک باشند به انحصارهای بزرگی تبدیل می‌شوند که تقریباً همه‌ی سرمایه‌ی پولی همه‌ی سرمایه‌داران و سوداگران کوچک، و همچنین بخش بزرگی از وسایل تولید و منابع مواد خام کشور مربوط و تعدادی از کشورهای دیگر را در اختیار دارند... پیوندهای نزدیکی که بین بانک‌ها و صنایع وجود دارد در واقع همان چیزی است که به طور برجسته‌ی نقش تازه‌ی بانک‌ها را آشکار می‌سازد. عملیات بانکی به وضعی منجر می‌شود که در آن سرمایه‌دار صنعتی کاملاً به بانک‌ها وابسته می‌شود. به موازات این فرایند یک اتحاد شخصی نزدیک بین بانک‌ها و بزرگ‌ترین مؤسسه‌های صنعتی و بازرگانی به وجود می‌آید، یعنی از راه به‌دست آوردن سهام یکی می‌شوند... نتیجه دوگانه است: از یک سو یکی شدن یا بدانگونه که بوخارین به‌درستی می‌نامد «آمیختن سرمایه‌ی بانکی و صنعتی» و از سوی دیگر تبدیل بانک‌ها به نهادهایی که واقعا دارای یک خصلت جهانی‌اند...

آغاز قرن بیستم بیانگر نقطه‌ی تحولی است که در آن سرمایه‌داری کهن جای خود را به سرمایه‌داری نوین می‌دهد و سیادت سرمایه‌داری به‌طور کلی به سیادت سرمایه‌ی مالی تبدیل می‌شود.<sup>۱۲</sup>

در اینجا جای یک پرسش بسیار لازم وجود دارد: نقطه‌ی وابستگی مردم و نظام‌های سیاسی دنیا به این سیستم جهانی بانکداری که در خدمت سیطره‌ی سیاسی امپریالیسم عمل می‌کند، در کجاست؟

# معرفی کتاب



**بالین نور (خاطرات پزشکان، پرستاران و امدادگران در جنگ تحمیلی)**

**مؤلف:** سیدامیر معصومی **ناشر:** هفت

وقایع و حوادث تلخ روزهای جنگ این بار از زبان حامیان مجروحین نگاشته شده است. مولف در این اثر با نگارش دوازده خاطره بیاد ماندنی، از خاطرات این ایثارگران، معنای حقیقی ایثار را آشکار می‌سازد و عشق را تمام عیار به تصویر می‌کشد. در این مجموعه امدادگر بیمارستان ولی عصر پادگان ابودر، پرستاران بیمارستان شرکت نفت آبادان، مسؤول بهداری تیپ نجف اشرف، جراح بیمارستان شهداء تهران، همسر جانباز، امدادگر سپاه پاسداران در منطقه سر پل ذهاب، پرستار و امدادگر بیمارستان شهید کلانتری اندیمشک، سرپرستار بیمارستان طالقانی کرمانشاه افرادی هستند که با بیان مشاهدات خود، می‌گویند که دین ما چگونه حفظ شد و آیین ما چه سان رنگ خون گرفت. هنگامی که عشق اینگونه رخ می‌نماید، رذالت‌ها و پستی‌ها بطور تمام عیار ظاهر می‌شوند و حقایق خودنمایی می‌کنند.



**آقای دکتر (روایت حاج یوسف کشفی آزاد؛ اولین فرمانده بهداری لشکر ۱۴ امام حسین (ع))**

**مؤلف:** مرتضی مساح **ناشر:** ستارگان درخشان وابسته به مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج سپاه صاحب‌الزمان استان اصفهان

این کتاب از زبان اولین فرمانده بهداری لشکر امام حسین (ع)، حاج یوسف کشفی آزاد نقل شده است و به داستان‌های واقعی بسیار زیبا از زندگی ایشان و خاطرات جذاب از دوران پر مخاطره‌ی جنگ تحمیلی ایران و حوادث جالب و خواندنی که برای راوی و شهدای رزمی و بهداری لشکر امام حسین (ع) پیش آمده و همچنین نقش بهداری در طول عملیات‌های پر فراز و نشیب این هشت سال پرداخته است. راوی با رجوع به حافظه‌ی غنی خود توانسته آن برهه‌ی زمانی را به شیوه‌ای گویا و مخاطب پسند برای خواننده مجسم نماید. ضمناً طرح روی جلد بصورت نقش برجسته طراحی شده است. این کتاب حاصل بیش از ۴۳ ساعت مصاحبه با حاج یوسف کشفی آزاد و بیش از دو سال تلاش بوده است که توسط آقای دکتر مرتضی مساح تهیه و تدوین گردیده است.



**بهشت کوچک ما (زندگی نامه شهید دکتر حمید قاضی میرسعید از زبان همسر)**

**مؤلف:** داود بختیاری دانشور، فهیمه روح‌اللهی (ویراستار) **ناشر:** بروج

این کتاب شرح زندگی و خاطرات شهید دکتر عبدالحمید قاضی میرسعید است که به نقل از همسر وی روایت شده است. در کتاب آمده است: سید عبدالحمید قاضی میرسعید در مرداد ماه ۱۳۳۹ هـ ش در شهرستان طالقان متولد شد و در محیطی آمیخته با فرهنگ و تعالیم اسلامی تربیت یافت پس از اتمام موفقیت‌آمیز دروس ابتدایی و دبیرستان در سال ۱۳۵۷ هـ ش در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه پزشکی اصفهان پذیرفته شد. در مبارزات انقلاب اسلامی حضوری فعال داشت و به منظور امتداد این حضور پس از انقلاب وارد جهاد سازندگی شد و در اکیپ‌های اعزامی به مناطق محروم مسئولیت امور فرهنگی و درمانی را برعهده گرفت.



## ۵۲۸ (بازروایی خاطرات بمباران شیمیایی بیمارستان صحرایی)

مؤلف: امیرمحمدعباس نژاد ناشر: سوره سبز



کتاب ۵۲۸؛ بازروایی خاطرات بمباران شیمیایی بیمارستان صحرایی را امیرمحمدعباس نژاد در ۱۹ بخش نوشته است که بخشی از آن به تاریخچه اختلافات مرزی ایران و عراق، سومار در دفاع مقدس، منطقه حساس سومار، شرح کلان جنگ موقعیت منطقه از نظر نظامی، مرز از نظر عملیات نظامی، اهمیت نظامی سومار، عملیات‌های پدافندی و آفندی در منطقه سومار در دوران دفاع مقدس، تاریخچه بیمارستان‌های صحرایی در دوران دفاع مقدس، فهرست بیمارستان‌های ایجاد شده در مناطق عملیاتی و بیمارستان صحرایی ۵۲۸ سومار پرداخته است.

## اتاق عمل (ناگفته‌هایی از زندگی شهید دکتر مصطفی رستم‌پور)

مؤلف: حمید گله داری ناشر: سوره سبز



کتاب ناگفته‌های اتاق عمل به نویسندگی حمید گله‌داری در مورد زندگی شهید دکتر مصطفی رستم‌پور می‌باشد. این کتاب به صورت زمینه داستان‌وار نگاشته شده و براساس واقعیت زندگی یکی از شهیدان حوزه بهداشت و درمان را به تصویر کشیده است. کتاب «اتاق عمل» نوشته حمید گله‌داری به سرگذشت شهید سرهنگ دوم دکتر مصطفی رستم‌پور می‌پردازد. در ابتدای این کتاب، وی متولد بیست و پنجم مرداد ۱۳۳۳ در شهرستان بیجار با تحصیلات پزشکی (متخصص جراحی عمومی) و دارای یک پسر به نام «کوشا» معرفی شده است. دکتر مصطفی رستم‌پور که پنجم دی ۱۳۶۵ به جبهه اعزام شد، دهم دی ۱۳۶۵ در حال مداوای یکی از مجروحان در بیمارستان صحرایی ۵۲۸ سومار بر اثر بمباران شیمیایی به شدت مصدوم شد و سی و پنج روز بعد در بخش ICU بیمارستان «سن آنتوان» پاریس (پانزدهم بهمن ۱۳۶۵) به دلیل تنفس گاز خردل به شهادت رسید و در شهرستان بیجار به خاک سپرده شد.

## مهاجر آسمان (یادنامه شهید دکتر حبیب جریری)

مؤلف: علی قاسمی ناشر: یادآوران (وابسته به شرکت بین المللی پژوهش و نشر یادآوران)



کتاب حاضر، حاوی متن گزارشی یادنامه زنده‌یاد دکتر «حبیب جریری» است که در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به اسارت نیروهای عراقی در آمده است و تاکنون از ایشان خبری نیست. در این یادنامه متن مصاحبه با «زهرا قبادی»، همسر دکتر جریری؛ «فریدون» و «فیروزه»، فرزندان ایشان و همچنین متن مصاحبه با برخی دوستان شهید درباره فعالیت‌های فرهنگی و مبارزاتی ایشان قبل از انقلاب اسلامی و نحوه اسارت ایشان در جنگ تحمیلی آورده شده است. همچنین پیام «سیدمحمد خاتمی» (رئیس‌جمهور سابق ایران) در بزرگداشت دکتر جریری ضمیمه کتاب است. شایان ذکر است این کتاب با تصاویری از یادنامه دکتر جریری و همچنین عکس‌هایی از دوران زندگی ایشان و اسناد مربوطه مستند شده است.

## روایتی از تاریخ پزشکی دفاع مقدس - جلد اول و جلد دوم

مؤلف: دکتر سیدعباس فروتن ناشر: سوره مهر



کتاب نگاهی روایتی برای مخاطب گروه پزشکی از وقایع دفاع مقدس دارد. ضمن این روایت نقل قول‌های زیادی آورده شده و نیز به مباحث بسیار تخصصی مربوط به مسمومیت‌های شیمیایی اشاره شده است. سیدعباس فروتن، این کتاب را بر اساس مشاهدات عینی خودش از مجروحان جنگی، جانبازان و شهدای دفاع مقدس نوشته است. او از برخی آنان در همان وضعیت مجروحیت عکس گرفته، وصیت‌نامه برخی را دریافت کرده و حتی بعد از پایان جنگ، برای نوشتن زندگی‌نامه برخی شهدا و جانبازان رهسپار محل اقامت آنان در سراسر کشور شده است.

# انتخاب ایمان به جای ترس



زهرا شادلو

روانی، شیوع بیماری‌ها و ... اما نباید با تمرکز بر آنها زندگی کنیم و انتظار بدترین‌ها و سال بد را داشته باشیم. وقتی اینکار را می‌کنید در حال استفاده بر عکس از ایمانتان هستید. در نظر بگیرید انتظار ما برای باور داشتن به سلامت و بهروزی همان قدر انرژی مصرف می‌شود که برای نگرانی مصرف می‌شود. گفتن اینکه خداوند تمام نیازهای مرا فراهم می‌کند به همان اندازه گفتن اینکه من از پشش بر نمی‌آیم آسان است. به جای اینکه دائم نگران باشید کافی است بگویید زندگی من در دستان خداوند است و او قدم به قدم همراه من است و مرا راهنمایی خواهد کرد. من سالی سرشار از رحمت و سلامتی دارم. شاید بگویید اگر اینکار را کردیم و اتفاقی نیفتاد چه؟ من از شما می‌پرسم اگر افکار خود را تغییر دادید و اتفاق افتاد چه؟ حتی اگر نگران سلامتی خود و عزیزانتان هستید نباید ناامید شوید چرا که خداوند اگر دری را ببندد در دیگری را باز خواهد کرد. در پایان سوال من از شما این است که: شما از انرژی‌تان برای نگرانی و شکست استفاده می‌کنید یا برای ظهور و تحقق وعده‌های خداوند؟

خواهد کرد، ترس می‌گوید خیلی سختی‌ها کشیدی و هیچ‌وقت شاد نخواهی بود. این در حالی است که ایمان می‌گوید صبر کن تو بهترین روزهای زندگیت را در پیش رو داری. نکته اینجاست چیزی که روی آن تمرکز می‌کنیم همان چیزی است که در افکارمان ریشه خواهد داد، اگر در طول روز مدام به آن ترس فکر کنیم و اجازه بدهیم بارها و بارها در ذهنمان تکرار بشود می‌تواند به حقیقت تبدیل شود و این همان چیزی است که می‌تسیدید برایتان اتفاق بیفتد. با این افکار در حقیقت شما در حال کمک به ترس‌هایتان هستید که حتما اتفاق بیفتند و به واقعیت تبدیل شوند. برای فرار از این ترس‌ها، در این مواقع به سمت پرورگار پیش بروید و بگویید خداوند! تو گفته‌ای لطفت برای همیشه باقی خواهد ماند، گفته‌ای که رحمت و نیکی در تمام روزهای زندگیم به دنبال خواهد بود. این نوع انتخاب کردن تفکر ایمان به جای ترس است. امروزه موقعیت‌های متعددی برای نگران بودن و زندگی در ترس داریم؛ فشارهای

در طول روز ما یک انتخاب داریم که باور داشته باشیم که خداوند قادر است و نعمات فراوانی برایمان نگه داشته است یا می‌توانیم نگران باشیم و در انتظار بدترین‌ها. ترس داشته باشیم که از پس چالش‌های زندگی‌مان بر می‌آییم یا نه؟ ما با این دسته افراد مواجهیم که می‌گویند می‌ترسم سلامتی‌م را از دست بدهم، می‌ترسم این ازدواج پایدار نماند یا می‌ترسم فرزندم با افراد نادرستی ارتباط داشته باشد. باید دقت کنیم در این لحظات در حال انتخاب ترس به جای ایمان هستیم، ترس و ایمان در یک چیز مشترک هستند، هر دو از ما می‌خواهند باور داشته باشیم قرار است اتفاقاتی برایمان بیفتد، اینجاست که ترس می‌گوید اتفاق‌های منفی را باور کن! آن بیماری همان مریضی‌ای هست که احتمالا برای تو هم اتفاق خواهد افتاد و تو را از پا در خواهد آورد. ایمان می‌گوید آن مریضی دائمی نیست و فقط موقتی است، یا ترس می‌گوید کسب و کار خوب نیست، رابطه خانوادگی‌ام خوب نیست و تو درماننده خواهی شد، ایمان می‌گوید خدا روزی‌رسان است و همه نیازهایت را برطرف



# جنگ

یک گروه دیگری بعد از مصاف  
آمد و فضل و هنر اظهار کرد  
عافیت برگشت و شد صلح آشکار  
حال باید کار کرد و کار کرد  
حال دیگر وقت علم اندوزیست  
باید از جان کوشش بسیار کرد  
با سلاح علم می باید کنون  
جنگ با کفار و استعمار کرد  
تا به کی رفتن بی فرهنگ غرب  
باید از این کار استغفار کرد  
چونکه می بیند گهی تقلید مد  
صادق آرائی این اخطار کرد

یک گروه از جان و مال خود گذشت  
خویشتن رت وقف این پیکار کرد  
یا که جان در راه جانان داد و رفت  
خویش را از زمره‌ی ابرار کرد  
یا که شد جانباز راه دین حق  
یا که خود را در صف احرار کرد  
یا که شد مفقود و جسمش را فلک  
تا همیشه مخفی از انظار کرد  
یک گروه کرد کسب مال و جاه  
خویش را سرگرم در بازار کرد  
یک گروهی مسجد و محراب را  
انتخاب و جبهه را انکار کرد

یاد آن روزی که خصم کینه توز  
حمله‌ای در شامگاه تار کرد  
ما نبودیم اهل جنگ از ابتدا  
لیک او تحمیل این پیکار کرد  
او که خو جز نوکری جاهل نبود  
این عمل با امر استکبار کرد  
انقلاب ما نهالی تازه بود  
جنگ آن را اینچنین پربار کرد  
جنگ بی شک آزمونی سخت بود  
آشکارا چهره‌ی اغیار کرد  
یار از اغیار بنمود آشکار  
بر نبردی آفرین که این کار کرد

آزاده جانباز جهادگر نورالله عظیم‌زاده آرائی  
اقتباسی از کتاب پیک رهایی







# انقلاب، از درچه سینما

مهدی محمدی

## پیش‌گفتار

بی‌اغراق نیست اگر بگوییم در طول تاریخ، همیشه هنر و فلسفه نقش به‌سزایی در چینش افکار انقلابی و بعضاً حرکات سیاسی داشته است که نمونه بارزش تأثیر اندیشه‌های ژان ژاک روسو، فیلسوف فرانسوی در ایجاد انقلاب کبیر فرانسه است. با کمی تحقیق در مورد انقلاب فرانسه در می‌یابیم که افکار روسو و هم‌قطاراننش در جایجای اذهان عمومی رسوخ کرده است.

در میان همه هنرهای موجود، این سینماست که با وجود عمر کوتاهش به نسبت دیگر هنرها، به علت ایجاد هم‌ذات‌پنداری در مخاطب از طریق تجسم بخشیدن به آرزوها و امیال باطنی خودآگاه و ناخودآگاه مخاطب، توانسته است نقش مهمی در مناسبات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی ایفا کند و حتی در جاهایی تأثیرگذار باشد. جادوی سینما از دیرباز مدنظر گروه سیاستمداران برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش بوده است. هیتلر و توجهش به سینمای آلمان، چه مستند و حتی اکسپرسیونیسم، سینمای ایتالیای دوره حکومت ویشی، با آن فیلم‌های به قول معروف

فیلم‌های تلفن سفید خود تا مائو رهبر چین کمونیستی که با علاقه بسیار و ویژه به مقوله سینما چراغ سبز نشان داد، همه اینها گواه این است که تأثیر سینما بر فرهنگ و تفکر و بینش جمعی عموم مردم، بیش از همه هنرهاست و اگر از آن خوب استفاده شود، چه سلاح مثمر ثمری در جهت شناساندن یک ایدئولوژی می‌تواند باشد.

## در ایران سینما به ۵ دوره منتهی می‌شود:

۱. تولد سینما و ورود به ایران
۲. تحول آغازین و جرقه‌های افکار انقلابی
۳. سینما در سایه
۴. اوج سینمای انقلابی
۵. سینمای امروز

## ۱. تولد سینما و ورود به ایران

به مانند همه هنرهای موجود، سینما هم در بدو ورود مختص اعیان و درباریان قاجار بود. در واقع بعد از مدت زمان کوتاهی از ساخت فیلم توقف قطار در ایستگاه برادران لومیر سینما وارد ایران شد. این جام تمام نمای رنگین و رویایی گویا به مذاق قاجار بسیار خوش آمد. در ابتدا تا سال‌ها بعد،

سینمای هالیوود با تمام زرق و برقش و تمام ستارگانش ستاره بی‌چون و چرای سینماهای ایران بود. نه جایی برای تولید داخل و نه جایی برای سینمای هنری اروپا بود. بعد گذشت سال‌ها و فرو خوابیدن تب هالیوود و وجود تجربه‌هایی چون آبی و رابی در داخل، پدیده‌ای موسوم به فیلمفارسی یا سینمای آبگوشتی در ایران ریشه دواند که در طول گذران سال‌ها هنوز هم نمایندگانی در سینمای امروز ایران دارند. فیلمفارسی در واقع فرزند ابتذال فکری بود که هالیوود برای ما به ارمغان آورد. ارمغانی تلخ و تیره. در این دوره مهمترین مولفه‌های سینمای فیلمفارسی ابتذال تصویری، سبک فکری و سطحی نگری نسبت به مقوله‌های اجتماعی، بی‌توجهی به مشکلات موجود بین مردم، خوش خیالی، شوخی با مسائل خصوصی و بعضاً جنسی زناشویی و تصویرکردن زندگی غربی به عنوان شمه‌ای از مدینه فاضله می‌باشد. اگر کمی دقت کنیم امروز هم این نوع سینما را در سینمای ایران می‌بینیم که بعداً به آن می‌پردازم.



## ۲. تحول آغازین و جرقه‌های افکار انقلابی

به علت رکود اقتصادی و شرایط بد زندگی مردم به خصوص در روستاها و آگاهی و بیداری نسبی ذهنی و فکری مردم در دوره پهلوی اول، افکار حق خواهی و عدالت طلبی در دوره پهلوی دوم، بین عموم مردم قوت گرفت و این تحول مهم در سینمای ایران هم رصد می‌شود. رگه‌های افکار انقلابی را می‌توان در سینمای این دوره با مضامینی چون ایستادن در مقابل نظام زور حاکم و یا تن ندادن به شرایط استثمارگونه نظام فئودالی حاکم بر روستاها و استقامت در برابر استعمار، دنبال کرد. طلوع کارگردانان جوانی چون مسعود کیمیایی و ناصر تقوایی و بهرام بیضایی و مرحوم علی حاتمی، به جریان تولد و انتقال افکار انقلابی در این دوره کمک بزرگی بوده است. رگبار اثر بیضایی بیانیه‌ای تند و تیز در جهت نکوهش نوع زندگی بورژوازی است که هیچ خاستگاهی در فرهنگ ما ندارد. کلاغ هشدار مرگ سنت‌های دیرینه ایرانی اسلامی است. همانطور که قیصر کیمیایی هشدار است در جهت مرگ فرهنگ در جامعه پهلوی و دعوت به استقامت و ایستادن در برابر سیستم فاسد موجود. قیصر اسطوره‌ای می‌شود در نظام کهن الگوی ایرانی که تا گوزن‌ها ادامه دارد که عملاً در جریان انقلاب فعالیت می‌کند و مقابل ساواک می‌جنگد. و همین اسطوره بعداً تا جبهه‌های جنگ هم می‌رود تا از ناموس و وطن دفاع کند. قدری تیز بینی در سال‌های ۵۰ و ۵۱ در سینمای آن دوره لازم بود تا وقوع انقلابی بزرگ را در ایران بتوان حدس زد.

## ۳. سینما در سایه

این دوره زمانی کوتاه می‌توانست از مهمترین دوره‌های سینمای ایران باشد که نیست. از بهمن ۵۷ تا اوائل سال‌های دهه ۶۰ که از مهمترین سال‌های تاریخ ایران است، به دلیل سیاست‌های فرهنگی آن دوره و نبود دیدگاهی خاص در زمینه سینما، عملاً چراغ سینما خاموش بود. سینما در این دوره می‌توانست با ارائه افکار تنیده شده انقلابی در زندگی مردم و اشاعه آن به جهان بیرون، چهره واقعی انقلاب فرهنگی ما را به دنیا نشان دهد و شاید زمینه‌ای برای صدور افکار انقلابی به جهانیان ایجاد می‌شد. که نشد. سینما این پتانسیل بزرگ تبلیغاتی در این دوره خاموش بود.

## ۴. اوج سینمای انقلابی

اوج سینمای انقلابی و به جرات اوج سینمای ایران در این دوره رقم خورد. همه چیز مهیا بود. هدف، ایده، ایدئولوژی و نیروی متعهد انسانی. یکی از دلایل مهجور ماندن مقوله انقلاب در سینما، وقوع جنگ تحمیلی درست پس از انقلاب بزرگ ما بود. انقلاب اسلامی آن طور که شایسته‌اش باشد به آن پرداخته نشد. و اگر هم کاری انجام شد، فیلم‌های ضعیف و دور از شان انقلاب بود. شاید از معدود کارگردانان موفق این دوره بتوان علی حاتمی را نام برد با آن میراث جاودانه‌اش در تلویزیون، هزار داستان. اما در این دوره به جایش عصر طلایی سینمای ایران با شروع مقوله دفاع مقدس در سینما بود. رسول ملاقلی‌پور از پرچم‌داران این دوره به حساب می‌آید. سینما در این دوره به تقدس جوانان انقلابی پرداخت که خالصانه و بسیار بی‌ریا به جبهه‌های جنگ رهسپار شدند تا از ایدئولوژی خود دفاع کنند. جوانانی که حالا مفتخر بودند رهبری بزرگ دارند که دل‌هایشان و روحشان را هدایت می‌کند. سفر به جزایه، هیوا، بلمی به سوی ساحل، مهاجر و دیده‌بان. فیلم‌هایی با مضامین مستقیم دفاع مقدس و فیلم‌های از کرخه تا این، بوی پیراهن یوسف، کیمیا، آژانس شیشه‌ای و مزرعه پدری با مضامینی شهری و پس زمینه‌ای از جنگ که تاثیر جنگ را در زندگی اجتماعی هدف قرار می‌دهند. در مجموع این فیلم‌ها، قهرمان، همان جوانانی هستند که انقلابی بزرگ را خلق کردند و مکتبی را پایه‌ریزی کردند و در راه آن مکتب جانفشانی کردند. حتی در این راه مشقاتی را هم متحمل شدند. در این دوره فارغ از وابستگی سازندگان فیلم‌ها به جریان‌ات خاص داخلی، همه برای یک هدف فعالیت می‌کردند همین امر دلیل ثبات سینمای این دوره بوده است.

## ۵. سینمای امروز

در همه جای دنیا در مقوله سینما، صنعت و هنر در خدمت یکدیگرند. تکنولوژی و ساخت دوربین‌های مجهز به بیان افکار و عرضه هنری یاری می‌رساند. انگلستان همیشه وامدار ادبیات شکسپیری است و این ادبیات را تا حدی به سینمای هالیوود هم تحمیل کرده است. این قدرت سینماست. اما متأسفانه در ایران به دلایل مختلف این قدرت نادیده گرفته می‌شود. سینمای امروز چیزی نیست که تصور می‌کردیم بعد از آن

دوره طلایی نصیبمان شود. سینمایی سخیف با نیت صرفاً سود جویانه مالی که ای کاش آن هم به نحو احسن انجام می‌شد. در این دوره نه از تفکر ناب انقلابی خبری هست و نه تلاشی برای عمق بخشیدن به محتوا. گویی در سخته‌ای عمیق گیر افتاده‌ایم. حتی فیلمسازان در گذشته انقلابی هم انقدر محو قاب‌های سینمای هالیوود شده‌اند که پیامشان را فراموش کرده‌اند. (بادیگارد). تجربه نشان داده است، همیشه فیلم‌هایی با محتوای عمیق و پر مغز ماندگارترند حتی اگر تکنیک و جلوه‌های آنچنانی نداشته باشند. تعداد فیلم‌های شریف در این دوره انگشت شمارند. زمانی که می‌توان با وجود سرمایه‌های روایتی بی‌شماری که هست، فیلم‌های فاخری ساخت. هزینه و زمان خود را با دهنمکی‌ها هدر می‌دهیم و بدتر از این، خیانت بزرگی که به انقلاب و دفاع مقدس می‌کنیم. در گذر از چهل سالگی انقلاب، ای کاش از داشته‌های غنی خود بکاریم؛ کجا فیلمی از ایثار ستاره‌های زمینی سنگرزبان جهاد سازندگی و یا بسیجیان بی‌ادعا ساختیم تا ببینیم برای عموم چه جذائیتی دارد. دور از هرگونه شعار و تزویر، دور از هرگونه منافع شخصی. شاید اگر دهه ۶۰ می‌دانستیم فرهنگ انقلاب ما و دفاع مقدس مادر سینما به اخراجی‌ها ختم می‌شود، تجدیدنظری اساسی نسبت به اهدافمان می‌کردیم. سینمای ما تمام قد جلویمان ایستاده و ما هیچ بهره‌ای از آن نمی‌بریم.

مگر فیلم آرگو روایت آن سوی آب‌ها از تسخیر لانه جاسوسی نیست؟ چه جوابی برایش ساختیم. تفسیر ما از واقعه ۱۳ آبان چه بود؟ عملیات‌های ما، همین کربلای ۴ و کربلای ۵؛ برای معرفیشان به نسل بعد چه ساخته‌ایم؟ چگونه انتظار داریم کودکان ما حسن باقری را به عنوان مغز عملیاتی بشناسند؟ مگر قبلاً در تلویزیون با ساخت زندگی شهید بابایی سربلند نشدیم و چه استقبالی از سربال شد؟ چرا ادامه‌دار نبود. چرا به سینما سرایت نداشت؟

امروز برخلاف به به و چه چه دوستان، روز زوال سینمای ماست و چه حیف که سینما این جادوی تصویر می‌توانست امروز به کمکمان بیاید و آینه تمام‌نمای انقلاب ما و فرهنگ انقلابی ما باشد. سینما امروز مسیری جدا می‌پیماید و هر جا پای می‌گذارد، بوی تعفن مرگ زودرس خود را می‌پراکند.



# انتظار

حمیده حدیری

آبی رنگ وسط حیاط با عجله به این سو و آن سو سرک می کشیدند، گویی که آنها هم منتظر مهمانی عزیز هستند. از در خانه بیرون رفت، باید هرچه سریع تر سبزی آش نهار را تهیه می کرد. میوهی مورد علاقهی علی را و

کرد، از ظرف مربایی که داخلش بهار نارنج خشک شدهی حیاط را نگهداری می کرد، بهار نارنجی اضافه کرد و چادر گل دارش را به سر انداخت و وارد حیاط شد، عطر بهار نارنج همه جای حیاط را پر کرده بود. ماهی های حوض

مثل همیشه از خواب که بلند شد، صورتش را آب زد، پیراهن سبز نعنایی مورد علاقهی مش رحیم را پوشید. موهای سفید کم پشتش که با زور حنا به رنگ نارنجی روشن در آمده بود را شانه زد و یک گیس بافت. چای تازه ای دم



موهای لخت بوری داشت با چشمانی نافذ و مشکی شبیه به چاهی عمیق که انتها نداشت، وقتی کسی به چشمانش خیره می‌شد، انگار درون آن می‌توانست غرق شود. پسرک با لباس خاکی رنگ جنگی پشت فرمان لودری نشسته بود و با لبخند به عکاس دست تکان می‌داد.

با دلخوری رویش را از مش رحیم برگرداند و با گذاشتن وسایل و باقی مانده‌ی صبحانه در آشپزخانه به سمت حیاط رفت، نسیم خنکی گونه‌های سرخ چروک خورده‌ی گلگونش را نوازش داد، نفسی عمیق کشید، دستی به تاپ فلزی رنگ و رو رفته‌ی قرمز آویزان از درخت توت کهنسال حیاط کشید و هلش داد، کودکی علی جلوی چشمانش زنده شد، پسر بچه‌ای با چشمانی مشکی و موهای لخت بور روی تاپ فلزی قرمز رنگ با خوشحالی درحالی که انگار با دستانش رنجیرهای تاپ را بغل کرده دست می‌زد و فریاد می‌کشید مامان جون تندتر، تندتر می‌خوام برم بالا، بالاتر.

پسری جوان را کنار حوض دید که پاهایش را داخل حوض برده بود و در حالی که سیب سرخی را محکم گاز می‌زد با دست آب داخل حوض را جابجا می‌کرد و به اطراف می‌پاشید.

...علی جان مادر کی اومدی؟! اصلا متوجه اومدنت نشدم، پسرم عجیب دلتنگت شدم، می‌بینی از اوس مرتضی برات سیب سرخ گرفتم، می‌دونستم دوست داری مادر قربون قد و بالات بره، خوشمزه هست؟!

مادر اصلا نمی‌دونی دلم هزار راه رفت تا برگردی... هی گفتم نکنه بچه‌ام بازم پاش تاول بزنه، می‌بینی به آقاچونت گفتم آب حوض رو عوض کرده که اینجوری پاهات رو بزاری توش و کیف کنی.

زنگ خانه به صدا درآمد، چادرش را از روی تخت برداشت و به سر انداخت دوباره به سمت حوض نگاهی انداخت، روی لبه‌ی حوض علی را ندید، با بغض و ترس تمام حیاط را از نظر گذراند، در حیاط سکوتی حکم فرما شد، حس کرد این انتظار را دوست دارد. سال‌هاست به آن خو کرده. حد فاصل بین ندانستن و بی‌خبری. اگر لازم بود تا صد سال دیگر هم می‌توانست منتظر علی‌اش باشد.

دوباره زنگ به صدا درآمد...

وصف ناشدنی به سمت خانه شتافت، کلید را داخل درفلزی سفید رنگ خانه انداخت و وارد حیاط شد چادر و سبدش را روی تخت چوبی کنار حوض گذاشت. بسته‌ی سیب سرخ را برداشت، داخل حوض خالی کرد و نان به دست وارد خانه شد و مستقیم به سمت آشپز خانه رفت، سفره‌ی سفید گل قرمزی اش را داخل پذیرایی پهن کرد، پنیر تیریزی را داخل پیش‌دستی گل سرخی‌اش گذاشت، گردهای چرب تازه‌ای که از ملایر برایش فرستاده بودند را شکست و تمیز کرد و از خوشه‌های کشمش آویزان کنار پنجره، کشمش جدا کرد و داخل ظرف گذاشت، خیار و گوجه‌ای پوست کند و جای بهار نارنج را داخل استکان کمرباریک لب طلایی‌اش ریخت و با نعلبکی و سینی به سمت سفره برد، نان تازه را درون سفره گذاشت و به سمت حال رفت تا مش‌رحیم را بیدار کند.

مش رحیم که بیدار شد طبق عادت همیشه وضو گرفت و به سمت مرضیه خانم که سر سفره منتظرش بود رفت و درحالی که می‌نشست، نفسی عمیق کشید:

...دستت درد نکنه حاج خانم بوی چای بهارنارنجت تموم خونه رو گرفته، کلی زحمت کشیدی.

و شروع به خوردن کرد، بعد از صبحانه در حالی که مرضیه خانم و مش رحیم مشغول جمع کردن سفره بودند، مرضیه خانم نیم‌نگاهی به مش رحیم انداخت:

...رحیم جان دیشب آب حوض رو عوض کردی؟! آخه می‌خوام بچه‌ام علی که اومد پاهاش رو تو آب تمیز حوض بزاره و روحش جلا بیا، اون سری بچم تمام کف پاش و انگشت‌هاش پر تاول بود، امیدوارم اون حنایی که کف پاش گذاشتم کاری کرده باشه که پاهاش تاول نزده باشه بازم. چشمان مش رحیم پر اشک شد و به آرامی زمزمه کرد:

...حاج خانوم از اون سری چهل سال گذشته چرا هر جمعه خودت رو اذیت می‌کنی؟

...علی این هفته میاد من میدونم. خودش قول داده برگرد.

چشم به قاب عکس علی دوخت که به دیوار آویزان بود، پسر جوان با صورت نسبتا سفید و گونه‌ها و بینی گلگون که پیدا بود از گرما و آفتاب زیاد، سوخته.

نان بربری تازه‌ی صبحانه را.

به سمت تیر چراغ برقی که اوس مرتضی همیشه گاری اش را کنارش می‌گذاشت رفت، اوس مرتضی به محض دیدن مرضیه خانم شروع کرد به سبزی پیچیدن برایش، مرضیه خانم با لبخند دلنشینی و ذوقی که برق چشمانش را دوچندان می‌کرد به اوس مرتضی سلام داد:

...اوس مرتضی ...پسرم، اون سبزی آش رشته‌ی هر جمعه‌ی من رو که کنار گذاشتی بده، چه سیب سرخ‌های خوبی آوردی چه عطری داره، حتما با این عطر و بو شیرین و آبدار هم هست، یه کم هم از این بده مادر، خدا خیرت بده. آخه میدونی پسرم! علی عاشق سیب سرخه، می‌خوام بچه‌ام که از جبهه میاد با دیدنش ذوق کنه و خستگی راه از تنش دربیاده...

با شنیدن این حرف اوس مرتضی لبخند غمگینی زد و سرش را انداخت پایین و خودش را مشغول پیچیدن سبب‌ها درون پاکت کاهی متوسطی کرد و در نهایت به سمت مرضیه خانم نگاه کرد و لبخند ساختگی ای زد:

...خاله مرضیه اینم سبزی هر هفته‌ی آش رشته‌ات که از قبل برات پیچیدم... اینم از سیب‌های سرخت، قابل نداره.

مرضیه خانم با خنده‌ای که زیبایی چهره‌ی چروک خورده‌اش را بیشتر به رخ می‌کشید کارت بانکی خود را به دست اوس مرتضی سپرد:

...پسرم این کارت، دیگه خودت میدونی.. من که از این چیزها سر درنمی‌ارم مادر، نمی‌دونم این جوونای امروز نونشون نبود آبشون نبود، این کارت ساختنشون چی بود. قدیم خوب بود مادر جان، پولت رو می‌دادی چیزی می‌خریدی می‌ذاشتی تو سبد و می‌پردی خونه‌ات، فقط مادر یکم بیشتر بکش نون که می‌خرم پول بدم دست خلق خدا نه این یه تیکه پلاستیک رو.

سبد حصیری‌اش که با گل‌های سبز و قرمز مزین شده بود را باز کرد و اوس مرتضی پاکت را همراه بسته‌ی سبزی که با روزنامه‌ی قدیمی و بند زرد رنگ بسته بود داخل سبد گذاشت و مرضیه خانم با شوقی خاص لبخند زد:

...خدا خیرت بده مادر.

و راه افتاد به سمت نانواپی کنار خانه، نان تازه را که به دست گرفت با سرعت و ذوقی

# در امتداد خط



می‌توانستند به زبان بیاورند. مثلاً این تندر اگر زبان داشت، حتماً برایتان تعریف می‌کرد که چگونه سرنوشتش با راننده‌اش آنقدر عمیق درهم تنیده شده بود. تندر به همراه خالد از کرمانشاه آمده بود. خالد از جهادگران سنی مذهب استان کرمانشاه بود که با تندرش به جبهه آمده بود. می‌گویم تندر، چرا که این نامی بود که خود خالد بر روی کمپرسی‌اش گذاشته بود. خالد به قدری به امام ارادت داشت که حتی زمانی که به او پیشنهاد دادند که به خاطر مقتضیات سن و سالش تندر را به راننده دیگری بسپارد و به عقب برگردد، قاطعانه قبول نکرد و رد کرد.

و آن بولدزر سوخته کنار انبار، که شاید بی‌صداترین ماشین این مجموعه باشد، از روی راننده‌اش، یاسر خجالت زده است. یاسر بچه ساده و ساکت یزدی، که

بین بچه‌ها به شوخی معروف بود که... فقط کافی است شعبونعلی را با بولدزرش به میان بعضی‌ها بفرستیم، صدام خودش می‌آید و خود را معرفی می‌کند...

فارغ از چهره زمخت شعبانعلی و هیکل نتراشیده‌اش، قلبی بزرگ و سپید در سینه‌اش می‌تپید. گویا قلبش جور ظاهرش را می‌کشید. خدا بیمارز، زمان شهادتش هم دست از شوخی بر نمی‌داشت. زمانی که بعد از ترکش خوردنش بالاسرش نشسته بودم، به شوخی گفت: دیدید چشمم زدید؟... وگرنه من تا خود بغداد همپا بودم...

و شهید شد. بعد از شهادتش، گویا بولدزرش دیگر توان کار کردن نداشت.

چند وقتی دست بچه‌ها بود و بعد به علت نقص فنی به عقب بازگردانده شد و تا امروز اینجا خوابیده است. این ماشین‌ها اگر زبان داشتند حرف‌های زیادی را

از میان لودرها و بولدزرهای موجود در این انبار، تقریباً تمام راننده‌های آنها را می‌شناسم. حتی سرنوشتشان را هم می‌دانم. این ماشین‌ها قریب به ۳۰ سال است که با من همکار و عزت‌نشین شده‌اند. آن لودر زرد رنگ که حالا رنگ و رویش رفته است و به سختی حتی می‌توان آرم جهاد سازندگی را دید، - یک جورهایی آرم هم مانند خود جهاد سازندگی محو گشته است - راننده‌اش عبدالحسین بود. با آن لهجه همدانی شیرینش در دل همه ما جای باز کرده بود. اوایل که آمده بود جبهه هم کمر و بود و هم از ارتباط با بچه‌ها می‌ترسید. اما بعداً که با باقی هم‌رزم‌ها بیشتر بر خورد، گرمی و شیرینی صدایش برایمان گوش نواز شد. آن بولدزر بزرگ که آن گوشه کز کرده، برای شعبانعلی بود. خودش هم به همان اندازه بولدزر بزرگ و بی‌کله بود.



پرده رنگ و رو رفته نه. بلکه آنچه در پشت آن سایه انداخته بود. برگشتم و با عجله پرده را کنار زدم. تمام بدنم به ناگاه منجمد شد. عکسی که به صورت افقی پاره شده بود. عکس پسر بچه بازیگوشی که بر روی کف زمین مشغول بازی بود. انگار از او خواسته بودند به دوربین نگاه کند. روی زمین یک اسباب بازی کامیون وجود داشت و دست پسرک با کلی عشق و احساس بر روی آن بود. دو جفت پا پشت پسرک ایستاده بودند که امتداد آنها به بدنهایی می‌رسید که درون عکس نبودند. چرا که عکس از کمر آنها پاره شده بود. اما چرا این عکس اینقدر برایم اهمیت داشت، نمی‌دانستم. این عکس گویای چه چیزی بود؟ چه در خود داشت؟ هیچ نمی‌دانستم. ناآگاهی عمیقی وجودم را گرفته بود. ناآگاهی نسبت به همه چیز. حتی ناآگاهی بر تک تک سلول‌های رخنه کرده بود. گنگ و پریشان شده بودم. از اطاقک ماشین بیرون آمدم. حال خوبی نداشتم. تصمیم گرفتم از اطاقک بیرون بروم. از اطاق خارج شدم. بسیار عجیب بود. درون راهرویی بودم که نمی‌شناختمش. راهروی همیشگی منتهی به اطاق کارم نبود. یک راهرو با دیوارهای سفید و خاکستری روشن. یک راهرو با اطاق‌هایی متوالی. اما بیشتر مرا یاد بیمارستان می‌انداخت. اما بیمارستان نیست. متروک‌تر از آن است که بیمارستان باشد.

چیزی در جیب شلوارم بود. هر چه فکر کردم، یاد نمی‌آمد چیزی را در جیبم گذاشته باشم. دست در جیب گذاشتم و لمسش کردم. یک عکس پاره بود. یک قطعه گمشده. عکس به صورت افقی پاره شده بود. عکس پدرم و دوست صمیمی‌اش. آنها ایستاده بودند، ولی عکس تا کمر آنها بود و پایین عکس نبود. پدرم، بهترین دوست دوران کودکیم بود. و دوست پدرم، راننده همان ماک همسایه قدیمی که من از آن می‌ترسیدم، بود. دیگر پریشان و گنگ نبودم و از دریای سرشار آگاهی لبریز بودم. همه چیز برایم روشن شده بود، آرام بودم.

درون اطاق کارم، دوباره به این می‌اندیشم که راننده آن ماک درون انبار چه کسی می‌تواند باشد...

مفقودالایر شده است، لحظه‌ای به شهادتش شک نکردم. نشانه‌ها به قدری بود که من مجاب شوم او شهید شده است. از این کشف و شهودها در زندگی باز هم داشتم. آن روز خاص بر پشت میزم نشسته بودم. پشت میزم در اطاق نمودار و خسته کارم. با اینکه مدیر مجموعه بودم بدترین اطاق ممکن نصیب شده بود. اعتراضی نداشتم. اطاقم نمودار، بی‌روزن، بدون تهویه، اما دنج بود. بر روی میزم انبوهی از اسناد مربوط به یک پرونده بود. پرونده یک آمبولانس که در سال ۶۷ به علت نامعلومی منفجر شده و سرنوشت سختی را برای سرنشینانش در پی داشته است. آمبولانس متعلق به جهاد سازندگی بود اما در ماموریت زیر نظر وزارت بهداشت کار می‌کرد. لابلای این اسناد روی میز، چیز عجیبی مرا می‌خواند. صدایم می‌کرد: من اینجایم... مرا ببین...

آن ولع به آگاهی آشنا دوباره در من زبانه کشید. چه چیزی را باید می‌دیدم؟ و چرا؟ کمی به نشانه‌یابی درونی خود اعتماد کردم. چشم‌هایم را بستم. نفس عمیقی کشیدم و چشم‌ها را گشودم. جعبه کوچکی زیر پایم، زیر میز قرار داشت. گویا درون جعبه وسایل مربوط به آمبولانس وجود داشت. در جعبه را باز کردم. به ظاهر وسایل معمولی و بیش پا افتاده‌ای درونش بود. اما نه، چیزی درون جعبه توجهم را جلب کرد. یک نشانه. یک سر دنده کامیون. حس و حال مرا کاملا متحول کرده بود. چرا؟ نمی‌دانم. به قدری ملتهب شدم که صدای ضربان تند قلبم را به وضوح می‌شنیدم. پیراهنم از تعرق بالا خیس شده بود. ناگهان به صورت غیر ارادی بلند شدم و از اطاقک بیرون آمدم و به سمت اطاقک کامیون ماک رفتم و بر روی صندلی نشستم. خب چه می‌خواهی بگویی؟ من اینجا هستم. هیچ.

به آینه نیمه شکسته‌اش نگاه می‌انداختم. با اینکه آینه قدیمی بود و نصفه، اما تصویر مرا بسیار واضح نشان می‌داد. همه خطوط صورت و پیشانی‌م را. پیری پوست گندمی‌ام را. موهای سفید و کم پشت‌م را. از درون آینه، پرده آبی رنگ شیشه پشت راننده توجهم را جلب کرد. البته خود

سکوتش ارمغان کویر گرم فلات مرکزی بود و همانند کویر دل دریایی داشت، کسی چیز زیادی از او نمی‌دانست، جز اینکه تازه داماد است و بر سر آمدن به جبهه با پدرش اختلافاتی داشته، همین‌ها. تا روزی که به همراه بولدززش بر اثر اصابت خمپاره‌ای آتش گرفت و چیزی از جسم یاسر باقی نماند.

و اما در این مجموعه کلکسیون ماشین‌های قدیمی، آن گوشه، کنار اطاقک نگهبانی، یک ماک قدیمی با تمام ابهت گذشته‌اش خوابیده است. از ماک فقط اطاقک سرنشینش سالم باقی مانده است. یک ماک نارنجی رنگ که هنوز هم آرام جهاد سازندگی روی درش تازه و خوش نظر است، گویی همین دیروز آن آرام را آنجا چسبانیده‌اند. به خاطر دارم در کودکی، در محله‌مان در دروازه غار، راننده یکی از همین کامیون‌ها - چند مدل پایین‌تر - سکونت داشت. هر از چند گاهی که از جلوی در خانه‌اشان که می‌گذشتم، صلابت این ماشین مرا کاملا مجذوب خود می‌کرد.

از معدود ماشین‌هایی است که راننده‌اش را نمی‌شناسم. چطور ممکن است؟ این ماشین از قرارگاه حمزه اعزام شده بود. در یگان خودمان در حال فعالیت بود. این را اسناد موجود می‌گویند. چطور می‌شود من راننده‌اش را نشناسم. حتی در اسناد موجود هم اثری از سرنشین ماشین نیست. برایم بسیار عجیب است. میلی سرکش در وجودم زبانه می‌کشد. میلی سرشار که مرا وامی‌دارد تا در مورد سرنشین ماشین پرس و جو کنم. بعد از مدتی به نتیجه‌ای نمی‌رسم. گویا قرار است همچنان برایم یک راز باقی بماند. هر چه که می‌گذرد و من بیشتر به بن بست می‌رسم، میل و عطش به آگاهی بیشتر زبانه می‌کشد. این مسئله به قدری برایم اهمیت می‌یابد که تمام زندگی من را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. و البته هر چه بیشتر تلاش می‌کنم، به دست یافتن بر هیچ بیشتر تاکید می‌شود. تا آن روز بخصوص...

از دوره جوانی به کشف و شهود اعتقاد عجیبی داشتم. حتی در مواقعی برایم مسجل شده بود. نمونه‌اش شهادت برادرم، از زمانی که اعلام شد برادرم

# تجسم کربلا

## رزمنده و جانباز دفاع مقدس، محمدرضا قوی بامداد

محمدرضا قوی بامداد، فرزند حسن، متولد ۱۳۳۹ و راننده بولدوزر می‌گوید: خورشید کم‌کم در حال غروب کردن بود. شهر فاو و جاده ام‌القصر، پر از صدای گلوله و انفجار، و به دنبال آن لرزش زمین و برخاستن گرد و غبار به هوا بود. لودرها، بولدوزرها، تانک‌ها و دستگاه‌های سنگین، با آرایش خاصی به پیش می‌رفتند و من هم بر روی یک دستگاه بولدوزر، به همراه سه دستگاه بولدوزر و هفت نفر دیگر، در حال پیشروی بودم.

با تاریک شدن هوا، کار با چهار دستگاه بولدوزر آغاز شد و در زیر گلوله‌باران دشمن، فعالیت ادامه پیدا کرد. حدود ساعت ۱۲ شب، در حال تغییر جای دستگاه بودم که انفجار بزرگی نزدیک دستگاه به وقوع پیوست؛ دود زیادی اطرافم را فرا گرفت و به دنبال آن درد عجیبی در پای چپم احساس کردم.

به هر زحمتی بود، خودم را از بالای بولدوزر به روی زمین رساندم. در آن وضعیت، تصاویری از آب، عطش، جراحت، اسب، پیکرهای خونین، خیمه، دسته‌های سینه‌زنی، مادر، قتلگاه و ... ذهنم را پر کرده بود، که بالآخره توسط برادران مهندسی جهاد به آمبولانس پشت خاکریز منتقل شدم.

آمبولانس در حال حرکت به پشت خط بود، در حالی که صحنه‌های کربلا برایم مجسم می‌شد.








# عملیات قادر





- عملکرد پشتیبانی- مهندسی جنگ جهادسازندگی**
- ۱- احداث ۲۶ پل کارگودین و جاده‌ی پد هلیکوپتر؛
  - ۲- احداث ۲۵ پل آرمیکو، پل لوله‌یی در محور لولان، مکتب، گرداشون و سرسپندار؛
  - ۳- احداث و تعمیر ۵۰۸/۹ کیلومتر جاده؛
  - ۴- احداث ۶ سایت موشکی با تاسیسات لازم؛
  - ۵- احداث ۹۴ سنگر اجتماعی از نوع سوله‌یی؛
  - ۶- احداث ۳ واحد بیمارستان صحرایی؛
  - ۷- احداث ۵۹ موضع توپخانه؛
  - ۸- احداث ۱۸ باند هلی کوپتر؛
  - ۹- احداث ۵۷۱ سنگر ماشین و مهمات؛
  - ۱۰- احداث چهار قرارگاه عملیاتی؛
  - ۱۱- احداث حمام صحرایی و توریع حمام تک دوشه‌ی پیش ساخته؛
  - ۱۲- احداث ۸۶۶ سنگر اجتماعی و ۶۷۶ سنگر انفرادی.




**رمز عملیات**   
یا مولای متقیان

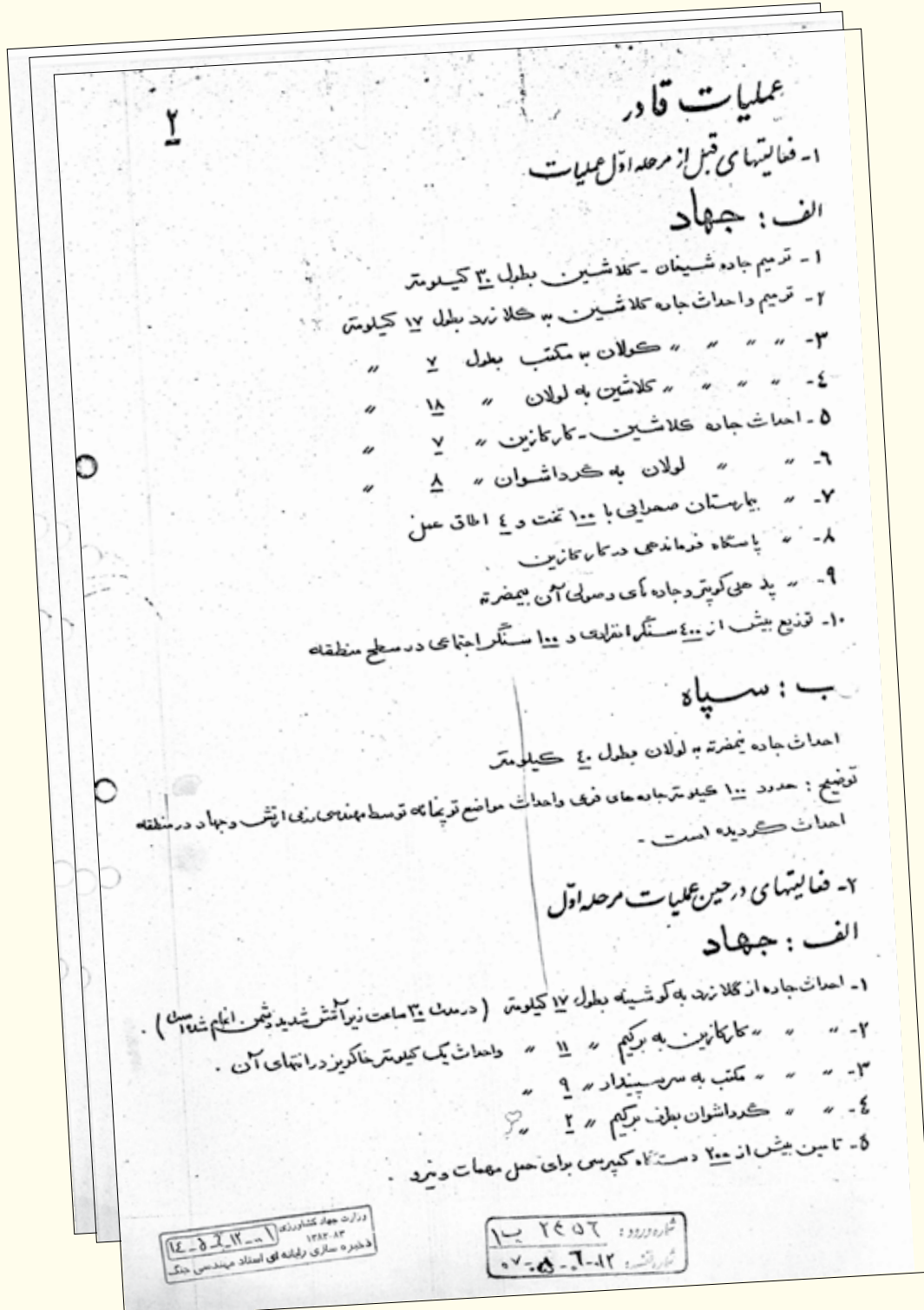
**ساعت شروع عملیات**   
۲ بامداد

**محور عملیات**   
غرب پیرانشهر در ناحیه‌ی کلاشین ( درون خاک عراق ) کلازده

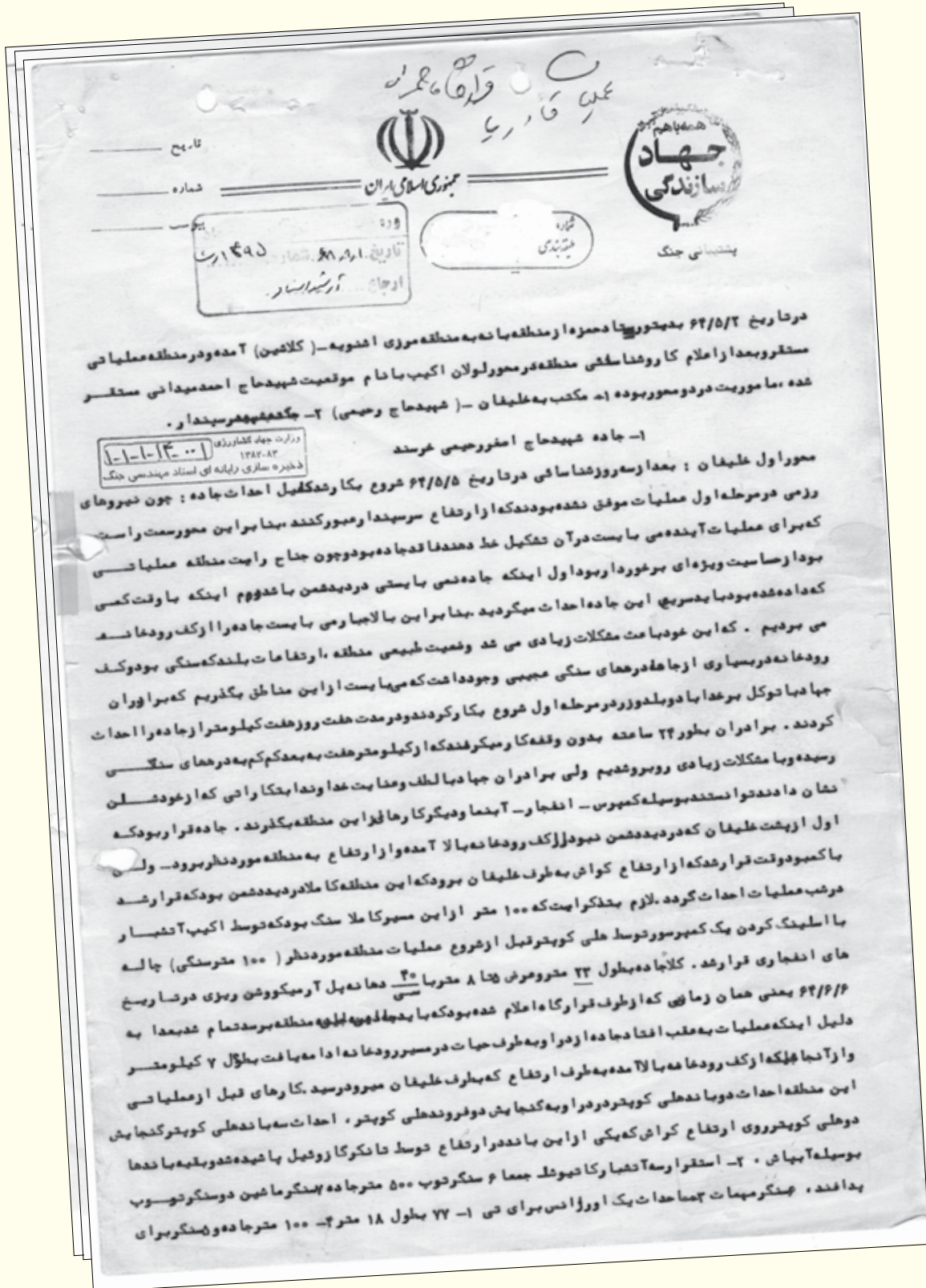
**مناطق آزادشده**   
در این عملیات، ارتفاعات سرسبزستان، پیرکیم، حصار دوست، سرسپندار، کلازده و بربرزین دوست که جمعاً ۴۵۰ کیلومتر مربع بود، آزاد شد.

**تلفات دشمن**   
- صدها تن کشته و مجروح  
- بیش از ۵۰ تن اسیر









گزارش فعالیت‌های عملیاتی جنگ جهانی دوم - سرزمین سرخستان - منطقه ۱ - شهرستان آمل - استان آذربایجان شرقی

ردیف	نام عملیات	محل	تاریخ	مشخصات عملیات			ملاحظات
				نوع	تعداد	نتیجه	
۱	عملیات پاکسازی منطقه ۱	محل ۱	۱۳۰۰	۱۰	موفق	...	
۲	عملیات پاکسازی منطقه ۲	محل ۲	۱۳۰۰	۱۰	موفق	...	
۳	عملیات پاکسازی منطقه ۳	محل ۳	۱۳۰۰	۱۰	موفق	...	
۴	عملیات پاکسازی منطقه ۴	محل ۴	۱۳۰۰	۱۰	موفق	...	
۵	عملیات پاکسازی منطقه ۵	محل ۵	۱۳۰۰	۱۰	موفق	...	
۶	عملیات پاکسازی منطقه ۶	محل ۶	۱۳۰۰	۱۰	موفق	...	
۷	عملیات پاکسازی منطقه ۷	محل ۷	۱۳۰۰	۱۰	موفق	...	
۸	عملیات پاکسازی منطقه ۸	محل ۸	۱۳۰۰	۱۰	موفق	...	
۹	عملیات پاکسازی منطقه ۹	محل ۹	۱۳۰۰	۱۰	موفق	...	
۱۰	عملیات پاکسازی منطقه ۱۰	محل ۱۰	۱۳۰۰	۱۰	موفق	...	

نام عملیات : ...

تاریخ عملیات : ۹۹/۶/۱۸

ساعت شروع عملیات : ۲ بهمداد

محل عملیات : ...

مطابق آراء شده:

ارتباطات سرزمین سرخستان - مهرکوم - جماردوست - سرهنگدار - گلاروده - فروردین روست - ...

چهار ۲۵۰ کیلومتر مربع آزاد شد.

تلفات دشمن:

بدان آن کشته و مجروح - بیش از ۵۰ تن اسیر -

انهدام آکرومان از گردان کماندوی لشکر ۲۲ - بهاء دوم.

ثبت وقایع جنگ جهانی

شماره: ۳۲/۰۱/۵۷۰

تاریخ: ۱۳۰۰/۰۶/۱۸

محل: ...

موضوع: ...



## عملیات قادر به روایت یکی از فرماندهان مهندسی رزمی قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع)



عملیات قادر در منطقه عملیاتی سیدکان بود که برادران جهاد فارس با یک تیم عملیاتی به آن جا اعزام شدند که البته قبل از این به منطقه عمومی بانه اعزام شده بودند، بعد از آن جا دستور دادند به منطقه عملیاتی قادر بروید وقتی به منطقه عملیاتی قادر رفتیم، ما در منطقه عملیاتی لولان مستقر شدیم، ابتدا دوجورکاری ما را توجیه کردند که جاده احداثی بود یک جاده هم از برادران جهاد آذربایجان تحویل گرفتیم که در ارتفاعات سرسپلا بود که یک مقدار از آن را برادران آذربایجان تحویل گرفته بودند و ادامه کار را ما تحویل گرفتیم.

چیزی که حائز اهمیت بود، چون می خواستند نیروهای نظامی، منطقه را دور بزنند و دشمن را به محاصره در بیآورند جاده ای از حاشیه رودخانه و از داخل رودخانه رد می شد و به بالای ارتفاعات می رفت و از آن جا را باید بعد از عملیات کاری کردیم و به خاطر حساسیتی که منطقه و فشار برادران نظامی داشتند کار باید خیلی سریع انجام می شد و برادرها شبانه روز فعالیت می کردند و با این فعالیت چشمگیر توانستند بروی رودخانه ای که جاده از آن عبور می کرد پل های زیادی به فاصله پنجاه متر، پنجاه متر کار بگذارند و چیزی حدود پنجاه لوله آرمیکو و آلکو در این مسیر کار گذاشته شد که این حالت انسجام خیلی خوبی بود، همزمان که جاده جلو می رفت لوله می رسید و هم این که برادرانی که مسئول گذاشتن این لوله ها بودند خیلی خوب کار خودشان را انجام می دادند، لحظه به لحظه این جاده زیر نظر جناب آقای سرهنگ صیاد شیرازی پیگیری می شد، که چیزی حدود دوازده یا پانزده روز طول کشید که این جاده به بالای ارتفاع رسید و محور سرسپلا که مقداری از آن توسط جهاد آذربایجان انجام گرفته بود تعریض و تصحیح و ادامه دادند تا پشت سنگرهای کمین خودمان که خط اول خودمان روی ارتفاعات سرسپلا بود رساندند و بعد از این که جاده تکمیل شد. جهت ادامه جاده از دست راست

متأسفانه تا ساعت ۵ صبح موفق نشدند که راه را باز کنند، سه روز قبل از عملیات هم سه سربازی که در رودخانه بودند فرار کرده بودند و رفته بودند طرف دشمن، همزمان هم جابه جایی توپ خانه ها شد که کشیدند به جلو و مقداری از حرکت نیروهای نظامی برای دشمن لو رفت ولی دلایلی که در آن موقع عملیات را شروع کردند مشخص نبود و این مستلزم این شده بود که نیروهای دشمن که در محور سرسپلا قرار داشتند، پایگاه هایشان را به کلی تخلیه کرده بودند، به غیر از چند نفری که داخل پایگاه گذاشته بودند، ما بقی به اطراف پایگاه به زیر شکاف ها و سنگ ها رفته بودند و پنهان شده بودند، نزدیک به ساعت ۵ صبح بود که خبر دادند که تحت را تصرف کردند، بروید کار کنید که زمانی که ما از سنگر بیرون آمدیم دستگاه را روشن کنیم و ببریم دوباره حجم آتش دشمن زیاد شد و نیروهای برمی گشتند و نیروهای عراقی اجازه داده بودند که ایرانی ها وارد بشوند و به آن ها حمله کرده بودند و این طوری که این ها می خواستند موفق نشدند، از محور سرسپلا کاری نشد انجام دهیم که جاده را به جلو ببریم و به این صورت بود که این محوره شکست برخورد کرد و نیروهایی هم که به زیر ارتفاعات سرسپلا آمده بودند، متأسفانه آرایش صحیحی نداشتند و موفق

محور ما به وسیله هلی کوپتر کمپرس هوا را به یک منطقه مناسب انتقال دادیم و یک تیم چکش کار شروع به مسیری که باید حین عملیات باید کار می کردیم کندن چاله ها کردند و مواد آن را کار گذاشتند که به محض شروع عملیات منفجر کنیم، ما برای مقدمات شناسایی عملیات، چهار مرتبه شناسایی کامل در عملیات داشتیم، یکی از شناسایی ها که حائز اهمیت است در نزدیکی های خود شهر بود، برادر عزیز شهید پرویزی و چند تن دیگر که این شناسایی ۴۸ ساعت طول کشید و این به صورتی بود که به قدری نزدیک رفته بودند که خود روستایی ها مانع این ها شده بودند که بیشتر جلو بروند، شناسایی ما از لحاظ مهندسی کاملاً تکمیل بود و هیچ نقصی برای کار مهندسی نبود، شبی که عملیات شروع شد ما از دو محور وارد کار شدیم که یک محور، محور سرسپلا بود که اول مستلزم به عملیات نظامی بود که آن فاصله که نزدیک به ۲۰۰ متر بود بین خط ما و دشمن که پنج تپه بود، دوتا بی طرف و دو تا دست ما بود وی کی دست دشمن بود، که تیپ دو لشکر ۲۲ نوهه قرار شد کار نظامی را شروع کند و در مراحل اول که می خواستند معابر مین را باز کنند و مقداری برای ما مشخص بکنند که بلدوزرها روی مین نرود، از سر شب که وارد کار شدند



نشندند که هدف‌هایی را که می‌خواستند بگیرند در نتیجه بچه‌های ما از حوالی شب شروع به کار کردند و حدود ۳۰۰ متر جاده را یک تیغه جلو برده بودند که زمانی که مشغول کار بودند به آن‌ها گفته بودند که کار نکنید و عملیات شکست خورده و بچه‌ها هم توقف کرده بودند و یک قسمت دیگر که یک تیم دیگر کار را شروع کرده بودند که در ارتفاعات کار را آغاز کردند و ارتفاعات خلیخان بود، آن قسمت تا فردا صبح شروع به کار کردند و مانع از جلوگیری کار نشدند ولی به هدف خود نرسیده بودند، کار محور سرسپلا ادامه پیدا کرد، در این محور ادامه پیدا کرده بودند، که برادران سپاه حرکتی را داشتند به نام گلاشی که یک مقدار به دشمن ضربه زده بودند ولی در آن جا الحاق نشد، چیزی که در این مقطع حائز اهمیت بود، ارتفاعی به نام دیژدسی که دشمن آن منطقه قبل از عملیات در دست دشمن بود و این منطقه در جایی واقع شده بود که از محورهایی مثل کلاشین و کلازرد به آن جا می‌رفتی یا به طرف محور سرسپندا می‌رفتی، این ارتفاع به گونه‌ای واقع شده بود که ارتفاعات دیگر هم زیر نظرش بود، دشمن هم سرمایه‌گذاری زیادی برای نگهداری این ارتفاع کرده بود. بیان خاطره یکی از خاطرات خوب که در این جا جا دارد یادی هم از شهید بزرگوار امینیان بشود، این بود که یک شب قرار شد قبل از این که عملیات شروع بشود، یک دسته شناسایی که ضربه‌ای هم به دشمن بزند برود و عملیاتی را در ارتفاعات هیژدسی انجام دهند، که در صورتی که موفق می‌شدند که این ارتفاع را کار بکنند و بگیرند و تیم مهندسی را هم آماده کرده بودند که یکسری جاده را به نقطه‌ای که می‌خواهند برسند هم بروند، که شب نیروها آمدند و رفتند که عملیات روی ارتفاعات انجام دهند، متأسفانه هم موفق نشدند که عملیات را انجام دهند زمانی که هنگام صبح برمی‌گشتند و ما از آن‌ها سؤال کردیم که چرا موفق نشدید، می‌گفتند که آن قدر شیب ارتفاع زیاد است که به هیچ عنوان نمی‌شود از این ارتفاع عبور کرد و باید از آن جا چهار دست و پا بالا بروی و ما هم که تجهیزات زیادی داشتیم، دشمن بر روی ما اجرای آتش کردند و با وجود این که اجرای آتش می‌شد دشمن این ارتفاع را خیلی

خوب نگه داشت، چون پی برده بود به وجود این ارتفاع در این منطقه که اگر هر کاری را که بعداً بخواهد انجام بدهد این ارتفاع برای او لازم ضروری است و ما از جاده لولان می‌خواستیم به جاده سرسپنلا برویم که جاده خیلی خوبی هم بود، متأسفانه بیشتر جاهای این جاده در مقابل دید کامل ارتفاع بود، که در روز عملیات دشمن کاملاً به وسیله تانک چند نقطه از جاده را به راحتی بست و یک مقدار تردد را برای ما مشکل کردند که بگذارند نیروهای رزمنده عمل کنند، و دو یا سه مسیر را هم ما در آن جا تغییر دادیم که چون پشتت کاملاً سنگ بود و امکانات هم اجازه نمی‌داد، بخواهی جاده را از جایی ببری که کاملاً سنگ نباشد که طول زمان زیادی هم می‌برد این بود که خود این ارتفاع یک پوئن خیلی خوبی بود برای دشمن که کاملاً از آن استفاده کرد، بعد از عملیات قادر که ناموفق بود چند وقت بعد دشمن به راحتی در روی منطقه کار کرد و همان جاده‌هایی را که ما می‌خواستیم از آن استفاده بکنیم، خودش به راحتی استفاده کرد و تیم منطقه‌ای زیادی به جلو آمد. کارهای شاخص مهندسی در عملیات تنها مطلبی را که می‌توان در مورد کارهای مهندسی جنگ که شاخص بود، همان مقدار کاری بود که قبل از عملیات ما توانستیم انجام دهیم و بعد از آن نتوانستیم هیچ کاری را انجام دهیم، اگر روی این کارها بحث شود که مثلاً حرکت رزمی ما چه گونه بوده و مهندسی که واقعا خیلی خوب پشت سر یگان رزمی جلو می‌رود و به

چه علت که نمی‌توانست از نیروی رزمی استفاده کند، یکی از علت‌های که ما در آن مقطع به آن پی بردیم این بود که متأسفانه نیروهای رزمی در حرکت عملیات که یک عملیات بسیار مهم بود، برادرانی که مسئولیت را در آن موقع به عهده گرفته بودند، هیچ گونه شناسایی نسبت به مسیرها نداشتند و با سیستم نظام مهندسی که قرار بود با آن‌ها کار بکنند بیگانه بودند و نمی‌توانستند در موقعیت مناسب مهندسی برای دسترسی به اهدافشان برنامه ریزی کنند، مثلاً کاری را که از ما زیاد می‌خواستند انجام دهیم به لحاظ این که جاده در دید قرار داشت، از ما می‌خواستند که شما کارهای خودتان را روی زمین بگذارید و برای ما خاکریزی در سرتاسر جاده بزنید یعنی این که اگر ما شش ماه شروع به کار می‌کردیم که می‌خواستیم یک خاکریز بزنیم، که جاده از جلوی دید کنار بیاید کار غیر ممکن نبود ولی خیلی کار می‌برد و آن چیزی بتواند برای آن‌ها مفید باشد و بتوانند از آن استفاده کنند را نداشت و می‌خواستند تأمین داشته باشند که بتوانند از آن جا رد بشوند، اگر مطالعه عملی در این منطقه به نحو احسن بود و عناصری را که در منطقه شناسایی می‌کردند، اگر در مورد شان اطلاعاتی را داشتند که بتوانند از موقعیت مهندسی جهت اهدافشان استفاده بکنند، واقعا آن عملیات پیروز می‌شد ولی ناهماهنگی در بین عملیات مهندسی و عملیات رزم دیده می‌شد، صرفاً عملیات



مقداری از جاده را بزنیم، ولی از آن جایی که دشمن در آن جا خیلی سرسختانه مقاومت می کرد و تا عصر آن روز پایگاه مقابل ما شاهد بودیم که سقوط نکرد و آن روز دستگاه هایمان زیر تیر مستقیم دشمن بودند، عصر بود که به ما دستور دادند که دستگاه هایمان را به عقب بکشیم و این عملیات، عملیات موفقی نبود. ما یکی از راننده بلدوزری وقتی زیر آتش سنگین دشمن مشغول کار بود، بالای دستگاه به سختی از ناحیه پا مجروح شد، طوری که از دستگاه به پایین پرتاب شد، ما تقریباً در ۱۰۰ متری دستگاه بودیم وقتی دیدیم که راننده از دستگاه به پایین پرتاب شد و کسی هم نبود که دستگاه را کنترل کند، دستگاه به سمت پایین بدون سرنشین در حال حرکت بود، یکی دیگر از راننده ها به محض این که این صحنه را دید بلند شد با شتاب خودش را بالای دستگاه رساند و وقتی رسید پشت دستگاه نشست و به ته دره پرتاب شد. راننده هم تا پایین له شد و رفت، آتش شدید و مانعی که به آن برخورد کرده بودیم، امکان این که یک دستگاه یا دو دستگاه را در آن جا به کار ببریم نمی داد، به فکر ما رسید که در نقطه دیگر مشغول به کار بشویم، یکی دیگر از دستگاه هایمان را به شیاری دیگر فرستادیم، بعداً خود راننده می گفت اگر غیر از جبهه اسلام و دستور کسانی که به ولایت دارند من هرگز حاضر نمی شدم که دستگاه را به پایین ببرم و این دستگاه با شیب خیلی تند به پایین رفت که در نقطه مقابل مشغول به کار شود، وقتی به داخل شیار رسید، چنان آتشی بر سر دستگاه و راننده ریخت که ما قید دستگاه و راننده را زدیم، بعد از چند دقیقه دیدیم که دستگاه روشن است و در حال بالا رفتن است و از آن نقطه ای که قرار بود کار انجام بگیرد، مشغول کار بشود، که دیدیم دستگاه به بالا نمی رود و وقتی که به نزدیکی دستگاه رفتیم مشاهده کردیم که به قدری شیب تند و سر بالایی است که دستگاه هر کاری کرد نتوانست بالا برود و آن دستگاه همراه آن دستگاهی که سقوط کرد ته دره ماندند، عصر همان روز بود که به ما دستور دادند که به عقب برگردیم، این کاری بود که ما در عملیات قادر انجام دادیم.

بلدوزر به دره زخمی شدند، بعد از این که عملیات ناموفق شد چندان در منطقه نبودیم و بعد از سه یا چهار روز کار منطقه را تحویل برادران آذربایجان دادیم و به سمت جنوب حرکت کردیم و مأموریت ما هم به اتمام رسید. یک چیزی که در این منطقه حائز اهمیت بود، یکی از شهیدان ما به نام رضا پوست فروش بود که در عملیات والفجر ۸ شهید شد، ما در آن جا نیاز به بلدوزر بیل انگلی داشتیم، به خاطر این که در آن جا کوه بود، چون کم بود این برادر ما چند تا بلدوزر عراقی بود که در عملیات های قبلی سوخته بود که در حصر آبادان و بیت المقدس از دشمن به غنیمت گرفته بودیم، این شهید بزرگوار با یک سری دقت عملی که در روی بلدوزرهای معمولی خودمان کرده بود، موفق شد که بیاید و این بیل ها را جایگزین بیل های ثابت بکند و در عملیات قادر که در چند محور قرار بود کار بکنیم که مشکل انگل و کمبود بلدوزر داشتیم و این ابتکار برادرمان بود که فیلم این برادر هم وجود دارد و در شب عملیات این بیل های عراقی را که به بلدوزرها بسته بودند خیلی کمک به نحوه کار کرد. بیشتر از یک تیم وارد عملیات نکرده بودیم چون که هم در منطقه دشت ذهاب کار می کردیم، هم در منطقه بانه، با یک تیم وارد عملیات قادر شده بودیم و عمده کارمان در حین عملیات بود، که با برادران خراسان به صورت مشترک جاده ای را به نام حصار ص قرار بود بزنیم که وصل به جاده های دشمن بشود، که ما سحرگاه عملیات قبل از روشن شدن هوا در درگیری نیروهای اسلام با نیروهای بعثی بود که ما وارد کار شدیم و این جاده کوهستانی ترین منطقه میانه و صعب العبورترین منطقه بود و ما هم با یک تیم عملیاتی که امکانات ما شامل چهار دستگاه بلدوزر، سه دستگاه لودر و یک دستگاه گریدر بود، وارد عمل شدیم و به خاطر این که امکانات تخریبی نداشتیم، آن کاری که به ما محول بود کار خیلی سخت و به صخره هایی برخورد کردیم و کار به کندی صورت می گرفت و ما با برادرهای خراسان تلاش خودمان را کردیم. از شب عملیات تا بعد از ظهر آن روز زیر شدیدترین آتش دشمن بودیم و تا آن زمان که تشکیلات ما وارد عملیات سنگین و گسترده و وارد آتش دشمن شده بود، توانستیم

مهندسی به این خاطر است که اسم آن همراهش بود و این که ما این نیاز را داریم که از بلدوزر و لودری هم استفاده کنیم این ها به این نحو می خواستند از ما استفاده کنند، حجم آتش دشمن در این عملیات زیاد بود، با هوایمای ملخی وهلی کوپتر زیاد کار می کرد و چند سرباز که خودشان داوطلب شده بودند یک توپ لوله ای را به ارتفاعات سرسپلا برده بودند و در آن جا مستقر کرده بودند که همین رشادت ها و شهامت های آن ها باعث شد که چند تا از هلی کوپترهای دشمن را به زمین بیندازند و تنها چیزی که از این برادران رزمی مشاهده می شد همین فعالیت چند برادر بود که در آن جا توپ پدافندی در آن جا حماسه می ساختند. چند شب که ما خودمان در آن جا کار می کردیم، تحت هیچ عنوان به ما اطلاع نمی دادند که تا چه حد دشمن هست، آن قدر ما شب باید دنبال یک نفر می گشتیم که از او اطلاعاتی بگیریم که مثلاً این بلدوزری که در این جا کار می کند تا کی باید کار کند کسی را پیدا نمی کردیم و همین عدم شناخت منطقه بود که در برنامه عملیات هم تأثیر گذاشت و عاملی شد که عملیات به آن نحوی که باید انجام شود انجام نگیرد، در این عملیات چیزی در حدود یک اکیپ عملیاتی که به آن جا برده بودیم چیزی در حدود یک اکیپ عملیاتی ۶۰ نفر نیروی انسانی داشتیم و با دستگاه هایی که از حمزه به ما داده بودند چیزی در حدود ۱۵ دستگاه لودر بلدوزر بود، ضمن این که ترابری هم نقش خیلی فعالی در حمل و نقل این لوله ها داشت، تلاش برادران راننده هم این بود که ما را در پیشرفت کار دلگرم تر می کردند، جاده ای را که ما در حاشیه رودخانه احداث کردیم به نام یکی از برادران شهید به نام حاج رحیمی خرسند که ایشان پدر دو شهید بودند و سه فرزندشان معلول بودند و ایشان خودش قبل از این که حرکت کنیم به طرف منطقه عشلویه و عملیات قادر در جزیره مینو شهید شده بودند که ایشان هم یک آدم مسنی بودند، یک وجهه خاصی در بین بچه های فارس داشتند، این جاده هم به نام این شهید بزرگوار نام گذاری شد. در طول عملیات شهیدی ندادیم، چند نفر از برادرها زخمی شدند، یکی دوفرد در شب عملیات زخمی شدند و یکی دو نفر هم که در اثر پرتاب شدن

گزارش دفاع پرس از هیئت عزاداری امدادگران دوران دفاع مقدس؛

## با کنترل مسائل بهداشتی، عشق حسین (ع) را فریاد می‌زنیم

رزمندگان هیئت «امدادگران عاشورا» امسال مراسم عزاداری حضرت سیدالشهداء (ع) را با شعار «با کنترل مسائل بهداشتی، عشق حسین را فریاد می‌زنیم» برگزار کرده‌اند تا ان‌شاءالله بتوانیم در کنترل بیماری کرونا نقش داشته باشیم و در عین حال مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان (ع) نیز تعطیل نشود.



گروه حماسه و جهاد دفاع پرس: این‌روزها در دهه اول محرم، بزرگراه سردار سپهید شهید «قاسم سلیمانی» را که به سمت میدان «رسالت» می‌رویم، تابلویی نصب‌شده بر روی یکی از پل‌های عابر پیاده، نظرها را به خود جلب می‌کند که روی آن نوشته شده است: «هیئت امدادگران عاشورا - رزمندگان بهداری دفاع مقدس». سمت راست، پارچه‌های مشکی و پرچم‌های عزاداری که در پیاده‌رو، همانند خیلی از کوچه‌ها و خیابان‌های شهر مشاهده می‌شود و نیز تابلوی «به مجلس عزای امام حسین (ع) خوش آمدید»، حکایت از برگزاری یک مراسم عزاداری به‌مناسبت دهه اول محرم دارد؛ اما از عنوان این هیئت، مشخص است که انگار کمی با دیگر هیئت‌های عزاداری تفاوت دارد؛ بنابراین خبرنگار حماسه و جهاد دفاع پرس، یکی از شب‌های دهه اول محرم را به میان اعضای این هیئت رفته است، تا گوشه‌ای از آنچه در «هیئت امدادگران عاشورا» می‌گذرد را برای مخاطبان، روایت کند.

مقابل در ورودی هیئت، تابلویی به چشم می‌خورد که امسال برای عزاداران تازگی دارد؛ تابلوی «ورود بدون ماسک ممنوع»؛ از سوی دیگر، امسال در لحظه ورود به هیئت، دیگر با چای از عزاداران پذیرایی نمی‌شود، بلکه بسته‌هایی بین آن‌ها توزیع می‌شود که شامل آب معدنی، ماسک، آرمیوه و... است و همچنین، دست‌های عزاداران پیش از ورود، توسط خادمان امام حسین (ع) ضد عفونی می‌شود. این حکایت لحظه ورود به «هیئت امدادگران عاشورا» است، همان چیزی که این‌روزها در همه هیئت‌های مذهبی دیده می‌شود؛ اما آن نکته‌ای که این هیئت را با دیگر هیئت‌های مذهبی متفاوت کرده، حضور امدادگران، پزشکان، پیراپزشکان، پرستاران، راننده‌های آمبولانس و... در یگان‌های ارتش، سپاه، بسیج، جهاد سازندگی است که در دوران دفاع مقدس، در راه نجات جان رزمندگان تلاش می‌کردند و

رزمندگان در آن، در زمینه حمایت و درمان بیماران سرطانی خدمت جهادی می‌کنند. ساختمان موسسه «امدادگران عاشورا» دارای حسینیه است؛ اما امسال به‌دلیل رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی، این هیئت، در بوستانی که جنب ساختمان موسسه واقع است، با شعار «با کنترل مسائل بهداشتی، عشق حسین (ع) را فریاد می‌زنیم» برگزار می‌شود؛ این‌ها را «علی تاج‌الدین» مدیر اجرایی هیئت «امدادگران عاشورا» می‌گوید.

### با کنترل مسائل بهداشتی، عشق حسین (ع) را فریاد می‌زنیم

این رزمنده دوران دفاع مقدس، در حاشیه برگزاری هیئت «امدادگران عاشورا»، در تشریح برنامه‌های این هیئت، با توجه به شرایطی که امسال به‌دلیل شیوع کرونا به‌وجود آمده است، به خبرنگار دفاع پرس گفت: حسینیه هیئت «امدادگران عاشورا» در ایام محرم هر سال و نیز دیگر مناسبت‌ها نظیر ایام فاطمیه (س)، میزبان برگزاری مراسم‌های مذهبی است که امسال نیز اگرچه به‌دلیل شیوع ویروس کرونا، همه فعالیت‌های اجتماعی با محدودیت‌هایی مواجه شد؛ اما با توجه به نیازهای معنوی ملت عاشورایی ایران، هیئت «امدادگران عاشورا» با

امروز نیز بسیاری از آن‌ها، همان کادر درمانی هستند که در مسیر مبارزه با کرونا، مدال «مدافعان سلامت» را بر گردن آویخته‌اند؛ البته هیئت «امدادگران عاشورا» تنها فعالیت این رزمندگان نیست، بلکه این هیئت تنها بخش کوچکی از فعالیت‌های موسسه‌ای است که این

نکته‌ای که این هیئت را با دیگر هیئت‌های مذهبی متفاوت کرده، حضور امدادگران، پزشکان، پیراپزشکان، پرستاران، راننده‌های آمبولانس و... در یگان‌های ارتش، سپاه، بسیج، جهاد سازندگی است که در دوران دفاع مقدس، در راه نجات جان رزمندگان تلاش می‌کردند و امروز نیز بسیاری از آن‌ها، همان کادر درمانی هستند که در مسیر مبارزه با کرونا، مدال «مدافعان سلامت» را بر گردن آویخته‌اند





### نذورات صرف تهیه بسته‌های بهداشتی می‌شوند

موضوع پخش نذورات هم امسال با توجه به شیوع کرونا، در هیئت‌های مذهبی تغییر پیدا کرد، در این زمینه نیز مسئول دریافت نذورات هیئت «امدادگران عاشورا» به خبرنگار دفاع پرس گفت: هزینه‌های هیئت «امدادگران عاشورا» و نذوراتی که در این هیئت توزیع می‌شوند، همگی از سوی رزمندگان و خانواده‌های آن‌ها و نیز دیگر اعضای هیئت تأمین می‌شوند؛ در سال جاری نیز کمک‌های مردمی به هیئت خوب بوده است؛ اما با توجه به شرایط شیوع کرونا، پخت غذا صورت نمی‌گیرد و بیشتر هزینه‌ها در جهت تهیه بسته‌های بهداشتی صرف می‌شود.

### پخش مستقیم مراسم عزاداری را از طریق فضای مجازی

یکی از اقداماتی که امسال به دلیل شیوع بیماری «کرونا» در زمینه برگزاری هیئت‌های مذهبی صورت گرفت، پخش مستقیم مراسم عزاداری هیئت‌های مذهبی در فضای مجازی بود. در این راستا، مسئول فضای مجازی هیئت «امدادگران عاشورا» نیز به خبرنگار دفاع پرس، گفت: با توجه به ابلاغ پروتکل‌های بهداشتی از سوی ستاد ملی مبارزه با کرونا و تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت رعایت این ابلاغیه‌ها توسط هیئت‌های عزاداری، موضوع پخش مستقیم مراسم عزاداری را از طریق فضای مجازی در دستور کار خود قرار داده که پخش مستقیم مراسم عزاداری هیئت به صورت کاملاً رایگان در بستر وب‌گاه «هیئت آنلاین» صورت می‌گیرد.

این رزمنده دوران دفاع مقدس بیان داشت: کاری که امدادگران ما در دوران دفاع مقدس انجام می‌دادند، نمونه آن را در هیچ جنگ دیگر شاهد نبوده‌ایم؛ به این صورت که در نزدیک‌ترین نقطه به خط مقدم نیز امدادگران به درمان مجروحان می‌پرداختند تا رزمنده‌ای که در صحنه جنگ مجروح می‌شد، جان‌ش حفظ شود و آسیب بیشتری نبیند تا این که او را به بیمارستان‌های صحرایی که در ۳۰ کیلومتری خط مقدم قرار داشت، می‌رسانند و سپس برای انجام عمل‌های جراحی بیشتر، به بیمارستان‌های واقع در شهرها منتقل می‌شدند. امدادگرانی که امروز در موسسه «امدادگران عاشورا» فعالیت می‌کنند، تمام تلاش آن‌ها بر این است که مانند دوران دفاع مقدس نگذارند تا بیماری «کرونا» شیوع بیشتری پیدا کنند و در این راستا، تعداد زیادی از این رزمندگان که اغلب در این هیئت نیز حضور دارند، در ستاد ملی مبارزه با کرونا فعالیت می‌کنند.

### اعضای هیئت «امدادگران عاشورا» دفاع مقدس را با تمام وجود لمس کردند

آقای «وطنی شوستری» مسئول پخش نذورات هیئت «امدادگران عاشورا» و از رزمندگان بهداری دوران دفاع مقدس است که به خبرنگار دفاع پرس گفت: اعضای هیئت «امدادگران عاشورا» که همگی دوران دفاع مقدس را با تمام وجود لمس کردند، با توجه به این که همه این افراد در این دوران، در زمینه بهداشت، امداد و درمان خدمت کرده و معیارها و دستورات بهداشتی را آن موقع در سطح مناطق جنگی اجرا می‌کردند، همه این موارد برای آن‌ها تجربه‌ای شده است و امروز از این تجربیات در زمینه مبارزه با کرونا بهره می‌برند.

بهره‌گیری از فرمایشات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، با رعایت تمامی ضرورت‌های بهداشتی، برگزار می‌کند که در این راستا، جمعیتی که هر سال در حسینیه حضور پیدا می‌کردند را به فضای باز جنب حسینیه منتقل کردیم. اگرچه که این کار در دسرها و هزینه‌های خود را داشت؛ ولی به دلیل اهمیت سلامتی مردم و این که بیماری کرونا کنترل شود، باید این کار انجام می‌شد، خصوصاً این که اعضای این هیئت خودشان از پزشکان و امدادگران دوران دفاع مقدس و امروز نیز بسیاری از این افراد از «مدافعان سلامت» هستند که در مسیر سلامتی مردم خدمت می‌کنند.

وی ادامه داد: هیئت «امدادگران عاشورا» برای سلامتی عزاداران حسینیه (ع)، بسته‌ای که شامل ماسک، آب معدنی و... است را تهیه کرده و جلوی در ورودی، به عزاداران اهدا می‌کند، همچنین در همان ابتدای ورود به مراسم، دست تمامی افراد ضدعفونی خواهد شد. از سویی دیگر، توزیع غذایی هم که سال‌های قبل در میان عزاداران پخش می‌شد را حذف کردیم که امیدواریم در سال‌های آینده با ریشه‌کنی این ویروس منحوس، همه این کاستی‌ها را جبران کنیم.

تاج‌الدین تصریح کرد: رزمندگان هیئت «امدادگران عاشورا» امسال مراسم عزاداری حضرت سیدالشهداء (ع) را با شعار «با کنترل مسائل بهداشتی، عشق حسین را فریاد می‌زنیم» برگزار کرده‌اند تا ان‌شاءالله بتوانیم در کنترل بیماری کرونا نقش داشته باشیم و در عین حال مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان (ع) نیز تعطیل نشود؛ بنابراین پارک جنب ساختمان موسسه «امدادگران عاشورا» را به این موضوع اختصاص دادیم.



## رسیدگی به پرونده‌ها و پذیرش جهادگران در مراکز بهداری سپاه گیلان در اولویت برنامه‌های ما قرار دارد

مرزبند مسئول امور ایثارگران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان گیلان ضمن خیر مقدم و تقدیر و تشکر از خدمات ارائه شده توسط سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان به ایثارگران و ارائه توضیحاتی در خصوص چگونگی رسیدگی به پرونده‌های پاسداران انقلاب اسلامی در خصوص اعمال ماده ۸۷، گفت: به منظور تسریع در رسیدگی به پرونده‌های جهادگران و پذیرش متقاضیان فاقد مدارک بالینی، آمادگی همه جانبه خود را اعلام می‌کنیم و رسیدگی به پرونده‌های جهادگران و پذیرش این عزیزان در بهداری سپاه پاسداران مستقر در استان گیلان در اولویت برنامه‌های ما قرار دارد.

وی در ادامه اعلام آمادگی سپاه استان گیلان را جهت پذیرش پرونده‌های معسرین طبق طرح ۱۵ رمضان اعلام نمود. سیروس رجبی در ادامه سفر یک روزه خود به استان گیلان، در نشست دیگری با معاونت توسعه مدیریت و منابع سازمان جهاد کشاورزی این استان، ضمن تشریح فعالیت‌های اداره کل ایثارگران در راستای خدمات‌رسانی مطلوب به جهادگران ۸ سال دفاع مقدس خواستار همکاری جدی برای اجرایی کردن ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه برای جهادگران فاقدین مدرک بالینی شد.

امیر جانبازی معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان و عضو کمیسیون امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی گیلان، ضمن خیر مقدم و تشکر از حضور همکاران اداره کل امور ایثارگران در این سازمان، افزود: از هیچ تلاش و کوششی در خصوص اجرایی شدن ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه در این استان دریغ نخواهیم کرد.

وی ضمن استقبال از مصوبات جلسه مشترک با امور ایثارگران سپاه، تصریح کرد: در اولین فرصت با سردار عبدالله پور فرمانده سپاه قدس استان گیلان دیدار و گزارشی از خدمات ارائه شده به ایثارگران توسط سازمان جهاد کشاورزی استان ارائه خواهد شد.



توسط نیروهای مهندسی رزمی جنگ جهاد استان گیلان گفت: جهاد سازندگی به عنوان نهادی مردمی و انقلابی خدمات ارزنده‌ای را در دوران هشت سال دفاع مقدس از خود به یادگار گذاشته است و خدمت‌رسانی به ایثارگران و رزمندگان جهادگر همچون سایر نیروهای مسلح، از وظایف همه ماست.

در ادامه سیروس رجبی رئیس اداره رفاه و تعاون اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی ضمن تشریح قوانین و مقررات از جمله مصوبه و ابلاغیه ستاد کل نیروهای مسلح در خصوص رسیدگی به سوابق متقاضیان مجروحیت فاقد مدارک بالینی طبق ماده ۸۷، خواستار همکاری بیشتر امور ایثارگران سپاه و اداره کل امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان شد.

محمد رضا رجبی رئیس اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان نیز ضمن اشاره به اقدامات انجام شده در خصوص جمع‌آوری و رسیدگی به پرونده‌های متقاضیان مجروحیت و تشریح مشکلات و موانع جاری، خواستار همکاری مراکز درمانی مورد تایید کمیسیون عالی پزشکی سپاه به منظور معرفی متقاضیان به این مراکز را شدند. در بخش دیگری از این نشست، سرهنگ

سیروس رجبی رئیس اداره تعاون و رفاه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، ضمن سفر به استان گیلان با فرماندهان سپاه این استان و مسئولین سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، سیروس رجبی رئیس اداره تعاون و رفاه این اداره کل ضمن سفر به استان گیلان با امیر جانبازی معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان جهاد کشاورزی و محمد رضا رجبی رئیس اداره امور ایثارگران این سازمان، سرهنگ مرزبند مسئول امور ایثارگران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان گیلان و سرهنگ رفیعی مشاور عالی فرماندهی سپاه قدس استان گیلان دیدار و در خصوص آخرین وضعیت و چگونگی همکاری‌های بین سپاه، بسیج و سازمان جهاد کشاورزی استان گیلان گفتگو و تبادل نظر شد.

در این نشست که به منظور تعیین تکلیف پرونده‌های متقاضیان استفاده از بند الف ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه (مجروحین فاقد مدارک بالینی) در استان گیلان تشکیل شده بود، سرهنگ رفیعی ضمن تقدیر از زحمات سنگرسازان بی‌سنگر و خدمات ارائه شده



## «جهاد» یکی از ارکان دفاع مقدس و همتراز با یگان‌های نظامی است

نیرو به جبهه‌های جنگ تحمیلی، تقدیم ۳۳۹۶ شهید، ۲۳۹۱۳ جانباز و بیش از ۱۲۰۰ آزاده، یکی از سه رکن جنگ تحمیلی بوده است و بر این اساس لازم است تا نگاه به مجموعه وزارت جهاد کشاورزی در حوزه ایثارگری نیز باید با سایر نهادها و ارگان‌های دولتی متفاوت باشد.

در ادامه این نشست محمد سراج جانشین سازمان پیشکسوتان جهاد و مقاومت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با نقل خاطره‌ای از نقش جهاد سازندگی در پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات کربلای ۱ گفت: به واسطه نقش بارز و تعیین‌کننده نیروهای پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در پیروزی رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس، ما جهاد را به عنوان یکی از ارکان جنگ و نقش آن را همتراز با یگان‌های نظامی و عملیاتی می‌دانیم که قانون همترازی فرماندهان جهادگر نیز بر این مبنا تصویب و اجرایی شده است.

وی در پایان سخنان خود، ضمن تشکر از گزارش ارائه شده از فعالیت‌های اداره کل امور ایثارگران افزود: بحمدالله مجموعه امور ایثارگران در وزارت جهاد کشاورزی در حوزه شرح وظایف خود، اقدامات شاخص و مطلوبی داشته است و همچون دوران دفاع مقدس پیش‌تاز است و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.



این اداره کل به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس دچار تغییرات شکلی و ماهوی شده است و برنامه‌های ما صرفاً به صورت تولید و نشر محتوا در رسانه‌های عمومی و مجازی یا توزیع محصولات فرهنگی خواهد بود.

سپس عبدالله فاتحی معاون برنامه‌ریزی تعاون و بودجه اداره کل امور ایثارگران نیز با اشاره به سوابق حضور جهاد سازندگی در عرصه محرومیت‌زدایی قبل از شروع جنگ تحمیلی، مهندسی جنگ در دوران دفاع مقدس و بازسازی کشور پس از پایان جنگ تحمیلی گفت: جهاد سازندگی به عنوان نهادی برآمده از اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، با اعزام بیش از ۵۴۰ هزار

نشست مشترک سازمان پیشکسوتان جهاد و مقاومت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این نشست که آقایان محمد سراج و غفوری از سازمان پیشکسوتان جهاد و مقاومت و صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی، عبدالله فاتحی معاون برنامه‌ریزی بودجه و تعاون و بتول صالحی رئیس اداره مشاوره و امور اجتماعی اداره کل امور ایثارگران حضور داشتند، چگونگی تجلیل از رزمندگان شاغل و بازنشسته وزارت جهاد کشاورزی در هفته دفاع مقدس مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در ابتدای این نشست صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، گزارشی از اهم اقدامات صورت گرفته در حوزه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و همچنین برنامه‌های جاری و آتی این اداره کل ارائه داد.

وی با اشاره به نقش جهاد سازندگی در دوران جنگ تحمیلی و ضرورت تبیین و تشریح آن اقدامات و ابتکارات برای نسل جدید افزود: با توجه به محدودیت‌های ایجاد شده به دلیل شیوع ویروس کرونا، برخی از برنامه‌های عمومی و حضوری



## پیام تسلیت وزیر جهاد کشاورزی به مناسبت درگذشت جهادگر جانباز علیرضا زواره

وزیر جهاد کشاورزی در پیامی، درگذشت جهادگر جانباز حاج علیرضا زواره (فرمانده گردان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی استان تهران در دوران دفاع مقدس) را تسلیت گفت. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران به نقل از پایگاه اطلاع رسانی وزارت جهاد کشاورزی، در بخشی از پیام دکتر کاظم خاوازی وزیر جهاد کشاورزی آمده است: خبر درگذشت جهادگر جانباز حاج علیرضا زواره (فرمانده گردان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی استان تهران در دوران دفاع مقدس) موجب تأثر و تأسف گردید. اینجانب مصیبت وارده به خانواده محترم و هم‌زمان جهادگرش تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نمایم.



## پیام تسلیت مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران به مناسبت درگذشت دکتر حاج علیرضا زواره

برجسته آنها را در آن جهان می‌بینند؛ و می‌دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت. (سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۷۰)

بار دیگر جهادگری مخلص و متعهد، جانبازی صبور و شکور بال در بال ملائک گشود و به دوستان شهیدش ملحق شد و بازماندگان از قافله شهدا را در غم فراقی و صفناپذیر گذاشت. جهادگر فقید زنده یاد دکتر حاج علیرضا زواره فرمانده گردان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهادسازندگی استان تهران در دوران دفاع مقدس، پس از تحمل سال‌ها فراق یاران و درد و رنج ناشی از مجروحیت دوران دفاع مقدس، به وصال دوستان شهیدش همچون سردار جهادگر شهید حجت ملاآقایی نائل آمد.

روحیه جهادی و احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی آن مرحوم در حوزه ترویج فرهنگ ایثار و مجاهدت، از او انسانی دغدغه‌مند، متعهد و تلاشگر در حوزه‌های مرتبط با تولید و نشر محتوای فرهنگی ساخته بود و حضور اثرگذار و خدمات وی در شرکت‌های وابسته با ایثارگران جهادگر یا هیات امنای کانون سنگرسازان بی‌سنگر، فراموش نشدنی و ماندگار خواهد بود.

اینجانب به نمایندگی از خانواده بزرگ ایثارگران پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد، مصیب هجران این فرمانده جهادگر را به خانواده بزرگوار وی و عموم هم‌زمانش تسلیت عرض نموده و از درگاه حضرت پروردگار برای آن فقید سعید، علو درجات و همنشینی با شهدا و صالحین و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت دارم.



در پی درگذشت جهادگر فقید زنده یاد دکتر حاج علیرضا زواره (فرمانده گردان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی استان تهران در دوران دفاع مقدس) مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران پیام تسلیتی صادر کرد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، متن این پیام بدین شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ  
آنها بخاطر نعمت‌های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند؛ و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند [= مجاهدان و شهدای آینده]، خوشوقتند؛ (زیرا مقامات

سید حمزه رضوی  
مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران



## پیام وزیر جهاد کشاورزی به مناسبت سی‌امین سالگرد بازگشت آزادگان سرافراز به میهن اسلامی

اطلاع‌رسانی وزارت جهاد کشاورزی، متن پیام دکتر کاظم خاوازی وزیر جهاد کشاورزی به شرح زیر است:  
اسرا در چنگال دژخیمان خود سرود آزادی‌اند و احرار جهان آنان را زمزمه می‌کنند. امام خمینی(ره)  
بیست و ششم مردادماه، یادآور حدیث فتح و حکایت ظفر جمعی از بهترین فرزندان امت پیامبر(ص) است که با تکیه بر استقامت، صبوری و شکوری، بر مناره‌های مرتفع ایمان و اقتدار سرود آزادگی، عاشقی و دلدادگی سر دادند.  
عزیزان سرافرازی که با تأسی بر سیره عملی امام زین‌العابدین (ع)، امام موسی بن جعفر (ع) و حضرت زینب (س)، نماد پایداری و مقاومت در عصر حاضر شدند و شیوه نوینی از مجاهدت را تعبیر و تفسیر کردند و نهایتاً با دلی سربلند و سری پرامید، به آغوش میهن اسلامی بازگشتند.  
اینجانب در سی‌امین سالگرد بازگشت آزادگان به میهن اسلامی و چهلمین سالگرد دفاع مقدس ملت ایران، ضمن عرض ارادت به پیشگاه مقدس بزرگ پیشوایان آزادگی و امیران قافله صبر و استقامت - حضرات معصومین (علیهم السلام)، مجاهدت و ایثار بیش از ۱۲۰۰ آزاده جهادگر را پاس داشته و یاد و خاطره شهدای آزاده را نیز گرامی می‌دارم.



وزیر جهاد کشاورزی با صدور پیامی به مناسبت سی‌امین سالگرد بازگشت آزادگان سرافراز به میهن اسلامی، اعلام کرد: مجاهدت و ایثار بیش از ۱۲۰۰ آزاده جهادگر را پاس داشته و یاد و خاطره شهدای آزاده را نیز گرامی می‌دارم.  
به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران به نقل از پایگاه

## آزادگان سندی بر مظلومیت و حقانیت ملت ما در دوران هشت سال دفاع مقدس هستند

ایثارگران در این اداره کل، افزود: حضور فرزندان ایثارگران در این مجموعه می‌تواند ضمن تقویت فرهنگ جهادی در این مجموعه، بر بهبود خدمت‌رسانی به جامعه هدف نیز موثر باشد.  
در ادامه این نشست صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران گفت: آزادگان ما شهدای زنده و در عین حال مظلوم و رنج کشیده‌ای هستند که سال‌ها در بند رژیم بعث عراق، سختی و رنج توأم با صبر و استقامت را تحمل کرده‌اند.  
وی افزود: آنگونه که در خاطرات این عزیزان نیز تصریح شده است، آزادگان ما در اردوگاه‌های رژیم بعث عراق، با تکیه بر ایمان، اراده و عزم آهنین خود، دشمن بعثی را به اسارت گرفته بودند.  
در بخش پایانی از این نشست، به رسم یادبود هدایایی از طرف همکاران و همچنین اداره کل امور ایثارگران به سرکار خانم حیدری اهدا شد.



همکاران این اداره کل نیز حضور داشتند، سید حمزه رضوی با اشاره سی‌امین سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی گفت: آزادگان سندی بر مظلومیت و حقانیت ملت ما در دوران هشت سال دفاع مقدس هستند.  
مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران ضمن ابراز خرسندی از حضور فرزندان شهدا و

به مناسبت ۲۶ مردادماه سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، در نشستی با حضور سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران، از سرکار خانم حیدری فرزند آزاده جانباز جهادگر مرحوم قاسم حیدری تجلیل و تقدیر شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این مراسم که

## قدردانی و تجلیل از آزادگان، جبران حتی یک لحظه از مصائب و مشکلات آنها نیست

ایشان تجلیل و قدردانی نمودند. در ابتدای این دیدارها صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران ضمن اشاره به صبر، امیدواری و استقامت آزادگان و جانبازان و همچنین همدلی، ایمان و همراهی خانواده‌های آنان، قدرشناسی از خودگذشتگی و جانفشانی ایثارگران را وظیفه همه آحاد جامعه خصوصاً مسئولین دانست و گفت: امنیت، آرامش و آسایش امروز جامعه ما، نتیجه تحمل آن حجم عظیم از فشار و سختی‌ها توسط شما بزرگواران است.

وی افزود: همه این قدردانی‌ها و تجلیل‌ها به ایثار شما، جبران حتی یک لحظه از آن مصائب و مشکلات تان در دوران اسارت نیست و قطعاً این صبوری و استقامت شما مأجور و پاداشش در نزد حضرت حق محفوظ است.

در ادامه این دیدارها، روسای ادارات برنامه‌ریزی بودجه و رفاه و تعاون اداره کل امور ایثارگران نیز طی سخنانی ضمن تجلیل از مقام شامخ آزادگان، برای ایشان آرزوی توفیق، سعادت و سلامتی نمودند.

در بخش پایانی این دیدارها، آزادگان سرافراز رضی برای (رئیس اداره بازنشستگی اداره کل اموراداری)، رضا بیادی (کارشناس مسئول دفتر امور بین الملل و سازمان‌های تخصصی) و ولی الله داستانی (کارشناس دفتر برنامه و بودجه) ضمن تشکر از حضور مسئولین اداره کل امور ایثارگران، خاطراتی را از دوران اسارت خود بیان نمودند و در پایان نیز از این عزیزان تقدیر و تجلیل به عمل آمد.



به مناسبت ۲۶ مرداد، سی‌امین سالگرد ورود آزادگان سرافراز به میهن اسلامی، از همکاران آزاده شاغل در ستاد وزارت جهاد کشاورزی تجلیل شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این دیدارها صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی، امیر بهزاد نیشابوری رئیس اداره برنامه ریزی بودجه و سیروس رجبی رئیس اداره رفاه و تعاون، ضمن حضور در محل کار این عزیزان در اداره کل امور اداری، دفتر امور بین الملل و دفتر برنامه و بودجه از استقامت، صبوری و پایداری

## مجاهدت امروز همه‌ی ما، خدمت خالصانه‌ی به مردم است



تحقق بهتر اهداف سازمانی، گام‌های موثر و ماندگاری برداشت. در بخش دیگری از این نشست سایر اعضا و مدعوین نیز در خصوص هماهنگی بیشتر فرزندان شاهد شاغل در مجموعه وزارت جهاد کشاورزی و بهره‌گیری از این پتانسیل در راستای اجرای بهتر شرح وظایف و برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی، بحث و تبادل نظر کردند.

نشست جمعی از فرزندان شاهد شاغل در ستاد وزارت جهاد کشاورزی با حضور سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، سید حمزه رضوی در این نشست ضمن گرامیداشت هفته دولت و تسلیت فرارسیدن ایام شهادت سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) گفت: ترویج روحیه ایثار و فداکاری در حوزه خدمت‌رسانی به مردم برخاسته از فرهنگ جهادی است.

وی با اشاره به لزوم تقویت این تفکر در جامعه افزود: در چهلمین سالگرد دفاع مقدس، وظیفه ما به عنوان وارثان شهدا، ترویج این روحیه و فرهنگ در بدنه اداری است.

رضوی تصریح کرد: مجاهدت امروز همه ما صرفاً خدمت خالصانه به مردم در همان حوزه اختیارات و شرح وظایف محل خدمت مان است.

در ادامه از این نشست، حجت ترشیزی مدیرکل امور اداری وزارت جهاد کشاورزی با اشاره به حضور ۲۸۲۹ نفر از فرزندان شاهد به عنوان کارمند وزارت جهاد کشاورزی در کل کشور گفت: با بهره‌گیری بهتر و بیشتر از این ظرفیت و پتانسیل، می‌توان در راستای



## نوزدهمین نشست «کارگروه شمالغرب» برگزار شد



دوله تو منتقل شده بودند و یا به شهادت رسیدند. شمس در ادامه سخنان خود، به اهتمام جدی در استمرار برگزاری جلسات کارگروه شمالغرب اشاره کرد و مرور مصوبات گذشته و جمع بندی آن‌ها را موجب اقدامات آتی کارگروه شمالغرب دانست.

سپس بزرگی از دیگر اعضای کارگروه شمالغرب ضمن تاکید بر برگزاری منظم جلسات کارگروه شمالغرب، از تشکیل نشست‌هایی با حضور سردار مصطفی ایزدی و سردار حسین دقیقی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران با موضوع بررسی فعالیت‌های جهاد سازندگی در منطقه کردستان خبر داد.

در ادامه این جلسه، عبدالله عظیمی با اشاره به اهمیت تدوین کتاب اطلس پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی در شمالغرب گفت: این موضوع، اقدام بزرگی در معرفی خدمات و اقدامات نیروهای جهاد سازندگی در منطقه شمالغرب است.

وی افزود: نگارش اطلس نظامی با اطلس مهندسی متفاوت است. زیرا اطلس مهندسی رزمی، اقدامات را با جزئیات و دقت بیشتری بررسی می‌کند. در ابتدای این نشست، به مناسبت سی‌امین سالروز ورود آزادگان به مهین اسلامی، کلیپی از خاطرات آزاده جانباز جهادگر مرحوم صدرالله نوری که سال‌ها در زندان ضد انقلاب در کردستان به اسارت گرفته شده بود پخش شد.

نوزدهمین نشست کارگروه شمالغرب با حضور اعضای کانون همیاران جهاد کردستان در سالن جلسات جهادگر شهید کسایی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران ضمن اشاره به اتمام تدوین کتاب ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در منطقه شمالغرب (فرارگاه نجف) گفت: تدوین این کتاب از مصوبات قبلی این کارگروه بوده و توسط برادر بزرگوار حاج محمد علی حیدری دلگرم انجام شده است و در حال حاضر مراحل بررسی، بازخوانی و تکمیل تصاویر و اسناد آن در دست اقدام است.

وی با اشاره به اینکه این کتاب در خصوص دو سال اول جنگ تحمیلی است افزود: در صورت طی مراحل مذکور، این کتاب در هفته دفاع مقدس به صورت مجازی رونمایی خواهد شد.

در ادامه این نشست آقای شمس به مشکلات ایثارگران جهادگر اعزامی به مناطق کردستان اشاره کرد و گفت: بر اساس مصوبه ۲۷۲۷ ستاد کل نیروهای مسلح بخشی از مناطق کردستان جز مناطق جنگی محسوب نمی‌شود و صرفاً مناطق نوار مرزی مثل: کامیاران، بانه و چند شهر دیگر جز مناطق جنگی محسوب می‌شود.

وی افزود: این در صورتی است که برخی از نیروهای جهاد سازندگی توسط ضد انقلاب در شهرهایی همچون سنندج دستگیر و به زندان



## نقش جهاد به عنوان رکن سوم جنگ، نباید دستخوش تحریف و فراموشی قرار بگیرد



این کار به درستی انجام شود. چنانچه می‌بینیم امروز دفاع مقدس به فرهنگ مقاومت تبدیل شده و جوان امروز در میدان مقاومت حضور پیدا می‌کند.

در این نشست صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران، ضمن اشاره به تلاش دشمنان برای تحریف تاریخ دفاع مقدس، آشنایی اقشار مختلف جامعه خصوصاً جوانان و نوجوانان را با ابعاد مختلف جنگ تحمیلی را لازم و ضروری دانست. صدقگو افزود: سخنان امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه «نقش جهاد در جنگ کمتر از نیروهای نظامی نبوده و نیست» و اینکه «ترسیم این نقش در قالب الفاظ نمی‌گنجد» نشان دهنده جایگاه والای سنگرسازان بی سنگر است.

وی بر ضرورت تشریح اقدامات و خدمات جهادگران در این دوره‌های آموزشی تاکید کرد و گفت: نقش موثر و ماندگار جهاد به عنوان رکن سوم جنگ، نباید دستخوش تحریف و فراموشی قرار بگیرد.



نشست «آموزش مجازی و آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس ویژه کارکنان دولت» با حضور مشاوران وزرا در امور ایثارگران، مدیران کل آموزش وزارتخانه‌ها، معاون آموزش و تربیت ارتش، رئیس حفظ آثار سپاه پاسداران و مدیران بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این نشست که جمعی از مدیران استانی نیز به صورت ویدئو کنفرانس حضور داشتند، امیر «حمیدرضا گرامی» مسوول سازمان آموزش و پژوهش‌های دفاع مقدس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در نشست «آموزش مجازی و آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس ویژه کارکنان دولت» درباره برخی فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه آموزشی دفاع مقدس توضیح داده و اظهار داشت: در بخش آموزش و پژوهش فعالیت‌های خوبی انجام شده است. ما یک هزار و ۶۰۰ استاد برای دروس دفاع مقدس داریم که در دانشگاه‌های سراسر کشور دو واحد درسی «آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس» را با اصول و روش‌های دانشگاه تدریس می‌کنند که مصوبات آن در شورای انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده و موضوعاتش تدوین شده است.

وی به هدف برگزاری نشست فوق اشاره کرد و گفت: دلیل دعوت از نمایندگان وزارتخانه‌ها این است که از آموزش مبانی دفاع مقدس پشتیبانی کرده و به کارکنان خود نیز آموزش دهند. این کار به صورت پایلوت برای بیش از ۴۰۰ کارمند انجام شده است.

گرامی افزود: آمادگی داریم این آموزش‌ها را به صورت الکترونیکی برگزار کنیم. در وزارت آموزش و پرورش کار آموزش را با تعدادی از معلمان آغاز کرده و درخواست داریم در راستای تاکید رهبر معظم انقلاب اسلامی برای انتقال فرهنگ دفاع مقدس به نسل‌های آینده،



## تا رسیدن به وضعیت پایدار و مطلوب، فاصله زیادی داریم



خدمات و اقدامات پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد موثر و ماندگار خواهد بود.

در ادامه دکتر علی اکبر مویدی رئیس موسسه آموزش و ترویج کشاورزی نیز ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای جهاد کشاورزی، گزارشی از فعالیتهای ترویجی و آموزشی این موسسه در شبکه‌های سراسری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ارائه داد و آمادگی این مجموعه را در زمینه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت اعلام نمود.

در بخش پایانی این نشست، صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی این اداره کل، زمینه‌های همکاری مشترک بین اداره کل امور ایثارگران و موسسه آموزش و ترویج کشاورزی خصوصاً در حوزه تولید و پخش محتوای صوتی و تصویری را تشریح کرد.

نشست مشترک سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی با علی اکبر مویدی رئیس موسسه آموزش و ترویج کشاورزی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در ابتدای این نشست سید حمزه رضوی گزارشی از فعالیتهای و اقدامات اداره کل امور ایثارگران ارائه کرد و گفت: همکاران ما در اداره کل و همچنین مدیران سابق در دوره‌های گذشته زحمات زیادی حوزه در خدمت رسانی به ایثارگران متحمل شده اند اما به دلیل گستردگی و پراکندگی جامعه هدف، تا رسیدن به وضعیت پایدار و مطلوب فاصله زیادی داریم و نیازمند روحیه و همت جهادی است که بحمدالله در همکاران ما وجود دارد.

وی موضوع اشتغال و مسکن خانواده‌های شهدا و ایثارگران همچنین مشکلات معیشتی برخی از رزمندگان جهادگر را مهمترین معضل جاری آنان دانست و به برنامه ریزی برای تشکیل کارگروه‌هایی برای استفاده از ظرفیتهای داخلی، پتانسیلهای غیر دولتی و تشکلهای مردم نهاد به منظور توانمندسازی خانواده ایثارگران و پایدار سازی اوضاع اقتصادی و معیشتی آنان اشاره کرد و افزود: در حوزه اشتغالی صرفاً نمی توان به منابع دولتی متکی بود و در این حوزه باید بسترهای جدیدی را ایجاد نمود.

مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران در ادامه سخنان خود به پیشینه فعالیت‌های گروه تلویزیونی جهاد و استمرار آن در قالب ستاد ملی رسانه وزارت جهاد کشاورزی اشاره کرد و گفت: رویکرد جدید حوزه فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران، بهره گیری از ابزارها و تکنولوژی‌های رسانه‌ای است که تجربه، توانمندی و تخصص این مجموعه در معرفی

## ۱۱۰ پرونده از متقاضیان ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه بررسی شد



استان آذربایجان شرقی ضمن معرفی رییس جدید اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی این استان، بر همکاری و هماهنگی با سپاه استان در زمینه تکمیل پرونده‌ها جهت ارسال به کمیسیون عالی پزشکی تاکید کرد.

شیخ زاده رییس جدید اداره امور ایثارگران این استان نیز ضمن ابراز خرسندی از توفیق خدمت رسانی به جامعه ایثارگری، گفت: از تمام توانایی و ظرفیتهای موجود در جهت حل مشکلات ایثارگران و ارتقای فرهنگ ایثار و شهادت استفاده خواهد نمود.

نشست مشترک رئیس اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان شرقی با رئیس اداره تعاون و رفاه اداره کل امور ایثارگران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این نشست که در خصوص بررسی و رسیدگی به سوابق متقاضیان فاقدین مدارک بالینی بر اساس ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه و با حضور حسین مردانلو مدیرعامل کانون سنگرسازان بی سنگر استان آذربایجان غربی و کارشناس امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی این استان و ضیغمی کارشناس امور مجروحین اداره کل امور ایثارگران تشکیل شده بود، به تعداد ۱۱۰ فقره از پرونده‌های مشمولین این بند از قانون برنامه ششم توسعه رسیدگی شد. سیروس رجبی رییس اداره تعاون و رفاه در این نشست، ضمن تقدیر و تشکر از عملکرد مثبت اداره امور ایثارگران استان آذربایجان شرقی، گفت: رسیدگی به سوابق و پرونده متقاضیان فاقد مدارک بالینی در اولویت برنامه‌های این اداره تعاون قرار گرفته است. در این دیدار ضمن طرح مسائل و مشکلات ایثارگران استان در حوزه تعاون و رفاه، مقرر شد تا همکاران اداره امور ایثارگران این استان جهت تکمیل مدارک بالینی و به روز آوری مستندات لازم، هماهنگی لازم را با اداره بهداری سپاه استان داشته باشند.

در ادامه این نشست، مردانلو مدیرعامل کانون سنگرسازان بی سنگر

## شرایط بازدید از یادمان‌های دفاع مقدس در ایام شیوع کرونا اعلام شد



به دلیل شیوع ویروس کرونا کم شده است، زمان مناسبی برای تکمیل طرح‌های عمرانی و توسعه راه‌های مواصلاتی و منتهی به یادمان‌های شهدا و مناطق عملیاتی دفاع مقدس می باشد.

وی افزود: در صورت طولانی شدن این بیماری، باید برنامه ریزی و تمهیدات لازم برای حضور کاروان‌های راهیان نور در مناطق عملیاتی هشت سال دفاع مقدس صورت پذیرد.

رئیس ستاد مرکزی راهیان نور کشور با تقدیر از عملکرد موسسات مردم نهاد در حرکت عظیم راهیان نور، بر ثبت رسمی فعالیت این موسسات تاکید کرد و افزود: باید با تقویت موسسات مردم نهاد فعال در حوزه راهیان نور از این بخش اثر گذار مردمی حمایت‌های لازم صورت گیرد.

رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس خاطر نشان کرد: باید نظارت لازم بر تولیدات و محصولات فرهنگی و رسانه ای حوزه دفاع مقدس و راهیان نور به ویژه فیلم و کتاب با جدیت بیشتری صورت گیرد تا شاهد ارتقاء سطح کمی و کیفی این بخش مهم و حساس باشیم.

نشست ماهانه شورای سیاستگذاری راهیان نور کشور به ریاست سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر رئیس ستاد مرکزی راهیان نور کشور و با حضور سردار علی فضلی و فرماندهان قرارگاه‌های راهیان نور و نمایندگان تام الاختیار دستگاه‌های کشوری و لشکری از جمله سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی این اداره کل با دستور جلسه گزارش عملکرد موسسات مردم نهاد راهیان نور در موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در ابتدای این نشست رئیس ستاد مرکزی راهیان نور کشور با گرامیداشت سالروز ورود آزادگان سرافراز به میهن اسلامی و آزادسازی شهر مقاوم پاوه و یاد و خاطره شهدای والامقام این حماسه بزرگ گفت: در آستانه ماه محرم الحرام آرزوی توفیق بهره ی لازم از ایام عزای حضرت اباعبدالله حسین علیه السلام را که به فرموده امام راحل ماه پیروزی خون بر شمشیر است را داریم.

وی افزود: موفقیت‌هایی که در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به دست آمده است مرهون محرم و صفر است.

رئیس ستاد مرکزی راهیان نور کشور با بیان اینکه به دلیل شیوع بیماری کرونا برنامه‌های راهیان نور فقط در حوزه اعزام کاروان‌های راهیان نور متوقف شده است، افزود: یادمان‌های دفاع مقدس با رعایت نکات بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی و بدون امکان اسکان شبانه و برنامه‌های جمعی، برای بازدید عموم مردم فعال است.

سردار کارگر گفت: در شرایط موجود که حجم برنامه‌های راهیان نور

## مفهوم «جهاد» محور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است

ایثار و مجاهدت جهادگران را بیش ظرفیتهای تعیین شده در قالب یک اداره کل دانست و تصریح کرد: اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی با آن حجم عظیم و گسترده جامعه هدف اعم از جهادگران داوطلب و ایثارگران شاغل و بازنشسته و همچنین تنوع در حوزه‌های فعالیت و شرح وظایف، کار دشواری در پاسخگویی و هماهنگی بر عهده دارد.

در بخش دیگری این نشست، سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران گزارشی از آمار ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی ارائه داد و گفت: یکی از مشکلات اصلی ما در خدمت رسانی، عدم فهم و ادراک صحیح از مشکلات و معضلات حوزه ایثارگران در سطوح مختلف جامعه و یا حتی سیستم اداری است.

وی تصریح کرد: متأسفانه مشکلات جامعه ایثارگری برای برخی از اقشار جامعه یا حتی سطوح مدیریتی، محسوس و ملموس نیست و این باعث بروز معضلاتی در حوزه تصمیم‌گیری، مدیریت و اجرا شده است.

رضوی در ادامه، عنایت مجموعه مدیران وزارت جهاد کشاورزی به مباحث ایثارگران را مطلوب ارزیابی کرد و افزود: البته وضعیت کنونی با آن شرایطی که در شأن این عزیزان و متناسب با مشکلات آنها باشد فاصله زیادی دارد. گفتنی است در پایان این نشست، در خصوص همکاری مشترک و تعاملات فرهنگی بحث و تبادل نظر شد.

نشست مشترک سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی با محمد رضا سوقندی مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور ایثارگران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در ابتدای این نشست صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران گزارشی از فعالیتهای فرهنگی در حوزه‌های انتشارات، اطلاع رسانی و ارتباطات، حفظ آثار و پژوهش را ارائه داد و به برنامه‌های این اداره کل در خصوص چهلمین سالگرد دفاع مقدس اشاره کرد.

در ادامه محمد رضا سوقندی مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور ایثارگران، ضمن تجلیل از زحمات جهادگران در هشت سال دفاع مقدس، مفهوم «جهاد» را محور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی دانست و گفت: هویت و ریشه این فرهنگ را می‌توان در فعالیتهای داوطلبانه، خودجوش و مردمی جهادگران در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین در پشتیبانی و مهندسی جنگ جستجو کرد.

وی افزود: نقش بارز و مهم جهادسازندگی در محرومیت زدایی و عمران روستاها به گونه‌ای بوده که در اقصی نقاط کشور همچنان جهادگران را سُمبل خدمت صادقانه و بی‌منت می‌دانند و محبوبیت عمومی آنها به این دلیل است.

سوقندی در ادامه سخنان خود، رسالت فرهنگی در پاسداشت یاد و خاطره



## تاکید مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران بر تشریح نقش زنان جهادگر در دفاع مقدس



و اعتبار کافی به اداره کل امور ایثارگران شدند. در بخش دیگری از این نشست، یدالله شمایی ضمن ابراز خرسندی از زحمات و خدمات همکاران در اداره کل امور ایثارگران در خصوص صدور کارت ایثار رزمندگان جهادگر، خواستار جمعیت دقیق آمار و اطلاعات موجود در این فرصت پیش آمده شد. سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران نیز ضمن تشریح فعالیت کمیسیونهای امور ایثارگران در سازمان جهاد کشاورزی استانها، از عملکرد آنان تقدیر کرد و در پایان نیز اعضا با اکثریت آرا با انتصاب علی اصغر چالیک بعنوان نماینده وزارت جهاد کشاورزی در کمیسیون امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان فارس موافقت نمودند.

کمیسیون مرکزی ایثارگران با حضور مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران و سایر اعضای کمیسیون تشکیل جلسه داد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در ابتدای این نشست سید حمزه رضوی نقش موثر زنان در دوران هشت سال دفاع مقدس را امری انکار ناپذیر و سرشار از ایثارگری آگاهانه است. مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران تصریح کرد: نقش مستقیم و غیرمستقیم زنان جهادگر در جنگ تحمیلی چه در میدان جهاد و چه در پشت جبهه، آنگونه که شایسته فداکاری، مقاومت و ایثار آنان است، تشریح نشده است.

رئیس کمیسیون مرکزی در ادامه سخنان خود فعالیت‌های زنان جهادگر در حوزه‌های نظامی، پشتیبانی و تدارکاتی، فرهنگی، بهداشتی و درمانی در ایام دفاع مقدس را سرشار از حس مسئولیت‌پذیری توصیف کرد و افزود: تشریح حضور پرشور و رشادتهای آنان در مناطق مرزی از جمله در شهرهای آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، اهواز، مهران، کرمانشاه و کردستان نباید مورد غفلت واقع شود. اعضای کمیسیون پس از بحث و تبادل نظر در خصوص پرونده‌های بانوان جهادگر مستقر در مناطق عملیاتی و جنگی، تصمیم‌گیری در این زمینه را به جلسات آتی موکول کردند. همچنین ضمن تأکید بر تجلیل از خانواده معظم شهدا و ایثارگران و فرماندهان و رزمندگان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد، اولویت برنامه‌های آتی خود در این زمینه را تعیین کرده و بر این اساس، طی درخواستی از مقام عالی وزارت و معاونت محترم توسعه مدیریت و منابع خواستار تخصیص بودجه لازم

## «جمهوریت» و «اسلامیت» نظام ما، در خدمات و اقدامات جهاد سازندگی خلاصه می‌شود



تاریخ شفاهی جهاد سازندگی اشاره کرد و بر لزوم اجرایی شدن برنامه‌های مشترک در حوزه‌های گوناگون تأکید کرد.

در بخش دیگری از این نشست، علیرضا بارگاهی رئیس اداره حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران، به اولویت این اداره در خصوص خاطره نگاری و تاریخ شفاهی فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی اشاره کرد و گفت: از برخی فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ تا به امروز مصاحبه‌ای در دست نداریم.

در ادامه سعید زجاجی کارشناس حوزه تاریخ شفاهی اداره کل امور ایثارگران، به خلاصه‌مندی جامع در تشریح اقدامات جهاد سازندگی در ادوار مختلف انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: فرمانده محوری در مبحث خاطره نگاری، سبب پوشش فعالیت‌ها یا گردان یا یک استان است.

در پایان این نشست، صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران ضمن جمع‌بندی مباحث، به نقاط مشترک فرهنگی با دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی اشاره و ابراز امیدواری کرد: به زودی تفاهمنامه همکاری مشترک در حوزه فرهنگی و پژوهشی منعقد خواهد شد.

نشست مشترک واحد تاریخ شفاهی جهاد سازندگی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با معاونت فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این نشست صادق صدقگو ضمن تسلیت ایام شهادت سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) گفت: حضور و فعالیت جهاد سازندگی به عنوان تشکلی مردم‌نهاد و مردم‌محور، منطبق بر ادامه قسط و عدل در اندیشه اسلامی بود. معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران، جهاد سازندگی را از برکات انقلاب اسلامی دانست و افزود: «جمهوریت» و «اسلامیت» نظام ما در خدمات و اقدامات جهاد سازندگی خلاصه می‌شود. وی در ادامه بر لزوم همکاری و هم‌افزایی این اداره کل و دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی تأکید کرد و تصریح کرد: فراوانی و تنوع سوژه‌ها از مزیت‌های جهاد سازندگی است.

صدقگو تأکید کرد: بستر همکاری مشترک و زمینه فعالیت در این حوزه شرح وظایف فرهنگی و پژوهشی این اداره کل خصوصاً بر محور تشریح اقدامات، خدمات و ابتکارات جهاد و اتصال آن با فعالیتهای امروز مجموعه جهاد کشاورزی در حوزه تأمین امنیت غذایی و خوداتکالی کشور در این بخش آماده است.

در این نشست محسن صفایی از اعضای دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، با بیان نگاه تخصصی این دفتر به فعالیت‌های جهاد سازندگی در دهه شصت، آمادگی این دفتر جهت تعامل و همکاری با اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی را اعلام کرد.

وی در ادامه، به اولویت‌های موضوعی و تولید محتوای گوناگون اشاره کرد و گفت: از خلاهای حوزه ادبیات و تاریخ انقلاب اسلامی، تشریح دقیق خدمات جهادگران به مردم در قبل از آغاز جنگ تحمیلی، دفاع مقدس و دوران بازسازی است. در ادامه این نشست رحیمی مسئول واحد تاریخ شفاهی جهاد سازندگی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، به اقدامات این دفتر در حوزه

## در نشست با مدیرعامل بنیاد سینمای فارابی مطرح شد: «نقش جهاد در دفاع مقدس» بر پرده سینما



اجتماعی سطوح مختلف جامعه ایرانی را به تصویر می کشد یا به تصویر کشیدن نقش بارز و تعیین کننده مهندسی-رزمی جهاد در دوران دفاع مقدس، موضوعی مهم و در عین حال مغفول مانده است.

تابش فعالیت‌های گروه‌های مردمی و جهادی در مقابله با ویروس کرونا را برخواسته از این روحیه دانست و گفت: نهادینه شدن فرهنگ جهادی در میان سطوح مختلف کشور، در گرو تفسیر دقیق ابعاد و ریشه‌های آن است که پرداختن به نقش جهاد سازندگی در قبل از آغاز جنگ تحمیلی، حضور در دفاع مقدس و حتی دوران بازسازی، سهم بسزایی در آن دارد. در پایان این نشست، در زمینه استفاده از فیلم‌های مرکز آرشیو اداره کل امور ایثارگران جهت تولید مستند و همچنین برنامه ریزی برای تولید فیلم سینمایی به صورت مشارکتی با موضوع تشریح نقش جهاد سازندگی در دفاع مقدس بحث و تبادل نظر شد و در این زمینه توافقاتی به عمل آمد که نتیجه گیری نهایی به جلسات آینده موکول شد.

خدمات ماندگار و اقدامات اثرگذاری را در بخش‌های مختلف از فرهنگی و عقیدتی تا عمرانی و سازندگی انجام دهد که شاهکار فعالیت‌های آنان را می توان در عرصه پشتیبانی و مهندسی جنگ مشاهده کرد.

در ادامه این نشست علیرضا تابش مدیرعامل بنیاد سینمای فارابی به حضور موثر جهادگران در عرصه‌های مختلف خصوصاً مهندسی فرهنگی کشور اشاره کرد و گفت: در کنار فعالیت‌های عمرانی و سازندگی و یا پشتیبانی و مهندسی جنگ، جهاد در عرصه فرهنگی نیز اقدامات ماندگاری با محوریت شهید سید مرتضی آوینی در گروه تلویزیونی جهاد داشته است که فعالیت در سایر حوزه‌ها مثل انتشار نشریات مختلف، کتاب و... بخش دیگری از آن است. وی در بخش دیگری از سخنان خود، ریشه فعالیت‌های جهاد در دوران دفاع مقدس خصوصاً در امر پشتیبانی جنگ را از پایین‌ترین اقشار جامعه تا اقشار برخوردار دانست و گفت: به تصویر کشیدن این ابعاد شاخص در پشت جبهه‌ها که ابعاد مسئولیت پذیری

نشست مشترک صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران با علیرضا تابش مدیرعامل بنیاد سینمای فارابی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در ابتدای این نشست صادق صدقگو گزارشی از فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه فرهنگی خصوصاً مرکز آرشیو و اسناد دفاع مقدس و همچنین تولید و نشر محتوای بصری از فیلم‌های منتشر نشده آن اشاره کرد و آخرین محصولات فرهنگی اداره کل امور ایثارگران (کتاب، نرم افزار چند رسانه‌ای، کلیپ، ماهنامه پل و...) را ارائه کرد.

وی در ادامه به نقش محوری جهاد سازندگی به عنوان تشکیلاتی مردم نهاد و خدمت محور اشاره کرد و گفت: جهاد سازندگی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، ریشه‌های تفکر «همه با هم» به عنوان یکی از اصول اساسی برای رسیدن به آرمانها و اهداف انقلاب را در کشور نهادینه کرد و بر این اساس توانست با تکیه بر ظرفیتهای عمومی و پتانسیل های جامعه،



## ۱۲۰ پرونده متقاضیان ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه کشور از استان خراسان رضوی بررسی شد



رای نهایی اعضای کمیسیون پزشکی مرکز شهید شوریده صورت نخواهد پذیرفت. سیروس رجبی گفت: بر اساس هماهنگی انجام شده با دکتر موسوی رئیس کمیسیون عالی پزشکی مرکز شهید شوریده، صدور رای برای پرونده هایی که دارای مشاوره پزشکی، نظریه و آزمایشهای بالینی مورد تایید پزشکان معتمد مرکز شهید شوریده در شهر مشهد باشند، اقدام خواهد شد و مشکل آرای نهایی پرونده های متقاضیان بدون حضور این عزیزان صادر و پس از تکمیل مدارک بالینی در اسرع وقت به کمیسیون عالی پزشکی سپاه ارجاع خواهد شد.

سیروس رجبی رییس اداره تعاون و رفاه در این جلسه، ضمن تقدیر و تشکر از پیگیری و حضور رضا نوری رییس اداره امور ایثارگران استان خراسان رضوی گفت: تسریع در تعیین تکلیف سوابق بالینی پرونده ها در اولویت اول برنامه های اداره تعاون و رفاه می باشد. در این نشست، ضمن تشریح فعالیت های انجام گرفته برای اجرایی شدن ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه کشور توسط کارشناس مجروحین این استان، موضوع ارجاع پرونده ها بدون داشتن مدارک بالینی به کمیسیون عالی پزشکی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و اعلام شد که این موضوع بدون داشتن

جلسه مشترک مشاور رئیس سازمان و رئیس اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان رضوی با رییس اداره تعاون و رفاه اداره کل امور ایثارگران برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این نشست که در خصوص بررسی و رسیدگی به سوابق متقاضیان فاقدین مدارک بالینی بر اساس ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه کشور و با حضور کارشناسان اداره کل و این استان تشکیل شده بود، تعداد ۱۲۰ فقره از پرونده های مشمولین این بند از قانون برنامه ششم توسعه رسیدگی شد.

مازندران

## جلسه کمیته پیشکسوتان نیروهای مسلح و پشتیبانی استان مازندران

نشست هم‌اندیشی کمیته پیشکسوتان نیروهای مسلح و پشتیبانی استان مازندران برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران؛ در راستای گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس و برگزاری همایش آیین نکوداشت پیشکسوتان نیروهای مسلح و رزمندگان جهادگر استان مازندران این جلسه در اداره کل تامین اجتماعی نیروهای مسلح استان با حضور نمایندگان ارتش، سپاه، بسیج، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت دفاع، اداره کل حفظ آثار، سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح و سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح به منظور هماهنگی بیشتر در برگزاری این همایش و تجلیل و تکریم از فرماندهان و پیشکسوتان دفاع مقدس برگزار گردید.



چهارم‌حال و بختیاری

## مراسم تجلیل از آزادگان سازمان جهاد کشاورزی استان چهارم‌حال و بختیاری برگزار شد



اسارت تیر خلاصی بود بر پیکره دشمنان انقلاب اسلامی و صبر ایثار و ایستادگی آنان جهاد رزمندگان ما را در دوران هشت ساله دفاع مقدس تکمیل کرد. عزت‌الله قادری افزود، باید قردان آزادگان سرافراز هشت سال دفاع مقدس باشیم که برای اعتلای میهن ذره‌ای کم نگذاشتند و یا ایثار و فداکاری خود موجب عزت نظام و انقلاب شدند. وی آزادگان را آزادمردان عرصه جهاد و شهادت دانست و افزود آنها با ایمان راسخ در برابر همه فشارها و سختی‌ها و شکنجه‌های جسمی و روحی ایستادند و هراسی به خود راه ندادند و مردانه و جانانه مقاومت کردند. همچنین در این مراسم خاطرات تلخ و شیرین اسارت‌یادگاران هشت سال دفاع مقدس بازگو شد.



هم‌زمان با ۲۶ مرداد ماه، سالروز ورود آزادگان سرافراز به میهن اسلامی طی مراسمی از آزادگان سازمان جهاد کشاورزی این استان تجلیل به عمل آمد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران؛ در این مراسم که به حضور دکتر غریب رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان، مسئول حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان جهاد کشاورزی استان، معاون توسعه و مدیریت منابع، رئیس اداره امور ایثارگران و رئیس اداره روابط عمومی سازمان برگزار شد از ۲۳ آزاده جهادگر و سنگرساز بی‌سنگر سازمان جهاد کشاورزی استان تجلیل به عمل آمد. رئیس اداره امور ایثارگران در مراسم تجلیل از آزادگان سازمان جهاد کشاورزی استان اظهار کرد؛ صبر و مجاهدت آزادگان در دوران



## گرامیداشت سالروز ورود آزادگان در سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی

به مناسبت ۲۶ مردادماه سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، طی مراسمی از آزاده سرافراز بهمن رسولی تجلیل شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران؛ این مراسم با حضور ریاست سازمان، معاونت توسعه و منابع، همکاران صدا و سیما و رئیس امور ایثارگران این سازمان برگزار شد. در پایان به رسم ادب، با اهدای لوح سپاس از ایشان تقدیر گردید.



## تجلیل از آزاده سرافراز سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان

به مناسبت سالروز ورود آزادگان سرافراز، از یحیی جلینی آزاده و جانباز معزز این سازمان با حضور ریاست سازمان، معاون توسعه مدیریت و منابع، مدیر امور اداری و رئیس اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان با اهدای لوح سپاس تجلیل به عمل آمد.



**خراسان جنوبی**

**گرامیداشت سالروز ورود آزادگان در سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان جنوبی**

مراسم تجلیل از آزادگان سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان جنوبی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران؛ همزمان با گرامیداشت ۲۶ مرداد ماه سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی مراسم دیدار و تجلیل از آزادگان سرافراز سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی با حضور حجت الاسلام و المسلمین سجادی مسئول حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان، ریاست سازمان و مشاور رئیس سازمان و رئیس اداره امور ایثارگران این سازمان برگزار شد.



**اردبیل**

**گرامیداشت هفته دولت در سازمان جهاد کشاورزی استان اردبیل**



دیدار و تجلیل از والدین وهمسران شهدای والامقام، همزمان با گرامیداشت هفته دولت در سازمان جهاد کشاورزی استان اردبیل انجام شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران؛ به مناسبت گرامیداشت هفته دولت دیدار و تجلیل از والدین وهمسران شهدا در شهرستان‌های پارس آباد، اصلانوز و خلخال استان اردبیل با حضور مسئولین سازمان جهاد کشاورزی استان ومدیریت‌های توابع انجام شد. در این دیدار، به رسم یادبود لوح سپاس و هدایایی به این عزیزان اهدا شد.

**کردستان**

**گرامیداشت هفته دولت در سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان**



دیدار با خانواده معظم شهدا و ایثارگران همزمان با هفته دولت با حضور مسئولین این سازمان انجام شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران؛ دیدار با خانواده معظم شهید صالح کریم پور وهمچنین دیدار با آزاده گراندقدر سید کریم حسینی از آزادگان جهاد کشاورزی شهرستان بانه، با حضور مهندس احمدی معاونت امور تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان، مهندس شریفی مدیر جهاد کشاورزی شهرستان بانه و رئیس اداره بنیاد شهید و امور ایثارگران این شهرستان برگزار شد. در این دیدار، به رسم یادبود لوح سپاس و هدایایی به این عزیزان اهدا شد.



# از سبک‌های جمع



هجران غمبار یکی از اسوه‌های رشادت، ایثار و مجاهدت،

## جانباز جهادگر زنده یاد دکتر حاج علی‌رضا زواره

فرمانده گردان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی استان تهران

که نمادی جاویدان از سلحشوری و جانفشانی «سنگر سازان بی سنگر»

در هشت سال دفاع مقدس و روحیه‌ی جهادی و تعهد آنان

در عرصه «جهاد فرهنگی» بود را به حضور همه هم‌زمان، هم‌سنگران

و پیشکسوتان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد

تسلیمت عرض می‌کنیم.



شورای سردبیری و هیأت تحریریه ماهنامه پل



# مناسبت‌های شهریورماه:

۶ شهریور	آزمایش موفقیت آمیز موشک هدایت شونده با برد ۲۵۰ کیلومتر توسط مرکز تحقیقات مهندسی جهاد سازندگی (طراحی و تولید) ۱۳۷۳
۱۰ شهریور	عملیات کربلای ۲ منطقه حاج عمران عراق، ۱۳۶۵
۱۱ شهریور	عملیات کربلای ۳ شمال غربی خلیج فارس ترمینال نفتی الامیه والبکر، ۱۳۶۵
۱۱ شهریور	شهادت محمد طرحچی ۶۰ بستان
۱۳ شهریور	عملیات نامنظم فتح ۱۰، شمال شرق استان اربیل عراق، ۱۳۶۶
۱۸ شهریور	عملیات قادر، غرب اشنویه و ارتفاعات کلاشین در داخل خاک عراق، ۱۳۶۴
۲۶ شهریور	عملیات حسین بن علی در منطقه ی عملیاتی میمک، ۱۳۶۱
۲۷ شهریور	عملیات نامنظم ظفر ۱، عمق ۲۰۰ کیلومتری استان دھوک و استان سلیمانیه عراق، ۱۳۶۶
۲۷ شهریور	عملیات شهید مدنی، منطقه ی عملیاتی سوسنگرد، ۱۳۶۰
۳۰ شهریور	تشکیل ستاد جهاد سازندگی خارج از کشور، ۱۳۵۹





# یک عکس، یک حکایت



## افتخار

در محور سایت<sup>۱</sup>، پس از بعضی کارهای پدافندی به سه اکیپ تقسیم شدیم. قرار بود یک گروه از محور مسلحه، یک گروه از محور دره جنگ و یک گروه هم از محور تپه‌سبز عمل کنند. من و شهید پورمیدانی در محور تپه‌سبز بودیم. ایشان فرماندهی محور بود. شب عملیات در زیر پلی که نام آن پل چهار دهنه بود، مستقر شده، منتظر دستور نیروهای نظامی بودیم که کار را شروع کنیم. تا ساعت سه الی چهار صبح بچه‌های المهدی که از روبروی سایت عمل می‌کردند نتوانستند خط را بشکنند.

بعد بچه‌های لشکر ۲۱ حمزه، تپه‌ی مشرف به سایت را تصرف کردند و ما با دستگاه و امکانات به آنجا رفتیم. در آنجا حاج احمد پورمیدانی تصمیم خوبی گرفت و گفت، باید جاده‌ای را تا سر تپه احداث کنیم، به سر تپه که رسیدیم یک پیشانی بزرگ هم زدیم که نیروها آمدند پشت این پیشانی و با ۱۰۶ و تانک جاده‌ی را زیر آتش گرفتند. این خود، عامل مهمی در سقوط آن جبهه بود.

سروانی از لشکر ۲۱ آمد و گفت به دستور چه کسی این جاده و خاکریز را زدید؟ اول جاخورد، گفتیم خدایا چه اشتباهی کرده‌ایم؟ گفتیم که مسئول ما حاج احمد است. حاج احمد از همه‌ی ما ریزتر بود و با یک دمپایی ایستاده بود. جناب سروان رفت و صورت حاج احمد را بوسید و گفت، تاریخ به امثال تو افتخار خواهد کرد. با این که نظامی نیستی، کارت را دقیق انجام دادی. این افسر از همانجا با حاج احمد دوست شد و خیلی از او خوشش آمده بود. وقتی توپخانه‌ی دشمن به تصرف نیروهای ما در آمد، خط شکسته شد و از دو طرف الحاق صورت گرفت. نیروهای عراق به محاصره در آمدند. تانک و امکانات زیادی از آنها در دشت چنانچه به جا ماند و یک دفعه جبهه بزرگی آزاد شد. بچه‌ها به سرعت در دشت چنانچه مستقر شدند و آن عملیات بزرگ، با موفقیت به پایان رسید. عملیاتی که امام آن را فتح‌الفتوح نامید و در تاریخ جنگ‌های عملیاتی، بی نظیر یا کم نظیر بود.

۱. سایت: اصطلاح، سایت موشکی در منطقه عملیاتی فتح‌المبین

راوی: سردار جهادگر شهید سعید پورجعفری







# قاب خاطرات



سنگر سازان بی سنگر گردان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی استان فارس،  
سال ۱۳۶۱، نهر علم، آبادان



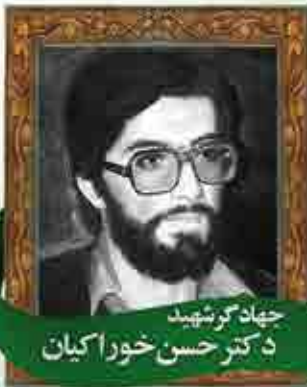


در آستانه ۱ شهریور، زادروز ابو علی سینا و «روز پزشک»

یاد و خاطره

# شهادت جهادگر پزشک

واگرامی می‌داریم



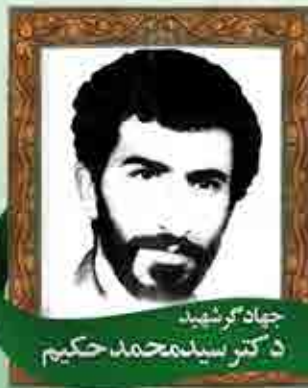
جهادگر شهید  
دکتر حسن خوراکیان



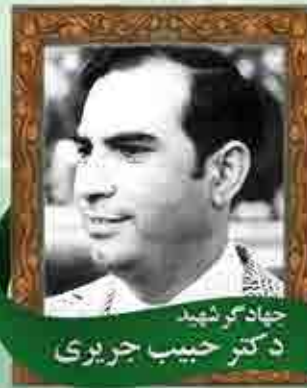
جهادگر شهید  
دکتر مصطفی شهیدزاده



جهادگر شهید  
دکتر سیدعلی رحمن فاضلی زاده هاشمی



جهادگر شهید  
دکتر سیدمحمد حکیم



جهادگر شهید  
دکتر حبیب جریری



کمیته بهداشت و درمان



# سرداران رشید اسلام

فرماندهان شهید شہریورماہ:

# POL

Electronic Publication of  
the Department of the Jihad  
Isargaran Affairs

